

فصل اول

مقدمه و کلیات

جنگ شناسی یا پولمولوژی با جامعه شناسی جنگ - یعنی شناخت تأثیر جنگ بر جامعه و متقابلاً تأثیر جامعه بر جنگ - متفاوت است. همچنین باید آن را از علم جنگ به مفهومی که در مراکز نظامی تعلیم می دهند و متخصصان نظامی، فرماندهان و افسران را تربیت می کنند. (ادیبی سده، ۱۳۷۹:۸)

پولمولوژی، ترکیبی از واژه های یونانی polemos به معنای «جنگ» و logos به معنای «بررسی و شناسایی» است و در شکل کلی می توان آن را «علم جنگ» نامید. پولمولوژی به مطالعه شکل ها، علت ها، نتیجه ها و عملکردهای جنگ به عنوان یک پدیده اجتماعی می پردازد. (بوتول، ۱:۱۳۶۸)

جنگ، بی تردید، شگفت انگیزترین پدیده اجتماعی است. اگر بنا به گفته دورکیم جامعه شناسی بیان تاریخ به صورتی دیگر باشد، می توان گفت که جنگ آفریننده تاریخ است. در واقع، تاریخ صرفاً با توصیف کردن کشمکش های مسلحانه آغاز شده است و بعید می نماید زمانی برسد که این پدیده کاملاً از بین برود، زیرا جنگ ها مشخص ترین مبادی تاریخ، و در عین حال، مرزهایی هستند که مراحل مهم حوادث را از یکدیگر متمایز می کنند. تقریباً تمامی تمدن های معروف بر اثر جنگ از بین رفته اند. همه تمدن های جدید نیز با رخ دادن

جنگ پا به عرصه وجود نهاده اند. سیادت هایی که هر از چندگاه، نوعی جامعه خاص را در صدر جوامع بشری می نشانند، زاده جنگ هستند و مشروعیت خود را از آن نيم گیرند.

به علاوه، جنگ یکی از عوامل اصلی تقلید جمعی است که در تغییرات اجتماعی نقش بسیار مهمی ایفا می کنند. جنگ بسته ترین جوامع را و می دارد تا دیر یا زود دروازه های خود را بگشایند؛ مانند چین، ژاپن یا مراکش در طول قرن اخیر. جنگ احتمالاً نیرومندترین شکل تماس تمدن ها با یکدیگر است. جنگ انزوای روانی را به زور از بین می برد و حتی در نوع پوشش نیز تأثیر می گذارد. از روی برش لباس نظامیان می توان فاتح حقیقی جنگی را که سال ها پیش درگرفته است تشخیص داد؛ بعد از حکومت ناپلئون، از لباس های نظامی فرانسوی تقلید می کردند، پس از سال ۱۹۱۸ از لباس های نظامی انگلیسی، و امروز از لباس های نظامی امریکایی و روسی تقلید می کنند.

مختصر اینکه جنگ از تمامی شکل های تحولات حیات اجتماعی مهم تر است. جنگ نوعی «تحول شتابان» است. بنابراین، شاید تعجب آور باشد که چرا تا کنون علمی واقعی به نام «جنگشناسی» یا «پولمولوژی» به وجود نیامده است. به راستی، چرا کمتر محققى به مطالعه عینی ویژگی ها و جنبه های عملکردی جنگ، که مهم ترین پدیده اجتماعی است، رغبت نیافته است؟ از نیم قرن پیش تا

کنون شاهد افزایش آزمایشگاه هایی هستیم که به مطالعه تخصصی بروی بیماری های مهلک مانند سرطان، سل، طاعون و تب زرد می پردازد.

تعداد این آزمایشگاه ها مدام در حال افزایش است و باید چنین باشد. اما چرا برای مطالعه جنگ که به تنهایی بیش از همه بلایا و آفات قربانی گرفته و مصیبت وبه بار آورده است، جتی یک مؤسسه تحقیقاتی تأسیس نشده است؟

ارسطو می گوید که علم، زاده حیرت است. می توان گفت نخستین چیزی که مانع مطالعه علمی موقله جنگ می شود این است که این پدیده در عین حیرت انگیز بودن، برای ما به قدری عادی است که به سختی می توانیم از آن شگفت زده شویم. پرودن؛ نظریه پرداز سوسیالیست فرانسوی می گوید: (هیچ خواننده ای نیاز ندارد به او بگویند که جنگ از لحاظ فیزیکی یا تجربی چگونه چیزی است. هر کس تصویری از جنگ دارد؛ بعضی به سبب آنکه خود شاهد جنگ بوده اند، جمعی به علت ارتباطات عدیده ای که با جنگ داشته اند و بسیاری به علت آنکه خود مستقیماً جنگیده اند. بنابراین، ابتدا باید با اسن بداهت کاذب جنگ مبارزه کرد. در این مورد، بداهت ناشی از عادت روانی است دکه از بچگی در ما به جا مانده است. تمام پسر بچه ها دوست دارند از سربازان تقلید و جنگ بازی کنند.»

^۱-Pieere Joseph Prodhon

دومین مانع بر سر راه مطالعه علمی جنگ، این است که جنگ ظاهراً به طور کامل به اراده ما بستگی دارد. جنگ آغاز و پایانی دارد و در لحظه ای مشخص با همه تشریفات سیاسی و مذهبی خاص خود شروع می شود. برای جنگ دلایلی برمی شمارند که از مدت ها پیش از طریق بحث و مشورت تدارک دیده شده اند. به نظر ما، اگر هر جنگی مستقلاً در نظر گرفته شود، ارادی، قابل اجتناب و صرفاً معلول تصمیمی که از دیرباز سنجیده و پخته شده است، به نظر خواهد رسید.

بی شک این اعتقاد که جنگها کاملاً ارادی و آگاهانه اند، از مانعی اصلی سرچشمه می گیرد که بر سر راه مطالعه علمی جنگها قرار دارد. در اینجا سخن از یک «مغالطه حقوقی» به میان می آید. با وجود تکذیب مکرر تاریخ، حقوقدانان هنوز جنگ را از مقوله نزاع میان افراد، مشاجره، دوئل یا کشمکش توأم با فحاشی می دانند. گاهی با نیز به تقلید از قراردادهای حقوقی خصوصی یا قانون جزا، برای پیمان ها، دادگاه ها یا قوانین بین المللی طرح هایی تهیه می کنند. عده ای می خواهند با نوعی آئین، مطابق الگوی قواعد جنگ تن به تن یا مقررات بوکس و فوتبال، برای جنگ مقرراتی تدوین کنند. طرح های حاکمیت نیز تا کنون حاصلی جز بازنویسی حقوق خصوصی، یا حداکثر حقوق خانجانی

با تعبیر خاص آن از حکمیت نیولداران در منازعات، مانند دادگاه بارون ها، حاصلی نداشته است.

اگرچه این همه، مسکن هایی آنی هستند و راه حل های موقت اند، هرچه قدر مشروع و قابل درک باشند، مانع اصلی بر سر راه مطالعه علمی جنگ ها به حساب خواهند آمد (بوتول، ۱۳۶۸: ۴-۲). بدین ترتیب، می توان گفت و صاحب نظران علوم اجتماعی، توجه نسبتاً ناچیزی به مطالعه در باره جنگ نشان داده اند. (باتومور، ۱۳۵۷: ۲۴۹)

کلیات و مقررات

جنگ ایران و عراق

پس از یک رشته تنش های سیاسی و برخوردهای مرزی که چند صباحی بعد از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ بین دو کشور ایران و عراق پدیدار شد، سرانجام در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، دولت عراق یک جنگ خانمانسوز را علیه ایران آغاز کرد که هشت سال ادامه داشت.

فصلنامه فرهنگی - اجتماعی گفتگو در شماره ۲۳ خود در این باره می نویسد: «اشاره به زمینه تاریخی این رویارویی گذشته از اختلافات مرزی دیرینه ایران

و عراق که از سابقه ای چند صد ساله برخوردار بود، یکی از ریشه های اصلی این تنش را در شکل گیری نوعی ناسیونالیسم رادیکال در جهان عرب باید جستجو کرد که در سال ۱۹۵۸ با پیروزی کودتای عبدالکریم قاسم، تحولات عراق را نیز تحت الشعاع خود قرار داد. از این مرحله به بعد بود که جهان بینی حاکم بر بغداد به نحوی روزافزون با فزون طلبی های عربی توأم شد. سیاستی که مطامع ارضی نسبت به ایران یکی از ارکان اصلی آن را تشکیل می داد.

با پیروزی انقلاب و تبدیل ایران به کشوری که تحولات آن می توانست جنبش های اسلامی جاری در کشورهای منطقه و به ویژه حرکت های اسلامی شیعیان عراق را نیز تحت الشعاع قرار دهد. ابعاد جدیدی بر تنش های پیشین افزوده شد. انقلاب سال ۱۳۵۷ در عین افزودن این بعد جدید به مناسبات منطقه ای. با آشفته گی های اجتناب ناپذیری که بالاخص در عرصه آمادگی های دفاعی کشور به دنبال آورد، عراق را بر آن داشت که خط مشی ای تهاجمی اتخاذ کند. عراق در این رویکرد جدید، از حمایت و پشتیبانی بسیاری از کشورهای عرب منطقه. و همراهی قدرت هایی چون ایالات متحده و اتحاد شوروی - هر یک به دلایل خاص خویش - نیز برخوردار بود... پس از دوره ای از برخوردهای حاد مرزی که بعدها روشن شد که هدف عراق از طرح آن ها برآورد توان دفاعی ایران

^۲ - قبل از شکل گیری کشور امروزی عراق، از زمان صفویه بین دو کشور ایران و عثمانی اختلافات ریشه داری بوجود آمد که منجر به جنگهای خانمانسوزی شد. این اختلافات هرگز به طور ریشه ای حل نشد و پس از

بوده است. با بمباران تعدادی از فرودگاه های عمده کشور توسط نیروی هوایی عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ جنگ آغاز شد. نقشه زیر نقاطی که حملات عراق از آنجا آغاز شده است را نشان می دهد. (مجله گفتگو، ۱۳۷۸: ۹-۷)

شکل ۱-۱: نقاط مورد تهاجم عراق

هجوم گسترده و وسیع ارتش عراق از زمین و هوا علاوه بر وارد کردن خسارتهای بزرگ مادی و انسانی، منجر به آوارگی و مهاجرت عظیم و توده وار هزاران نفر از ساکنان درگیر جنگ به نقاط مختلف کشور، از جمله استان فارس شد. بر اساس آمار شهریور ماه سال ۱۳۶۴، تعداد کل مهاجران در سطح شهرهای مختلف ۱۰۱۳۰۵۹ نفر برآورد شده است. این در حالی است که بر طبق آمار منتشره از سوی بنیاد امور مهاجرین جنگ تحمیلی مرکز استان فارس در سال ۱۳۶۵، وضعیت آماری مهاجران جنگی در این استان به شرح زیر بوده است. (نوذری و میلدن، ۱۳۶۷: ۲۶۶)

جدول ۱-۱: وضعیت مهاجران جنگی مقیم استان فارس در سال ۱۳۶۵

| وضعیت | تعداد خانوار | نفر | مرد | زن |
|-------|--------------|-----|-----|----|
|-------|--------------|-----|-----|----|

فروپاشی دولت مقتدر عثمانی و تشکیل کشور عراق نیز ادامه پیدا کرد.

| | | | | |
|-------------|-------|-------|-------|-------|
| تحت پوشش | ۸۶۵۰ | ۳۷۰۹۴ | - | - |
| درصد | ۵۰ | ۴۴ | - | - |
| نیمه خودکفا | ۱۶۲۳ | ۸۴۵۷ | - | - |
| درصد | ۹/۳۸ | ۱۰/۳۰ | - | - |
| جمع | ۱۷۲۹۹ | ۸۴۲۹۸ | ۴۱۹۳۶ | ۴۲۳۶۲ |
| درصد | ۱۰۰ | ۱۰۰ | ۴۹/۷۴ | ۵۰/۲۶ |

قابل توجه است که در حدود ۷۵/۵۸ درصد از این افراد از شهر آبادان، ۲۳/۵۴ درصد از شهر خرمشهر و ۸۸ درصد از سایر شهرستانهای استان خوزستان به استان فارس مهاجرت کرده اند، ضمن اینکه، درصد پراکندگی مهاجران جنگی خوزستان، در شهرستانهای استان فارس به ترتیب زیر بوده است. (همان، ۲۲۷-۲۲۶):

جدول ۱-۲ آمار پراکندگی مهاجران جنگی در شهرهای استان فارس در سال

۱۳۶۵

| شهر | تعداد خانوار | نفر | درصد |
|--------|--------------|-------|------|
| شیراز | ۱۱۹۳۶ | ۵۸۱۷۶ | ۶۹ |
| کازرون | ۱۳۸۴ | ۶۷۴۴ | ۸ |
| فسا | ۶۹۲ | ۳۳۷۲ | ۴ |

| | | | |
|-----|-------|-------|--------|
| ۴ | ۳۳۷۲ | ۶۹۲ | مرودشت |
| ۳ | ۲۵۲۹ | ۵۱۹ | جهرم |
| ۱۲ | ۱۰۱۰۵ | ۳۰۷۶ | سایر |
| ۱۰۰ | ۸۴۲۹۸ | ۱۷۲۹۹ | جمع |

پس از پایان جنگ و پذیرش قطعنامه شماره ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل از طرف ایران و عراق و در پی آن متارکه جنگ در تیرماه ۱۳۶۷، بازسازی مناطق آسیب دیده به سرعت پا گرفت. به تدریج با آماده شدن شرایط، بازگشت مهاجران نیز آغاز شد. بر اساس اظهارات مدیرکل اداره «بازگشت و اشتغال ستاد مرکزی بازسازی مناطق جنگی» با بازسازی بخش بزرگی از واحدهای آسیب دیده در مناطق جنگ زده از آغاز ۱۳۶۹ تا سال ۱۳۷۵، بیش از یک میلیون نفر از مهاجران جنگ تحمیلی به شهرها و روستاهای خود بازگشتند و در ۱۶ شهر و بیش از ۲۰۰۰ روستا ساکن شدند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۵:

(۱۳۱)

طرح مسئله

با وجود بازگشت تعداد زیادی از مهاجران جنگی به محل سکونت قبل از جنگ خود، هنوز تعداد قابل توجهی از مهاجران جنگی در شهرهای محل مهاجرت خود باقی مانده اند و احتمالاً قصد دارند برای همیشه در آن شهرها سکونت کنند. چنانچه بر اساس مدارک موجود در استانداری فارس و بر اساس گفته‌های مسئول و کارشناس امور مهاجران جنگی مستقر در استانداری فارس، در حدود ۲۰۰۰ خانواده جنگ زده خوزستانی به صورت مستقل یا تحت پوشش اداره بهزیستی استان فارس در شهرستان های این استان باقی مانده اند. با اینکه با پایان یافتن جنگ و بازگشت بخش عمده ای از مهاجران جنگی به محل سکونت قبلی شان بخشی از مشکلات حل می شود، مسائل ناشی از این پدیده طوری است که آثار آن در مقصد تا مدت های مدیدی همچنان باقی می ماند.

اگرچه مهاجران جنگی، خود پدیده یا ناشی از جنگ هستند و تحت تأثیر آثار اقتصادی و اجتماعی و تبعات دیگر جنگ قرار می گیرند، از سوی دیگر به عنوان پدیده ای جدید بر محیط های شهری و روستایی مناطق غیر جنگی، اثر می گذارند و روال عادی و معمول زندگی آن را دچار تغییر و تحول می کنند. معمولاً مهاجرت ها در سطح کلان، موجد تغییراتی در سلسله مراتب ارزشها یا فرهنگ عمومی جامعه مهاجرپذیر می شوند و در سطح خرد، مشکلاتی را در

^۲ - این آمار از مهاجران جنگی خوزستان، در مراجعه حضوری به استانداری و اداره کل بهزیستی استان فارس، این آمار از مهاجران در گفت و گو با مسئولان مربوطه ارائه شد.

زمینه نبود تفاهم اجتماعی و تقابل فرهنگی مهاجران با جامعه میزبان پدید می آورند.

مهاجرت پدیده پیچیده ای است که با زمان، فرهنگ و شرایط اقتصادی در ارتباط است و همان گونه که در تعاریف آن آمده است، نوعی انطباق و سازگاری اجتماعی است که در پاسخ به نیازهای اقتصادی، اجتماعی و تحولات فرهنگی که از جریان ها و حوادث ناشی می شوند، در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی پدید می آید. (شیخی، ۱۳۶۷: ۱۴۹)

اگرچه جنگ در ابعاد مختلف تغییر و تحولاتی اساسی را در جامعه ایجاد می کند، مهاجرت و آثار و عوارض آن در جامعه و خود مهاجران جنگ‌زده از مهم‌ترین مقوله‌هایی هستند که توجه و دقت ویژه‌ای را می‌طلبند. جنگ از تمامی شکل‌های تحول حیات اجتماعی مهم‌تر است؛ جنگ نوعی تحول شتابان است (بوتول، ۱۳۶۸: ۵۳) و مهاجرت ناشی از جنگ یکی از اساسی‌ترین عواملی است که این تحولات را برجسته می‌سازد.

اساساً جنگ‌ها و مهاجرت‌ها را موجب می‌شوند و مهاجرت‌ها زمینه‌ها را لازم را برای تغییرات عمیق فرهنگی - اجتماعی پدید می‌آورند. برای مثال، تا سال ۱۸۵۱، نیم میلیون ایرلندی به علت جنگ و قحطی دیرپا به انگلستان و ولز مهاجرت کردند و در آنجا ساکن شدند. (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۸۲) تعقیب و آزار نازی

ها در اوایل دهه ۱۹۳۰ نسلی از یهودیان اروپا را از بیم جان وادار به گریز به سوی غرب کرد. در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بریتانیا مهاجرت بی سابقه ای را تجربه کرد؛ صدها هزار مهاجر از کشورهای مشترک المنافع در جست و جوی فرصت‌های شغلی به این کشور سرازیر شدند. در سال‌های اخیر نیز این روند همچنان ادامه داشته است. بر اساس گزارش سازمان ملل، در سال‌های اخیر نیز این روند همچنان ادامه داشته است. بر اساس گزارش سازمان ملل، درگیری‌های مسلحانه در سال ۱۹۹۸ در بسیاری از کشورها حدود یکصد میلیون انسان را در چرخه و کشمکش‌های داخلی و گرسنگی ناشی از آن گرفتار زلید و پنجاه میلیون نفر را وادار به ترک خانه و کاشانه خود کرده است. این مهاجرت‌ها در سطح کلان، موجد تغییراتی در سلسله مراتب ارزش‌ها و فرهنگ عمومی جامعه مهاجرپذیر می‌شوند و در سطح خرد، مشکلاتی را در زمینه نبود تفاهم اجتماعی و تقابل فرهنگی مهاجران با جامعه میزبان پدید می‌آورند. (امین صارمی، ۱۳۷۷: ۲۰۹-۲۰۸)

بی‌تردید این مهاجرت‌ها در سال‌های آینده مسائل سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی بسیاری را در این جوامع به وجود خواهند آورد. در حال حاضر هیچ جامعه‌ای قادر نیست مشاغل لازم را برای به کار گماردن تمامی مهاجران احتمالی ایجاد کند. در شرایطی که فرصت‌های اشتغال برای همه متقاضیان کار

وجود ندارد، رقابت بین شهروندان و مهاجران مساعدترین زمینه ها را برای درگیری های قومی و نژادی فراهم می سازد. هنگامی که رقابتی برای اشتغال وجود نداشته باشد نیز، تفاوت های فرهنگی موجود بین گروه های قومی معمولاً برای شعله ور ساختن کینه توزی ها کافی خواهد بود. (لنسکی، ۱۳۶۹:

(۳۷۷-۳۷۹)

مهاجرت اجباری بر اثر جنگ، نوعی مهاجرت توده ای است که به دلیل ویژگی هایش (همانند مهاجرت بر اثر انقلاب، مسائل سیاسی، حوادث طبیعی و ...) با مهاجرت های عادی متفاوت است. یکی از تفاوت های آشکار آن، این است که این نوع از مهاجرت، کلیه اقشار و طبقات اجتماعی را در بر می گیرد و در چنین حالتی، مهاجران دست چین و گزینش نمی شوند، بلکه جمعیتی متشکل از تمامی طبقات در هر سن و از هر دو جنس با ویژگی های متفاوت به حرکت درمی آیند. از آنجا که مهاجران جنگی به صورت خانوادگی کوچ می کنند، در مقایسه با مهاجران عادی از قدرت مانور کمتری برخوردارند. این امر در مراحل بعدی زندگی مهاجر جنگی آثار تعیین کننده ای بر جای می گذارد.

مهاجرت، معمولاً در جهت کسب زندگی بهتر، از مناطق فقیرنشین به سوی مناطقی است که فرصت های اقتصادی - اجتماعی بهتری برای عرضه کردن دارند؛ در حالی که این امر در مورد مهاجرت بر اثر جنگ صدق نمی کند. زیرا

مهاجر جنگی فرار از فلاکت و تیره بختی را پیشه خود می سازد و نمی داند چه سرنوشتی انتظار او را می کشد. مهاجرت او بدون هدف و برنامه است و در ابتدا نمی داند برای چه چیزی باید حرکت کند و چگونه می تواند خود را از سرنوشت شومی که به آن دچار شده است، رها سازد. مهاجر عادی، مقصدی را جست و جو می کند که خواسته های برآورده نشده اش را برآورد و به سازمان اجتماعی دیگری وارد می شود که تا حد امکان مشابه محیط او در مبدأ باشد. برای مهاجر جنگی، مسئله خواسته های اجابت نشده مطرح نیست. برای او نجات از مرگ احتمالی و رفتن به جای امن اهمیت دارد، خواه سازمان اجتماعی مقصد، مشابه سازمان در مبدأ باشد، چون نیروها و عوامل زاینده حیات در منطقه جنگ زده تخریب می شوند، باز هم برای بقای زندگی، مجبور به ترک مبدأ و مهاجرت می شود.

باید گفت مهاجر جنگی در مقایسه با مهاجر عادی، در شهر مقصد فردی بیگانه تر است. در این مورد دو جنبه قابل تعمق است.

اول: مهاجر برای محیط مقصد، بیگانه یا تازه وارد است. لذا، اگرچه وی در نظر اهالی مقصد، هموطن محسوب می شود، پذیرش او سخت است، زیرا اولاً حجم مهاجران جنگ زده بسیار بیشتر از مهاجران عادی است و تأثیر سنگین تری بر مقصد می گذارند، و ثانیاً ویژگی های مهاجران جنگ زده، نسبت به سایر

مهاجران متفاوت تر و مؤثرتر (اثرهای مثبت یا منفی) است. لذا مهاجر جنگی به عامل تشدیدکننده مسائل و بروز نارسایی هایی در منطقه مهاجرپذیر تبدیل می شود که نتیجه این امر ایجاد عوامل دافعه و از سوی ساکنان بومی منطقه در برابر جنگ زده ها است.

دوم: محیط مقصد برای مهاجران جنگی، محیطی بیگانه محسوب می شود و منطقه غیرجنگی، جزئی از وطن مهاجر جنگی است، اما وی احساس می کند که در مقصد به غربتی ناخواسته دچار شده است که مجبور به تحمل آن است. این امر از دو عامل کاملاً مجزا ناشی می شود: اولاً مهاجر جنگی فاقد آگاهی و اطلاعات لازم از محیط مقصد است. زیرا، مهاجرت وی امری یکباره و به سوی محیطی ناخواسته بوده است؛ لذا فاقد شبکه های موجود و آشنا در مهاجرت عادی است. ممکن است برخی از مهاجران جنگ زده پیشاپیش آشنایی اندکی با محیط مقصد داشته باشند ولی، به دلیل شرایط ویژه جنگی در کشور و حالت غیرعادی موجود در مقصد - به خصوص در مراحل اولیه مهاجرت - این امر نمی تواند تاثیرات تعیین کننده ای در جریان زندگی مهاجران جنگی داشته باشد. البته. به طور قطع وجود پیوندهای قومی و آشنایی قبلی با محیط مقصد در سازگاری مهاجران جنگی با جامعه و میزبان تأثیر دارد. ثانیاً، مهاجر جنگ زده به علت شرایطی خاص. فاقد امکانات پشتیبانی کننده لازم در محیط مقصد

است و از این رو محیط جدید تأثیراتی سخت بر او خواهد گذاشت. در اثر این دو عامل، شرایط محیط زدگی در او ایجاد می شود که در این صورت مسئله انطباق یا عدم انطباق او با محیط تازه مطرح می شود.

تاثیر مقصد بر مهاجران جنگی، وضعیت های متفاوتی را برای پذیرش و یا دفع محیط جدید در جنگ زدگان به وجود می آورد. در این زمینه، مهاجران جنگی را می توان در سطح بسیار وسیع به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول؛ مهاجرانی هستند که بیشترین ضربه ها را از مهاجرت خورده و از لحاظ اقتصادی در وضعیت اسفناکی قرار گرفته اند. اینان دچار نوعی احساس سرخوردگی و دلزدگی در برابر محیط جدید می شوند. دسته دوم؛ مهاجرانی هستند که به محیط جدید با خوش بینی می نگرند و سعی دارند در محیط مقصد فعالیت از دست رفته شان را به همان وضع و میزان قبلی بازبند و با محیط جدید نهایت سازگاری را داشته باشند.

اینان گروهی هستند که وضع مالی بهتری دارند و سعی می کنند هرچه سریع تر در محیط جدید حل شوند. به بیان دیگر، مهاجران جنگ زده واکنش گر و فعال سعی می کنند در مقصد، گروههای هم سنخ خود را با تأکید بر روابط دوستانه و آداب و رسوم خاص خود گرد هم آورند و همیاری و نوعی هویت قومی ایجاد کنند. در مقابل، مهاجران جنگ زده غیر واکنش گر و منفعل سعی

می کنند در مقصد، خود را هم چون دیگران نشان دهند و در بسیاری از موارد نیز می کوشند خود را جنگ زده و مصیبت دیده نشان دهند.

در هر دو حالت، مهاجران جنگی در مقصد به راحتی جذب محیط نمی شوند، زیرا تنها خواست و اراده مهاجر جنگی نیست که در انطباق با محیط مؤثر است، بلکه عوامل خارجی هم روی این فرایند تأثیر بسزایی دارند. شکی نیست که اهالی جامعه مقصد می توانند در سازگاری مهاجر جنگ زده با محیط جدید مؤثر باشند. غالباً همزیستی مهاجران جنگ زده با اهالی جامعه میزبان آن قدر قوی است که حتی اگر شانس اشتغال کم باشد، روحیه جنگ زدگان را بالا می برد و باعث افزایش روحیه مقاومت آنان در مقابل شرایط سخت و طاقت فرسا می شود. اهالی غیر مهاجر از یک سو و مؤسسات مقصد از سوی دیگر، می توانند در زمینه تأمین مسکن و شغال، به جنگ زدگان کمک های شایان و در خور توجهی ارائه کنند. که این امر در سازگاری آنان با محیط جدید بسیار مؤثر خواهد بود. یاری ندادن و عدم همراهی با جنگ زدگان در مقصد، فرایند سازگاری با محیط را برای آنان مشکل می سازد. (لهسایی زاده، ۱۳۶۷: ۲۲۲-۲۲۱)

گذشت زمان، بر دلتنگی ها و وابستگی های گذشته اثر دارد. زندگی روزمره، مهاجر جنگ زده را مجبور می سازد خود را با محیط جدید منطبق کند. انطباق

اقتصادی و شغلی موفق، تمایل به انطباق عمومی را افزایش می دهد. (اشتاین،

۱۹۷۹: ۲۷)

شاید هیچ عاملی به اندازه انطباق فرهنگی - اجتماعی بین جامعه مبدأ و مقصد، بر موفقیت مهاجران جنگی در محیط جدید مؤثر نباشد. اگر این انطباق وجود نداشته باشد، مهاجر احساس تنهایی می کند و از برقراری تماس با دیگران عاجز می ماند. این تنهایی ممکن است به افسردگی و یا حتی واکنش های خیال انگیز و جنون آمیز آمیخته با سوءظن^۵ شود. عدم توانایی در غلبه بر فاصله ایجاد شده توسط وضعیت های نامأنوس، ممکن است باعث جدایی مهاجر جنگی از دیگران، قطع رابطه، و در نهایت شیزوفرنی^۴ شود. به عکس، اگر مهاجر جنگی خود را در جامعه ای دریابد که هماهنگی فرهنگی با جامعه مبدأ داشته باشد و مردم به راحتی او را به عنوان مهمان خود بدانند، فرایند یگانگی در او ایجاد می شود و سریع تر جذب محیط جدید خواهد شد و خود را با جامعه مقصد همسو خواهد کرد.

با توجه به آنچه که گذشت ورود مهاجران جنگی به جامعه مقصد و اقدام به سکونت موقت یا دائم، شهرهای میزبان را در زمینه های مسکن، اشتغال، آموزش، بهداشت و غیره دچار مشکلات متعددی می کند. ضمن آن که ممکن

^۴-Stein

^۵-Paranoic hallucinatory Reaction

است فرایند فرهنگ پذیری کودکان و نوجوانان جنگ زده را مختل سازد و موجب انزوای فرهنگی و کاهش تحرک اجتماعی آنان شود.

علاوه بر این، برخورد خرده فرهنگ های مختلف بر اثر ورود مهاجران جنگ زده، در مرکز ثقل فرهنگی مناطق مختلف انشقاق ایجاد می کند و ممکن است تبعات متعددی چون ضعف نظام نظارت اجتماعی، فرهنگی، تغییر در مناسبت ها و آداب و رسوم فرهنگی - اجتماعی، ناهمگونی در هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مهاجران و میزبانان، افزایش تنش و برخورد میان مهاجران جنگی و میزبانان را در پی داشته باشد.

از طرفی، خطرات مهلک و سهمگینی نظیر زلزله و سیل نیز که هر از چند گاهی در نقطه ای از کشور خرابی و خسارت های سنگینی به وجود می آورد و به بی خانمانی عده زیادی از هم وطنان منجر می شود، در برخی از مواقع به مهاجرت شمار زیادی از خانواده ها می شود.

اهمیت و ضرورت مطالعه

هر مطالعه ای به دلایل خاصی صورت می گیرد؛ دلیل این مطالعه نیز ممکن است از دو جنبه مطرح شود:

^۱-Schizophrenia

الف) از جنبه کاربردی: این بررسی بیشتر جنبه کاربردی دارد. بدین معنا که هدف اصلی تحقیق، بررسی علمی و روش مند مسئله سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس و ارائه راه کارهای اجرایی از یکسو، و پیشنهادات پژوهشی به مسئولان اجرایی و پژوهشگران مسائل اجتماعی، از سوی دیگر به منظور تسهیل فرایند سازگاری مهاجران در مقصد است. البته، تحقق سازگاری به معنای نابودی کامل هویت قومی و فرهنگی مهاجران نیست؛ بلکه تقویت وفاق اجتماعی و اشتراکات فرهنگی به همراه حفظ هویت قومی و فرهنگی مهاجران باید مد نظر باشد. با توجه به نتایج مطالعه انجام شده در سال ۱۳۶۷ بر روی مهاجران جنگی خوزستان مقیم شیراز (زارع، ۱۳۶۷) می توان گفت با وجود خاتمه جنگ ایران و عراق و بازگشت بسیاری از مهاجران خوزستانی به محل سکونت قبل از جنگ خود، بخش قابل توجهی از آنان در مقصد باقی مانده اند و علی رغم سکونت دایم در استان فارس، هنوز در فرایند سازگاری و جذب با محیط آنجا با مشکلات متعددی رو به رو هستند. به منظور تصریح و توجیه مشکلات موجود بر سر راه سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس می توان به برخی از نتایج تحقیق مذکور اشاره کرد، از جمله: شاخص های عمده سازگاری مهاجران از دیدگاه جامعه شناختی، شاخص های احساس غربت مهاجران در جامعه مقصد، رضایت از رفتار اهالی

جامعه مقصد، رضایت شغلی مهاجران در مقصد، داشتن رفت و آمد با اهالی جامعه مقصد، تمایل به وصلت با اهالی مقصد، کاربرد واژگان و اصطلاحات مرسوم در جامعه مقصد و ... داده های حاصل از تحقیق یاد شده در این رابطه به ترتیب عبارت اند از: ۸۵۴ پاسخگو، ۶۱ درصد دارای احساس غربت و ۳۸ درصد با عدم احساس غربت؛ ۶۳/۱ درصد از رفتار شیرازیها راضی و ۳۵/۹ درصد از رفتار شیرازیها ناراضی بوده اند. همچنین ۶۵/۳ درصد از شغل خود در شیراز رضایت داشته و ۳۴/۷ درصد رضایت نداشته اند. ۳۶/۵ درصد از مهاجران جنگی خوزستانی با اهالی جامعه مقصد دارای رفت و آمد و ۶۳/۵ درصد مرآوده ای با اهالی شیراز نداشته اند. به علاوه ۳۳ درصد از مهاجران جنگی خوزستان در محاورات روزمره خود از واژگان و اصطلاحات مرسوم شیرازی استفاده کرده و ۶۷ درصد از آنان به هیچ وجه از واژگان و اصطلاحات رایج شیرازی استفاده نکرده اند. ۲۸ درصد از مهاجران تمایل خود را برای وصلت با اهالی جامعه مقصد ابراز داشته و ۶۲ درصد از آنان هرگز تمایلی برای وصلت با اهالی شیراز نداشته اند. (همان: ۷۰-۶۶)

علاوه بر شاخص های یاد شده، عوامل دیگری را می توان به عنوان شاهدهی در تأیید ادعای وضعیت مسئله دار و نابهنجار مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس ذکر کرد. داده های تحقیق یاد شده در زمینه نوع مالکیت منزل

مسکونی مهاجران جنگی خوزستانی ساکن شیراز حاکی از آن است که ۳۶/۳ درصد از مهاجران دارای مسکن استیجاری ۳۱ درصد از آنها دارای مسکن شخصی (مالکیت بر عرصه و اعیان یا اعیان به تنهایی) بودند و ۳۲/۷ درصد نیز از محل مسکونی دولتی استفاده می کرده اند. این در حالی است که نوع مالکیت منزل مسکونی آنان در مبدأ یعنی محل سکونت قبل از جنگ و مهاجرتشان بدین ترتیب بوده است: ۲۲/۷ درصد از مهاجران دارای منزل مسکونی استیجاری، ۵۱/۶ درصد از آنان دارای منزل مسکونی شخصی و ۲۵/۷ درصد نیز دارای منزل مسکونی دولتی در مبدأ بوده اند. (همان: ۷۰)

بر اساس نتایج حاصل از همان تحقیق در مورد مقایسه وضعیت مسکن قبل و بعد از مهاجرت، ۱۵/۷ درصد از مهاجران جنگی خوزستانی معتقد بوده اند وضع مسکن آنان در مقصد بهتر از مبدأ شده است. ۶۱/۵ درصد از آنان معتقدند که وضع مسکنشان در مقصد در مقایسه با مبدأ بدتر شده و ۲۲/۵ درصد نیز اعلام کرده اند که وضع مسکن آنان در مقصد در مقایسه با مبدأ فرقی نکرده است. (همان: ۵۵)

(صفحات ۱۸ تا ۲۰ تایپ شود)

در پایین فصل ۳ از ص ۲۱ به بعد تا ص

فصل سوم

بررسی مطالعات انجام شده موجود و چهارچوب نظری تحقیق

فصل دوم

بررسی مطالعات انجام شده

مروری بر مطالعات انجام شده در داخل و خارج از کشور

در این قسمت تحقیقات انجام شده در باب سازگاری مهاجران در مقصد را بررسی می‌کنیم. قبل از مرور کارهای انجام شده ذکر چند نکته در این باب اهمیت دارد:

۱- بیشترین کارهای مورد بررسی مربوط به مهاجران از اقوام و ملیتهای مختلف در امریکا است. همه ملل و فرهنگها، کارگران و بردگان سیاهپوست، تجار اروپایی، ماجراجویان انگلیسی و ایتالیایی، کشاورزان ژاپنی، اسپانیایی و روشنفکران بریده از جهان سوم (آزاد ارمکی، ۱۳۷۷: ۱۷۷-۱۷۶)، و مهاجران و پناهندگان کوبایی، کره ای، چینی و ایرانی و ... از قرن هجدهم تا کنون و شکل گیری و پیشرفت آن نقش عمده ای ایفا کرده اند. ضمن آنکه توجه به مطالعات تجربی و کمی از سنتهای بارز مطالعات اجتماعی در جامعه امریکا است. وجود مجلات متعدد در زمینه های علمی گوناگون، از جمله علوم اجتماعی، در مقایسه

با دیگر کشورهای پیشرفته، شاهدهی بر این مدعا است. به همین دلیل بیشترین حجم مطالعات تجربی مرور شده در این تحقیق از امریکا است.

۱- در مورد مطالعات انجام شده در باب موضوع مورد مطالعه در ایران نکته قابل ذکر این است که علی رغم وقوع جنگ هشت ساله بین ایران و عراق، همانند سایر زمینه ها (بجز صنایع نظامی) مسئولان و پژوهشگران رشته های مختلف از جمله علوم اجتماعی چندان توجهی به این رویداد مهم، آثار، و عواقب مثبت و منفی آن نکرده اند. حتی بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی و یا ستاد بازسازی مناطق آسیب دیده از جنگ که مسئولیت مستقیم این امر را بر عهده داشتند، کمتر عنایتی به تحقیقات علمی از خود نشان دادند. در مراجعه حضوری به این سازمانها نیز تحقیق علمی قابل توجهی برای استفاده در این مطالعه یافت نشد. البته در برخی از دانشگاهها تعداد کمی پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی در این زمینه به دست آمد که در این بخش بررسی شده اند. در جامعه ما علل مختلفی در عدم توجه به مطالعات علمی دخالت دارند که مهم ترین آنها معتقد نبودن مسئولان به تحقیقات علمی و اهمیت نداشتن مسائل اجتماعی بحران ساز، از جمله روابط قومی و گروههای مختلف مذهبی در جامعه است.

بررسی مطالعات و تحقیقات مربوط به موضوع، از جهات مختلفی در تقویت محتوای تحقیق مؤثر است: اولاً، به ما کمک می کند به متغیرها و سازه های مورد استفاده در تحقیقات دیگر دسترسی پیدا کنیم و بدین ترتیب چگونگی آرایش و طبقه بندی متغیرها را به کار بندیم. ثانیاً، با فرضیه های طرح شده از سوی محققان در آن تحقیقات، با توجه به چهارچوب های نظری مورد استفاده آنها، آشنا شویم و از این فرضیات در طرح فرضیه های خود به گونه ای مناسب استفاده کنیم. ثالثاً روشها و تکنیکهای مورد استفاده در تحقیقات می توانند در تنظیم و تدوین مورد نظر و مناسب تحقیق کنونی به کار گرفته شوند. سرانجام ایده های مناسبی در زمینه ها و بخش های مختلف تحقیق مطرح شوند و به این ترتیب به تقویت و استحکام تحقیق و نتایج آن بیفزایند. بنابراین اساس، در زیر بررسی اجمالی مطالعات انجام شده ذکر می شود:

الف-مطالعات انجام شده در خارج از کشور

دو اقتصاددان انگلیسی به نام های روانشتاین^۷ و ردفورد^۸ نظریه هایی در باب مهاجرت های انسانی مطرح کردند که بیش از سایر نظریه ها مورد توجه قرار گرفت. تجزیه و تحلیل آنان از مهاجرت بر اساس نیروهای «رانش»^۹ و

^۷-Ravenstein, 1885: 167-227

^۸-Red ford

^۹-Push

«کشش» قرار گرفته است. به نظر ایشان عوامل نامساعد اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و سیاسی مردم را از محل سکونت شان می راند، در حالی که عوامل مساعد آنان را به نقطه جغرافیایی دیگری می کشاند. تفکر روانشتاین که به «قوانین مهاجرت» معروف شده است، بر اساس «رفتار عقلانی انسان بنیان گذاری شده است. (روانشتاین، ۱۸۸۵: ۲۲۷-۱۶۷).

لی^{۱۱} عقیده مشابهی را با استفاده از مظریه های روانشتاین به نفع فرضیه رانش و کشش مطرح ساخت. او پا را از نظریه روانشتاین فراتر گذاشت و بر تأثیر «موانع بازدارنده»^{۱۲} به ترتیب زیر تأکید کرد:

بین هر دو نقطه مبدأ^{۱۳} و مقصد^{۱۴} مجموعه ای از موانع بازدارنده وجود دارند که در بعضی از موارد قابل عبور و در موارد دیگر غیرقابل عبورند. مهم ترین این موانع که بیشتر بررسی شده، «مسافت» است. البته، اشخاص مختلف به صورتهای گوناگون، از یک مجموعه خاص از موانع تأثیر می پذیرند. آنچه برای عده ای اندک و ناچیز است (مثلاً هزینه حمل و نقل)، ممکن است برای عده ای دیگر مانع باشد. دیدگاه لی، در نمودار ۱ ترسیم شده است. مبدأ و مقصد،

^{۱۱}-Pull

^{۱۲}Lee

^{۱۳}Intervening obstacles

^{۱۴}Origin

^{۱۵}destination

هر دو، عوامل مثبت (مزایا و محسنات) و عوامل منفی (معایب) و نیز عوامل خنثی (که به صورت صفر نمایش داده شده است) دارند. (لی، ۱۳۶۸: ۷۹-۵۷)

نمودار ۱-۲. عوامل مبدأ و مقصد و بازدارنده ها در مهاجرت البته ممکن است فاصله بین مبدأ و مقصد، یک مانع عمده بر سر راه مهاجرت باشد. ولی ویژگی های شخصی مهاجر، امکانات اقتصادی و تخصص و اندازه خانوار، ویژگی های فرهنگی - اجتماعی و ساخت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جامعه مقصد نیز در پذیرش یا عدم پذیرش مهاجر در مقصد سهم بسیاری دارد.

مطالعات در خارج از کشور با چهار دسته تقسیم می شوند:

۱- مطالعات مربوط به سازگاری اقتصادی و اجتماعی مهاجران در مقصد
اشتاین در تحقیقی تحت عنوان «سازگاری شغلی مهاجران جنگی ویتنامی در امریکا» که در میان ۱۲۵۰۰۰ ویتنامی وارد شده به امریکا تا سال ۱۹۷۵ انجام داد، به این نتایج رسید: مهاجران جنگی ویتنامی سرانجام به سازگاری شغلی با بازار کار ایالات متحده رسیدند. فقط تعداد اندکی از آنان به دلیل عدم مهاجرت و تخصص کافی، شاغل نبودن و ناکافی بودن درآمد، نتوانسته اند فرایند همانندگرمی را طی کنند.

علاوه بر آن، وی نتیجه گیری می کند که مهمترین عاملی که به مهاجران جنگی ویتنامی ساکن امریکا فشار مضاعفی وارد می سازد تا پس از ورود به جامعه مقصد، به دنبال احراز شغل قبلی خود در مبدأ باشند، عبارت از سن و اندازه خانوار آنان به هنگام ورود به جامعه مقصد است. اشتاین معتقد است افراد کهنسال مهاجر ویتنامی علاوه بر مشکل سن و اندازه خانوار، با سه مشکل دیگر نیز مواجه اند:

۱- فرهنگ پذیری مجدد و ترک سوابق و میراث ملی به طور مسلم برای آنان دردناک تر است.

۲- صعود از نردبان شغلی، برای این قبیل افراد نسبت به جوان ترها با مشکلات و موانع اساسی تری روبه رو است.

۳- علاوه بر این، سن مانع عمده تر و برجسته تری در بازار کار برای بومی ها است. در این باره مهاجران جنگی کهنسال ویتنامی، با مشکلات و مصایب بیشتری در قیاس با بومی ها مواجه اند. (اشتاین، ۱۹۷۹: ۴۵-۲۵)

مورفی^۱ با مرور تحقیقات انجام شده در مورد فراریان ناشی از جریان نازیسم در آلمان و انقلاب کوبا، به این نتیجه رسیده است که، آنانی که مهارت ها و تخصص های قابل انتقال تر و سازگاری شغلی بهتری با نیازهای شغلی جامعه امریکا داشته اند، از خود فرهنگ پذیری سریع تر و همانندگری بیشتری

نشان داده اند. در حالی که راگ^۶ در تحقیق خود تحت عنوان «همانندگردی تبعیدیان کوبایی نقش اجتماعی به این مهاجر رخ داده‌اند، همواره باعث عذاب و ترس مهاجر می شوند، اشتاین در تحقیق خود نقل می کند که در سال ۱۹۵۷ (یک سال پس از سرکوب قیام خونین مردم مجارستان توسط نیروهای پیمان ورشو)، برخی از مهاجران مجارستانی که به طور موقت در اردوگاه کیلمر نیوجرسی اسکان داده شده بودند، پیش از تماشای یک فیلم سینمایی، از مشاهده گاوچرانان و سرخ پوستان که در فیلم به طرز وحشیانه ای یکدیگر را می کشتند، چنان دچار شوک شدند که از اقامت در ایالات متحده آمریکا خودداری می کردند. زیرا صحنه های فیلم را واقعی پنداشته بودند و خاطرات تلخ گذشته شان از نو برایشان زنده شد. (اشتاین، ۱۹۷۹: ۲۷)

در مطالعه دیگری پورتز^۷ در میان آوارگان کوبایی ناشی از انقلاب کوبا، به این نتیجه می رسد که دلایل روشنی وجود دارد که نشان می دهد سازگاری شغلی و اقتصادی، منجر به سازگاری فرهنگی و اجتماعی آوارگان می شود. (پورتز، ۱۹۶۸: ۵۱۵-۵۱۱) بنابراین می توان گفت نوع تخصص و تقاضای بازار کار است که سازگاری و یا عدم سازگاری پناه جویان را تعیین می کند.

^۶Murphy

^۷Rogg

^۸Portes

فانگ^۸ نیز در تحقیق خود پیرامون سازگاری ۳۳۶ دانشجوی چینی در امریکا (نیمی از دانشجویان چینی متولد چین و نیمی از آنان متولد امریکا بودند)، به این نتیجه رسید که دانشجویان چینی متولد چین از سازگاری کمتری و دانشجویان چینی الاصل متولد امریکا از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردار شده اند. (فانگ، ۱۹۶۵: ۲۷۳-۲۶۵)

«دهقانان لهستانی در اروپا و امریکا» عنوان تحقیق است که توسط ایزاک توماس^۹ و فلوریان زنائیکی به انجام رسیده است. گزارش مبتنی بر انبوهی از اسناد و مدارک، نامه های خصوصی، مقاله روزنامه ها، فهرست ثبت نام در دفاتر انجمن مهاجران، آرشیوهای خلیفه گری، خلاصه گزارش های انجمن دولتی امریکا و لهستان، گزارش دادگاهها و سازمان های امداد اجتماعی است. روش اصلی کار آنان تحلیل محتوا است.

نتیجه می رسد که: مهاجرانی که سازگاری شغلی اندکی با بازار اشتغال جامعه میزبان داشته اند، فرهنگ پذیری ضعیف تری از خود نشان دادند. (راگ، ۱۹۷۴: ۲-۳) در مطالعه دیگری که توسط کیم^{۱۰} و هورلر^{۱۱} ارتباط با سازگاری ۶۱۵ نفر کرده ای مهاجر به لوس آنجلس انجام گرفته است، به این نتیجه رسیده

^۸Fong

^۹Portes

^{۱۰}Kim

^{۱۱}Hurh

اند که نسبت پایینی از کره ای ها (۸/۶٪ یا ۵۳ نفر) در مجامع امریکایی شرکت می کنند. برعکس، نسب بالایی از پاسخگویان اعلام کرده اند در مجامعی که توسط خودشان تأسیس شده و در آن ها آداب و رسوم و زبان کرده یا رایج است شرکت می کند. (کیم، ۱۹۸۹: ۱۹۳)

استار و رابرتس^۲ در تحقیق دیگری در مورد مهاجران جنگی ویتنامی ساکن ۹ شهر امریکا به این نتیجه رسیده اند: بیشتر سازگاری با جامعه میزبان را مهاجرانی نشان داده اند که موقعیت شغلی بالاتری داشته اند و زبان انگلیسی را با مهارت و روانی بهتری ادا می کرده اند و از لحاظ مالی امکانات بیشتری در اختیار داشته اند. اما به عکس، مهاجرانی که موقعیت شغلی نازل تری داشتند و در کاربرد و تکلم به زبان انگلیسی ناتوان بوده و امکانات مالی کمتری در اختیار داشته اند و از دیدگاههای سنتی تری برخوردار بوده اند، سازگاری کمتری با جامعه میزبان از خود بروز داده اند. (استار، ۱۹۸۲: ۶۰۸)

درآمد یکی از شاخص های عمده و اساسی تحرک اجتماعی است که به عنوان یکی از ملاک های مؤثر در تعیین سازگاری افراد مهاجر با محیط جامعه مقصد مورد استفاده قرار می گیرد. ارگودر^۳ در همین رابطه تحقیقی در باب مهاجران به ترکیه انجام داده است، به این نتیجه رسیده است: ۷۶ درصد از مهاجران

^۲Roberts

^۳Erguder

درآمد بیشتری در مقایسه با درآمد قبل از مهاجرت شان به دست آورده اند. ۱۲ درصد به اندازه درآمد قبلی، و بقیه درآمد کمتری نسبت به قبل از مهاجرت داشته اند. بر همین اساس میزان سازگاری آنان نیز متفاوت بوده است. (ارگودر، ۱۹۸۰: ۳۹)

گاهی برخی از حوادث و آثار تلخ و وحشت آور آنها که در محل اسکان اولیه ایستارها و ارزش ها، دو اصطلاح اصلی این مطالعه اند. برای محققان، ارزش های اجتماعی همان معنا و مفهومی را در بر داشته است که وقایع اجتماعی برای دورکیم^۴ ارزش اجتماعی عنصری عینی یا انتزاعی از یک فرهنگ است که برای اعضای مشارکت کننده با گروه اجتماعی مربوطه سودمند است، و معنایی دارد که آنان بدون درنگ آن را می فهمند و می پذیرند. در مقابل، ایستار فرایندی است آگاهانه و شخصی کخه کنش های اجتماعی یک فرد را انتظام می بخشد. در واقع، ایستار برداشت شخصی و ذهنی از یک ارزش اجتماعی است. توماس و زنانیکی هم صدا با زیمل ویل بر خلاف دورکیم، برای کنش اجتماعی ماهیت دوگانه ای قایل بودند. به نظر آنان کنش اجتماعی برآیند دو نیرو است؛ یکی فشارهای اجتماعی که متوجه فرد خارجی اند (دورکیم) و دیگری انگیزه های شخصی که دورنی اند. به نظر آنان، علت یک ارزش یا یک ایستار نه منحصرأ یک ارزش است و نه یک ایستار، بلکه ترکیبی از آن دو است.

محققان چهار الگوی عمومی تمایلات را شناسایی کرده اند:

۱- میل به تجربیات جدید

۲- میا قدرشناسی از جانب دیگری، که متضمن روابط عاطفی و نشانه مهم شمرده شدن از سوی جامعه به طور کلی است.

۳- میل به قدرت که مخصوصاً از طریق مالکیت و کسب قدرت سیاسی تجلی می کند.

۴- میل به تأمین، که برای فرد متضمن حیات و همیاری هم نوعانش است. این تمایلات چهارگانه معروف اندولی در پیکره ای که زنا نیکی بعداً به آن داد و در آن میل به قدرت جایش را به میل به تحکیم خویش داد، بهتر شناخته شده اند.

در این تحقیق، وضعیت مهاجران روستایی لهستانی در اروپا و امریکا مطالعه شده است. در حالی که در روستاهای لهستان گروه خانوادگی، گروه اجتماعی اصلی بود و افراد در وابستگی با آن می زیستند، تکالیف اعضای خانواده در برابر یکدیگر دستوری بود. ازدواج با توافق دو خانواده صورت می گرفت. هیچ ارزش شخصی در زندگی جنسی راه نداشت. دهقان، عملاً به گروه خانوادگی، که تنها گروه اجتماعی سازمان یافته بود، تعلق داشت. روابط با خانواده های همسایه خیلی نزدیک نبود، ولی در درون هر روستا همبستگی نیرومندی میان دهقانان وجود داشت. به گونه ای که همگان تلقی یکسانی از نقش ها و روابط

^۴Durkheim

اجتماعی شان داشتند و اعتقادات دینی و جادویی همانندی داشتند. این اجتماعات دهقانی. در شکل سنتی شان به طرز تحسین انگیزی در برابر نفوذ خارج حمایت شده بودند. آنان به هیچ اشرافیت زمین داری وابسته نبودند، و شهرها نیز کوچک و معدود بودند. توماس و زنانیکی نشان می دهند که چگونه این ساخت درهم ریخته شد.

با مهاجرت دهقانان لهستانی به ایالات متحده، شکل حادثی از بی سامانی اجتماعی ظاهر می شود. آنان با عزیمت از دیار خویش، هم روساخت های ده لهستانی و هم اکثراً خانواده هایشان را ترک می کردند. مهاجران، مستقیماً وارد دنیای امریکایی نمی شدند؛ ابتدا به مهاجران دیگر می پیوستند، و دنیایی که در آن وارد می شدند دنیای «امریکایی - لهستانی» بود نه امریکای اصیل. در این جا نیز بی سامانی آنان ادامه می یافت. البته اقداماتی از قبیل تشکیل انجمن های مهاجران، فعالیت خلیفه گری کلیسایی لهستانی، انجمن های نیکوکاری، و انجمن های دوستی امریکا و لهستان و نظام آموزش دینی، تا حدودی ریشه های قطع شده مهاجران را ترمیم می کرد. ولی، این گروه های ثانویه نمی توانستند جای گروه های نخستین را بگیرند. بی سامانی فرد، که توماس و زنانیکی آن را تضعیف مهارت فرد و سازمان دهی به زندگیش در جهت تأمین منافع خصوصی تعریف کرده بودند، نزد دهقانان لهستانی مستقر در ایالات متحده

آشکار بود. نشانه های بی سازمانی فردی عبارت بودند از: وابستگی اقتصادی، سستی روابط زناشویی، بزهکاری نوجوانان و ارتکاب جرایم گوناگون. (نیک گهر، ۱۳۶۹: ۹۲-۸۶)

مجموعه مطالعات دیگری تحت عنوان «مطالعات تطبیقی مربوط به سازگاری مهاجران، به شهرهای آسیایی» در میان مهاجران به شهرهای سنول در کره، سورابایا در اندونزی، بانکوک در تایلند، و مانیل در فیلیپین (گزارش موجود نبوده است) صورت گرفته است. اطلاعات مورد نیاز از مناطق شهری جمع آوری شده اند تا بتوان عوامل مشترک تأثیرگذاری روی فرایند سازگاری مهاجران را مورد مطالعه و آزمون قرار داد. این تلاش بر اساس طرح تحقیق مقایسه ای شهری شدن توسط مرکز مطالعات و آموزش جمعیت دانشگاه براون صورت گرفته و با پشتیبانی مالی بنیاد فورد به مرحله اجرا درآمده است.

مطالعات قبلی نشان می دهند که سازگاری به گونه ای بسیار شدید به توانایی مهاجران و خانواده شان برای ورود به بازار نیروی کار شهری و مسکن وابسته است. (لایس، ۱۹۶۱؛ رز، ۱۹۶۹؛ شانن، ۱۹۶۸)

به طور کلی دو دیدگاه رقیب مربوط به این فرایند شکل گرفته است. اول، دیدگاهی که در کارهای افرادی نظیر ابولو فود^{۲۰} و لرنر^{۲۱} ارائه شده اند و بر مشکلات مهاجران برای غلبه بر پیامدهای منفی مهاجرت به شهر، دستیابی به منطقه و کیفیت زندگی فرد مهاجر تأکید دارند. دیدگاه دوم، بر استمرار زندگی در حوزه های شهری و روستایی، فرصت های موجود در دسترس مهاجران، و افزایش نتایج مثبت مهاجرت تأکید می کند. با وجود این، نقطه مشترک هر دو دیدگاه، فرایند زیرین سازگاری مربوط به اقتصاد جدید و واقعیت های اجتماعی مشتق از مهاجرت است. (مگ گی،^{۲۲} ۱۹۷۱) البته مک گی نتیجه گیری کرد که روش سازگاری مهاجر با شهر، مهاجر، انگیزه وی، آرزوها و فرهنگ وی خواهد داشت. با وجود این، چند متغیر دیگر در مقایسه با طول دوره اقامت به عنوان عوامل تبیینی ارائه شده اند. این متغیرها شامل سوابق مهاجر، در معرض شهر قرار گرفتن قبلی مهاجر، و سن و تحصیلات وی هستند. البته تفاوت هایی در محیط پذیرنده یافت شده اند که با تغییر در الگوهای سازگاری میان مهاجران همبستگی داشته اند. (گرین،^{۲۳} ۱۹۷۸: ۶۹-۶۶)

^{۲۰}Abu-Lughod

^{۲۱}Lerner

^{۲۲}McGee

^{۲۳}Green

اولین تحقیق از مجموعه تحقیقات یاد شده «سازگاری مهاجر در سنؤل کره: اشتغال و مسکن» توسط ساراسی گرین اجرا شده است. برای انجام تحقیق، پیمایشی بر اساس نمونه ای متشکل از ۱۰۰۰ خانوار تحت سرپرستی دانشگاه ملی سنؤل ترتیب داده شد.

جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه با یکی از اعضای خانوار که در سنین بین ۱۵ تا ۲۴ قرار داشتند، صورت گرفته است. حدود ۹۸۷ مورد، در دو نوبت در طی سالهای ۷۵-۱۹۷۴ فرم های مصاحبه تکمیل کرده اند. یک ویژگی مهم نمونه، تشکیل گروه کنترل از ساکنان شهر سنؤل به عنوان شاخصی جهت اندازه گیری سازگاری مهاجران به شهر است.

داده های تحقیق نشان می دهند که مهاجران در تلاش اند با الگوهای اقتصادی و مسکن ساکنان دایمی شهری شبیه شوند. الگوهای هماهنگی نشان می دهند که ساکنان همیشگی شهر پیشرفت های اندکی را بر اساس اشتغال حفظ می کنند. البته، این وضع در بخش بزرگی از پاسخ گویان بر اساس سطوح بالایی از تحصیل در ساکنان دایمی شهر امری الزامی است. در حالی که در این باره وضع مهاجران به دلیل تحصیلات کم چندان وضایت بخش نیست. نتیجه گیری در مورد کیفیت مسکن برای هر دو گروه ساکنان دایمی و مهاجران شبیه به هم است. به استثنای مالکان خانه ها، مدارک اندکی وجود دارد که نشان دهنده

تفاوت کیفیت مسکن مهاجران در مقایسه با بومی ها باشد. اثر مهاجرت بر فرسایش موجودی کالا بروز می کند؛ به گونه ای که بخش بزرگی از جمعیت سنّول، هم مهاجران و هم بومی ها، در مسکن غیراستاندارد سکونت دارند.

آنچه که به عنوان آخرین نتیجه گیری می توان به آن اشاره کرد این است که مهاجران با ویژگی های بارزی که دارند، یعنی روستایی اند و تحصیل ناکافی دارند، به نظر می رسد که قادر نباشند به استاندارد لازم زندگی مربوط به ساکنان دائمی شهر دسترسی پیدا کنند. با این حال، این قبیل مهاجران به سنّول غالب نیستند. (همان، ۱۹۷۸b: ۸۱-۷۱)

تحقیق دوم تحت عنوان «ساتزگاری شغلی و مسکن مهاجران به سورابایا، اندونزی: مورد شهر دوم» است. سورابایا دومین شهر بزرگ اندونزی پس از جاکارتا است. جمعیت این شهر در سال ۱۹۷۱ معادل ۱/۵ میلیون نفر بوده است. نرخ رشد سالیانه جمعیت سورابایا بین سال های ۱۹۶۱ تا ۱۹۷۱ معادل ۴/۳ درصد شده است. البته بخش عمده ای از رشد جمعیت متعلق به الحاق مناطق هم جوار است.

داده ها مبتنی بر اطلاعات به دست آمده از طریق مصاحبه های عمیق از یک نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای متشکل از ۶۰۰ خانوار ساکن سورابایا در سنین بین ۲۰ تا ۴۴ سال است. در این تحقیق هم؛ مردان و هم؛ زنان مصاحبه

شده است؛ ضمن آن که اطلاعات مربوط به شغل نیز برای همسران پاسخگویان اخذ شده است. برای تحلیل، سه گروه برای مقایسه به کار گرفته شده اند: اول، مهاجران به شهر از ۵ سال قبل از انجام پیمایش (برای مثال تا سال ۱۹۷۰). دوم، مهاجرانی که در سال ۱۹۶۹ یا قبل از آن به این شهر نقل مکان کرده اند. سوم، ساکنان دائمی سورابایا که در آنجا متولد یا قبل از سن ۱۵ سالگی به این شهر نقل مکان کرده اند.

برای تحلیل، دو روش برای تعیین گسترده و ماهیت سازگاری اعمال شده است. در ابتدا مهاجرانی که اقامت کوتاه مدت و بلند مدت داشته اند به منظور تعیین سطح کلی تغییر اتفاق افتاده و روشن کردن جهت تغییر، با یکدیگر مقایسه شده اند. ضمن آن که یک گروه کنترل کننده متشکل از ساکنان دائمی شهر (متولدین سورابایا و فرزندان مهاجران) به خاطر تبیین میزان شباهت خصوصیات مهاجران با جمعیت بومی شهر، به کار گرفته شدند. فرض اصلی این روش، این نتیجه را مطرح می سازد که تغییر صورت گرفته در طول زمان، بر اساس اعمال داده های مقطعی، مبین طول مدت اقامت مهاجران در شهر است.

در میان مردان شواهد اندکی وجود دارد که نشان دهد آنان سازگاری شغلی پیدا کرده اند. داده ها نشان می دهند که شواهد اندکی دال بر این است که

مهاجران از وضعیت خوداشتغالی خارج شده اند و به درون فعالیت های منظم تر رفته، یا نردبان مهارت شغلی را طی کرده اند. با وجود این، مدارکی موجود است که نشان می دهد شرایط مسکن با طول مدت اقامت در شهر یا از طریق تحرک محل سکونت یا بهبود کیفیت محل اقامت، بهبود یافته است. البته در مورد شغل چنین وضعی اتفاق نیفتاده است. این امر ممکن است به دلیل ماهیت بازار شغل یا مسکن باشد. (مک کاچون،^{۲۹} ۱۹۷۸: ۹۲-۸۲)

تحقیق سوم از مجموعه مذکور تحت عنوان «سازگاری و مسکن مهاجران در بانکوک بزرگ» انجام یافته است. تحلیل شهری شدن در تایلند نشان می دهد که سطح شهری شدن فزاینده از ۱۰ درصد در ۱۹۴۷ به ۱۵ درصد در ۱۹۷۰ رسیده است.

این سال ها، حدود نیمی از رشد به مهاجرت مربوط می شود. در پایان سال ۱۹۷۰ جمعیت پایتخت (بانکوک)، ۳۳ برابر جمعیت چینگ مائی دومین شهر بزرگ کلی شد. این آمارها، نشان دهنده حجم زیاد مهاجرت به سوی شهر تایلند، به خصوص حرکت به داخل بانکوک بزرگ، است. این امر بر نیاز به توجه فزاینده برای تحقیق روی پیامدهای مهاجرت، به ویژه مهاجران با محیط شهری، تأکید می کند. گزارش تحقیقی حاضر به خصوص در پاسخ به دو سؤال خاص تهیه شده است:

^{۲۹}McCutecheon

۱- آیا مهاجران به شهر بانکوک در دو ویژگی (شغل و مسکن) بین بومی ها و

مهاجران با یکدیگر تفاوت دارند؟

۲- آیا مهاجران با سبک زندگی شهری سازگاری پیدا می کنند، اگر چنین است،

چگونه؟

اطلاعات مورد استفاده در این گزارش از یک پیمایش مبتنی بر مصاحبه - پیمایش درازمدت ملی تغییر اجتماعی، اقتصادی و جمعیتی در تایلند، از سوی مؤسسه مطالعات جمعیتی دانشگاه چولانکورن تایلند به اجرا درآمده بود، گرفته شده است. در این پیمایش حدود ۱۵۰۰ خانوار روستایی در بهار ۱۹۶۹ مصاحبه شدند؛ یک سال بعد. مجموعه مشابهی از سؤالات برای نمونه ای در حدود ۲۱۰۰ خانوار شهری اجرا شد. برای هر دو مرحله یک فرایند انتخابی سه مرحله ای به کار گرفته شد. در مجموع میزان پاسخ گویی برای هر دو مرحله بالا بود؛ فقط ۴ درصد از خانوارها هرگز مصاحبه نشدند. تا آنجا که ممکن بوده، اعضای نمونه خانوارهای روستائی مجدداً در سال ۱۹۷۲ و نمونه شهری در سال ۱۹۷۳ مصاحبه شدند. در داخل هر خانوار یکی از افراد در دسترس، به هنگام مراجعه مصاحبه گر (رئیس خانوار مرد / زن، و در صورت حاضر نبودن آنها)، یکی از زنان ازدواج کرده زیر ۶۰ سال که در خانوار زندگی می کردند مصاحبه شدند.

اگرچه داده ها به طور کامل ارتباط مورد نظر بین مدت اقامت و سازگاری مهاجر را تأیید نکرده اند، شکل و گستره تفاوت های سازگاری را با نوع محل سکونت تأیید می کنند. یافته ها همچنین ثابت می کنند که مهاجران دارای خاستگاه شهری در مقایسه با مهاجران دارای خاستگاه روستایی ممکن است نوآوری بیشتر آرزوهای والاتری برای تحرک صعودی در سر داشته باشند، ضمن آنکه محل سکونت قبلی مهاجران ممکن است در حساسیت کمتر یا بیشتر آنها برای در اختیار گرفتن فرصتهای موجود در مقصد، مؤثر باشد. سرانجام، با مدت اقامت برابر در مقصد، مهاجران روستایی با سبک زندگی شهری به اندازه مهاجران دارای خاستگاه شهری با پایگاه اقتصادی اجتماعی مشابه، سازگاری پیدا نکرده اند.

علاوه بر موارد بالا، داده ها حاکی از آن است با بهبود در ارتباطات روستایی (اعم از توسعه شبکه راهها و توسعه وسایل ارتباط جمعی)، و تحصیل بیشتر و بالاتر جمعیت روستایی، مهاجران اخیر از روستا در مقایسه با مهاجران روستایی قدیمی تر ممکن است در انتخاب محل سکونت بهتر و زندگی شهری آمادگی بیشتری از خود بروز دهند. (تیراسوات، ۱۹۷۸^۳: ۱۰۳-۹۳)

^۳-Tirasawat

مطالعه دیگری تحت عنوان «هماندگردی و قشربندی در الگوهای مالکیت منزل مسکونی گروههای قومی و نژادی، در ایالات متحده، توسط ریچارد، د. آلبا^{۳۱} و ر. لوگان^{۳۲} انجام گرفته است. در این مطالعه به تحقیق در مورد تفاوت‌های مالکیت محل مسکونی در میان ۱۲ گروه قومی و نژادی با استفاده از کاربرد عام اطلاعات نمونه (PUMS) سرشماری سال ۱۹۸۰ پرداخته شده است. تحلیل با الهام از دو رویکرد گسترده در ادبیات فرایندهای فضایی، یکی رویکردی تحت عنوان «هماندگردی» و دیگر تحت عنوان «قشربندی» - و در برگیرنده سطح فردی و تعیین کننده های زمینه ای به توصیف موضوع، انجام پذیرفته است. مطالعه به شناسایی تعدادی از تفاوت های موجود میان سفیدپوستان غیر اسپانیولی. سیاهان، سرخ پوستان ارمیکایی، و گروههای آسیایی و اسپانیولی در دستیابی به مالکیت محل مسکونی پرداخته است.

مالکیت منزل مسکونی شکل اصلی انباشت ثروت موجود برای بیشتر افراد است. یک منزل غالباً دارایی عمده باقی مانده برای وراثت است. در واقع، مالکیت فواید ملموس اضافی را ارائه می کند، زیرا سدی در مقابل هزینه های تورمی ساخت مسکن و دریافت های یارانه ای در درون قانون مالیات است. نمونه شامل شش گروه آسیایی (هندی های آسیایی، چینی ها، فیلیپینی ها، ژاپنی ها،

^{۳۱}Richard, D.Alba

^{۳۲}J.R.Logan

کره ای ها و ویتنامی ها)، و سه گروه اسپانیایی (کوبایی ها، مکزیکای ها و پورتوریکویی ها)، به اضافه سرخ پوستان امریکایی و سیاهان و سفیدهای غیرامریکایی است. برای همه گروهها به جز حداقل دو تا، تحلیل مبتنی بر ۵ درصد PUMS و دو گروه بزرگ ۰/۱ درصد PUMS، نمونه شکل داده شده است. بنابراین، حجم نمونه تقریباً برای هر گروه ۱۰۰۰۰ نفر است.

تایید یافته ها در این مطالعه قابل توجهی از آنچه که تحت عنوان چشم انداز «هماندگری» مالکیت منزل مسکونی نامیده شد، ارائه می کند. در تأیید این چشم انداز، الگوی شدیداً سازگاری از تأثیرات در گستره ۱۲ گروه قومی و نژادی متفاوت، که تنوع قابل توجهی در مدت زمان اقامت در ایالات متحده وضعیت اقتصادی - اجتماعی دارند، وجود دارد. تمامی این ها، همخوانی قوی مالکیت را با دوره زندگی و متغیرهای خانوار، به عنوان واکنشی به است و ترکیب خانوار، آشکار ساخته اند. همچنین اثر متغیرهای اقتصادی - اجتماعی، به ویژه درآمد خانوار و مهارت در زبان انگلیسی برای اندازه گیری مستقیم همانندگری، هماهنگی درخور ملاحظه ای با هم داشته اند. علاوه بر این، وضع کلی حاکی از آن است که تفاوت های مشاهده شده میان گروههای مختلف در ماهیت گستره ترکیبی متغیرهای مستقل نهفته است. نتایج به دست آمده حاکی است که در منتهی الیه یک سوی طیف، چینی ها و کوبایی ها زمانی که

تفاوت‌های ترکیبی کنترل شده اند، قرار می‌گیرند که تفاوت‌های اندکی را در مقایسه با سفیدپوستان غیر اسپانیولی، نشان داده‌اند. در منتهی‌الیه سوی دیگر طیف، پورتوریکویی‌ها و ویتنامی‌ها، یعنی آنهایی که سطح مورد نظرشان از مالکیت منزل مسکونی به گونه‌ی قابل ملاحظه‌ای در پی سفیدپوستان تحت هر سناریویی باقی می‌مانند، قرار دارند (اگرچه این گروه‌ها در حال حاضر از شکاف مذکور در مالکیت بر منزل مسکونیشان نسبت به سفیدپوستان کاسته شده است). البته شاید این امر در مورد ویتنامی‌ها به دلیل تازگی مهاجرتشان (در ۱۹۸۰) زیاد غیرمنتظره نباشد، اما در مورد پورتوریکویی‌ها موضوع باید به طریق دیگری تحلیل و تبیین شود. بیشتر گروه‌های باقی مانده نیز بین دو قطب طیف قرار گرفته‌اند.

اما برخی از تفاوت‌ها باید بر اساس چشم انداز قشربندی توضیح داده شوند. این چشم انداز احتمالاً تفاوت‌های گروه‌ها در مالکیت منزل مسکونی را، واکنشی به تفاوت در ارزشها و راهبردها برای به کارگیری منابع می‌داند. برای بعضی از خانوارها، تصمیم‌گیری برای خرید یک منزل مسکونی عبارت از تخصیص بلند مدت منابع محدود است. فرض کنید دو خانوار با ترکیب خانوار، سابقه و پایگاه اقتصادی - اجتماعی یکسان و با فرصت‌های برابر در بازار مسکن، یکی ممکن است سرمایه‌گذاری در خرید مسکن را انتخاب کند، در حالی که، دیگری ممکن

است هزینه ها یا سرمایه گذاری در زمینه متفاوتی را برگزیند. حتی ممکن است برخی از خانواده ها، امکان دسترسی به وامهای دریافتی از اعضای خانواده یا دوستان، میراثها، یا دیگر منابع خصوصی سرمایه را در اختیار داشته باشند. علاوه بر این، قیمت بسیار متفاوت منازل مسکونی مربوط به تسهیلات و امکاناتی است که در خانه ها وجود دارد. البته توانایی افراد بسته به گروهها و قوم و نژادهای مختلف، برای تغییر و جا به جایی از قبیل تغییر در مالکیت منزل مسکونی به جاهایی که دارای مدارس خوب، آمار پایین جنایت و خدمات عمومی مناسب است، روز به روز در معرض خطر بیشتری قرار می گیرد.

با وجود این، باید گفت عدم توافق عمیقی بین دو چشم انداز همانندگردی و قشربندی در مورد مالکیت منزل مسکونی که روز به روز عمق بیشتری پیدا می وجود دارد. (آلبا، ۱۹۹۲: ۱۴۱۰-۱۳۱۴)

استرایک^۲ نیز خاطرنشان ساخته است که مالکیت بر منزل مسکونی شق کمتر جذابی در مناطقی از پترزبورگ - جایی که سیاهان در آنجا توانایی خرید مسکن برای سکونت دارند - وجود دارد، مسکن موجود در این مناطق فرسوده تر، خدمات عمومی فقیرانه تر، و ارقام جنایت بالاتر است. (استرایک، ۱۹۷۶: ۷۷)

محقق دیگری اظهار کرده است پیامد اصلی کنارگذاشتن سیاهان از حضور در مناطق حومه ای یعنی مناطقی که بیشتر خانه ها تک واحدی اند، باعث کاهش

شدید مالکیت بر منزل مسکونی از سوی سیاهان شده است. (استراژایم، ۱۹۷۵:

۱۲۰)

ویلسون^۳ در گزارش تحقیق خود تحت عنوان «میزان مصرف مسکن، فرصت اقتصادی و نژاد»، به طور مجزا معادلات رگرسیونی را برای سفیدپوستان و سیاه پوستان کپیش بینی کرد. از محاسبات وی، ضریب استاندارد درآمد سفیدپوستان ۰/۰۰۱۵ و ضریب درآمد سیاه پوستان رقم ۰/۰۰۳۵ به دست آمد. مفهوم این ارقام آن است که، سفید پوستان حتی با سطح درآمد بسیار کمتر از سیاه پوستان قادر به دستیابی به مالکیت منزل مسکونی هستند. (ویلسون،

۱۹۷۹: ۱۱۶)

پورتز در مطالعه دیگری در میان کوبایی های مهاجر بعد از انقلاب کوبا، به این نتیجه رسید که دلایل روشنی وجود دارد که سازگاری اقتصادی و شغلی در نهایت به سازگاری فرهنگی و اجتماعی مهاجران می رسد. بنابراین نوع تخصص و تقاضای بازار کار تعیین کننده سازگاری و یا عدم سازگاری مهاجران کوبایی بوده است. (پورتز، ۱۹۶۸: ۵۱۸-۵۱۱)

۲- مطالعات مربوط به نقش اجتماعات قومی در سازگاری مهاجران

^۳Struyk

^۴Wilson

«سرمایه انسانی و انطباق نسل دوم: جوانان ویتنامی در نیواورلئان» عنوان تحقیق دیگری است که توسط مین ژو^۳ و کارل، ل. باتنکستون سو^۴م به انجام رسیده است. در این گزارش تحقیق، دیدگاه همانندگردی با دیگر مباحث مربوط به منابع قومی تحت عنوان سرمایه اجتماعی سنجیده شده است. این مطالعه روی جوانان ویتنامی در یک اجتماع در نیواورلئان شرقی اجرا شده است. برای اجرای مطالعه، بر داده های سرشماری، گزارشهای روزنامه ها، و مصاحبه هایی با اعضای اجتماع برای توصیف شبکه های تحت مطالعه تکیه شده است. تعداد نمونه ۱۹۸ تن از جوانان ویتنامی و ابزار جمع آوری داده ها، پرسشنامه ای متشکل از ۹۸ سؤال بسته و یک سؤال باز بوده است.

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق عبارتند از: جهت گیری تحصیلی (متغیر وابسته)، متغیرهای پیش بینی کننده: ارزش های سنتی خانواده، ارزشهای خانوادگی خودخواهانه، تعهد به اخلاق کار و ... متغیرهای کنترل: جنس (مرد)، سن و زمان ورود (بالای ۱۲ سال)، تعداد خواهران و برادران تنی، زندگی با پدر و مادر، شاغل بودن والدین، تحصیلات پدر.

چنانکه محققان در بحث مربوط به سرمایه اجتماعی مطرح می سازند، انسجام اجتماع قومی شکلی از سرمایه اجتماعی را تولید می کند که خانواده مهاجر را

^۳Min Zhou

^۴Carl L.Bankstan III

برای دریافت حمایت های روزمره و گرفتن راهنمایی از خانواده های دیگر و انجمنهای مذهبی و گروه قومی، قادر می سازند. در واقع، محققان به این نتیجه رسیدند که سرمایه اجتماعی بسیار حیاتی است و تحت شرایط معینی، در مقایسه با سرمایه انسانی سنتی برای سازگاری موفقیت آمیز نسل جوان تر مهاجران اهمیت بیشتری دارد.

این نتیجه گیری، بوسیله مدارک معتبری حمایت شده است. طوری که کشیش کلیسای ویتنامی ها، مونسینور دومینیک لونگ^{۳۷} مشاهده کرد که جوانان ویتنامی که وقت خود را در گوشه و کنار خیابان یا مصرف مواد مخدر می کنند، از جامعه هم قومیهی بزرگسالشان بیگانه شده اند. دکتر جوزف ونگ^{۳۸} مشاور ویتنامی در دبیرستانهای کوچک تر منطقه نیواورلئان اشاره کرد که جوانان متعلق به خرده فرهنگهای محلی ویتنامی به عنوان «سازگار شده زیاد» با جامعه امریکا تلقی می شوند. اگرچه آنان به نظر خودشان آمریکایی هستند، فاقد ویژگیهای سفیدپوستان امریکایی اند.

پای بندی به ارزشهای سنتی خانوادگی، و تعهد به اخلاق کار، آثار معنی داری روی جهت گیری تحصیلی داشته اند. متغیرهای کنترل کننده، اثر معنی داری را روی جهت گیری تحصیلی نشان نداده اند. نتایج حاصل از مطالعه نشان داد که

^{۳۷}Monsignor Dominic Loung

^{۳۸}Joseph Vuang

هیچ یک از تبیین‌های مربوطه در سطح خانواده فرد تأیید نشد. یعنی نه شاغل بودن والدین و نه زندگی در خانواده دو والدینی اثر معنی داری روی جهت گیری تحصیلی نداشته است.

علاوه بر موارد بالا، تحصیلات پدر هم اثر معنی داری روی هر یک از متغیرهای درونی تحت بررسی نداشته است. نتایج حاصل همچنین نشان دادند که در اجتماع قومی خاص ویتنامی، سرمایه اجتماعی برای کودکان در مقایسه با سرمایه انسانی و ویژگیهای فردی والدین در تعیین سازگاری کودکان مهاجر، امکاناتی را در دسترس قرار می دهد که حائز اهمیت بیشتری است.

(مین ژو و بانکستون سوم، ۱۹۹۴: ۸۲۴-۸۲۱)

کلمن^۱ در تحقیق خود تحت عنوان «سرمایه اجتماعی در ایجاد سرمایه انسانی» می نویسد: چشم انداز مربوط به انطباق مهاجر، بینشی در درون جامعه چندقومی فراهم می آورد که ممکن است چیزی متفاوت از سرمایه اجتماعی، تحت عنوان موهبتهای فرهنگی چون تعهدات و انتظارات، شبکه های اطلاع رسانی، و هنجارهای اجتماعی برای مسدود کردن مسیر انطباق به نظر آید. (کلمن، ۱۹۹۰) وی در اثر دیگر خود تحت عنوان «بنیادهای نظریه اجتماعی» در بحث مربوط به مسئله آموزش و پرورش می گوید: شواهدی از خانواده های آسیایی وجود دارد که نشان می دهد علاقه پدر و فرزند در مورد یادگیری و

تحصیل کودکان توانسته است دستیابی به تحصیل دانشگاهی حتی در زمانی که والدین سرمایه انسانی اندکی داشته اند، ارتقا بخشد. علاوه بر آن، ثبات و استحکام ساخت اجتماعی نقشی حیاتی در حمایت از رشد سرمایه اجتماعی در خانواده ایفا می کند. درحالی که سرمایه اجتماعی در اجتماع، به عکس به والدین اجازه می دهد هنجارها را تثبیت و حمایت‌های خود از کودکان را در زمینه های مختلف تقویت کنند. در واقع انطباق انتظارات خانواده و اجتماع قومی، افراد را با منابع سرشاری از حمایت و سرپرستی بهره مند می سازد که در سراسر زندگی کمک بسیاری به آنان ارائه می کند.

محمد چایچیان هم تحقیق دیگری با عنوان «نسل اول ایرانیان مهاجر و مسئله هویت فرهنگی: مورد آیووا در بین مهاجران ایرانی ایالات متحده انجام داده است. مطالعه شوندگان، نسل اول ایرانیان مهاجر در سن ۱۸ سال به بالا، مقیم در یک شعاع ۳۰ مایلی شهر آیووا، شهرکی دانشگاهی با جمعیتی در حدود ۸۰۰۰ نفر در جنوب شرقی آیووا، بوده اند. از بین آنان ۷۰ نفر واجد شرایط انتخاب بودند و برای آنان پاکت های حاوی پرسشنامه تحقیق ارسال شد. فقط ۴۰ نفر از افراد نمونه مطالعه، پس از تکمیل پرسشنامه، آن را برگردانده اند. یعنی نرخ برگشتی ۵۷ درصد بوده است.

^۳Cileman, J.s.

داده های تحقیق شامل اظهارات پاسخ گویان، همراه با مصاحبه های عمیق در ارتباط با ۱۲ موضوع است. این مطالعه شوندهگان به سؤالات مرتبط با نگرشها، باورها، مشارکت و الگوهای جامعه پذیری بر اساس کیک طیف مدرج ۱ تا ۵ درجه ای - ۱ به مفهوم بی اهمیت ترین و ۵ به مفهوم مهم ترین - پاسخ داده اند.

محقق در این تحقیق، برای مطالعه در باره مسئله هویت فرهنگی ایرانیان مهاجر، گونه شناسی متعلق به بنو عزیزی را پذیرفته است. (همان، ۱۹۹۰: ۱۰) او چهار جزء را برای تعیین هویت ارائه کرده است:

۱- اولین جزء، «میراث ماقبل اسلامی»^۴ (Pre-Islamic Legacy) ایران است که فاصله ای بیش از یک هزاره از هخامنشیان تا سلسله ساسانی را در بر می گیرد.

۲- دومین جزء، اسلام و شیعه گری است، به خصوص به عنوان مذهب رسمی و غالب برای حدود ۹۰ درصد از ایرانیان که «تمامی آثار مربوط به هر جنبه از فرهنگ و تفکر ایرانی را در بر می گیرد».

۳- سومین جزء، یک پیوند مشترک «تخیلی یا واقعی» است که به گونه ای تاریخی گروههای قومی مختلفی را در زیر یک چتر فرهنگی و اجتماعی در

^۴:Coleman, 1990:10.

مبارزاتشان برای بقا و مبارزه با قواعد مستبدانه گوناگون و سپاهیان متجاوز گرد آورده است.

۴- آخرین جزء، «زبان پارسی» یا فارسی که علی رغم تسلط آن بر دیگر زبانهای قومی بومی در ایران، به عنوان «زبان ملی» در ایران خدمت کرده است. البته با توجه به کوچکی

اندازه نمونه، بالا بودن بیش از حد میانگین سطوح تحصیل و درآمد، و غیرمعرف بودن ماهیت نمونه تحقیق، نمی توان نتایج حاصل را تعمیم داد. در عین حال تلاش شده تا نتیجه گیری های موقتی ارائه شوند:

۱- مهاجران ایرانی شهر آیووا بطور عمده برای پیشرفت تحصیلی و فرار از سختیها و مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی موجود در ایران، به ویژه پس از انقلاب اسلامی سال ۱۹۷۹ به این شهر آمده اند.

۲- بیشتر ایرانیان بطور کامل دوزبانه اند (فارسی و انگلیسی)، فارسی در خانه با بستگان و دوستان ایرانی، و انگلیسی در محل کار و جامعه بعنوان یک ابزار فرهنگی برای بقای اقتصادی، اجتماعی و به دست آوردن حداکثر پیشرفت.

۳- ایرانیان شهر آیووا تمایل پیدا کرده اند تا مناسک و وقایع مذهبی و دنیوی (مادی) امریکایی را بپذیرند. با وجود این، هیچ کدام از این وقایع یا مناسک را بر اساس اهمیت مذهبی، تاریخی، اجتماعی، در خود درونی نکرده اند.

۴- بیشتر ایرانیان از اینکه همانند «امریکائیان» تلقی شوند و در همان حال برچسب میهن پرست شریف بخورند، به خاطر آنکه به عنوان مهاجران مستقر و کاملاً همانند شده تلقی شوند، خودداری کرده اند.

۵- آنان تمایل دارند که پیوندهای دوستانه صمیم و نزدیک در اکثر موارد با امریکایی های اصیل غیراروپایی برقرار کنند.

سرانجام، اکثر والدین دوست دارند فرزندانشان را براساس ارزشهای فرهنگی ایرانی بزرگ کنند. البته، در نهایت پی برده اند که برای حفظ «خلوص قومی»^۴ در یک جامعه چند قومی اگر این امر غیرعملی نباشد، غیرممکن است.

بعنوان نتیجه گیری کلی می توان گفت: ۳۰ درصد پاسخ گویان برون همسری را تأیید کرده اند، و حتی بیش از ۳۶/۹ درصد والدین به تصمیم فرزندان خود برای ازدواج با افراد بیرون از جمعیت قومی ایرانیان (حال یا آینده) احترام می گذارند.

هنگامی که بیشترین تأکید روی مسائل اجتماعی ایرانیان در ایالات متحده صورت گرفت، پاسخ گویان «سازگاری با جامعه امریکا» (۶۸ درصد مردان و ۶۰ درصد زنان) و «انزوای اجتماعی و تنهایی» (۵۲ درصد مردان و ۴۶/۷ درصد زنان) را به عنوان دو جزء از مهم ترین موضوعات تعیین کردند.

^۴ethnic purity

با توجه به اقامت طولانی تر مهاجران ماقبل ۱۹۷۹ در مقایسه با مدت اقامت مهاجران ایرانی بعد از ۱۹۷۹، به نظر می رسد که در موضوع سازگاری با محیط مقصد، آنان به آرامش بیشتری رسیده باشند. در حالی که، هر دو گروه به اندازه یکسانی در انزوای اجتماعی و تنها شدن نگران هستند (۵۰ درصد پاسخ گویان). با وجود موفقیت‌های چشمگیر اقتصادی، حرفه ای و تحصیلی، تنهایی و افسردگی روانی و انزوای اجتماعی فزاینده مهاجران ایرانی ممکن است مشکل جدی تری در زندگی افراد حساس و نکته سنج باشد. از یک سو، اشکال فراگیری از تبعیض و پیشداوری علیه آنان به خصوص در حوزه های روستایی، و از سوی دیگر، ناکامی در معاشرت و آمیزش با اعضای جامعه میزبان، مشکل را حادث کرده است.

اینها، مشکل درونگرا بودن ایرانی ها به دلیل درونگرا بودن ارزشهای فرهنگی و اجتماعی ایرانیان هم باعث شده است آنان مشاوره های روان درمانی و تخصصی را مجاز ندانند. شاید به همین دلیل است که ایرانیان در مقایسه با سایر اقلیتهای قومی در امریکا از لحاظ اجتماعی اندوهگین، و از لحاظ احساسی پریشان اند؛ و در حالی که این وضع چندان مورد توجه محققان اجتماعی قرار نگرفته است. (چایچیان، ۱۹۹۷: ۶۲۷-۶۱۲)

مطالعات دیگری نیز در میان ایرانیان مهاجر در باره گستره و ماهیت سازگاری فرهنگی آنان در ایالات متحده انجام شده است. هافمن^۲ در مطالعه خود که بیشتر یک مطالعه قوم نگارانه است به این نتایج رسیده است:

۱- اگرچه تضادهای فرهنگی مهمی بین ایرانیان و امریکایی ها وجود دارد، فرایند سازگاری فرهنگی برای بیشتر ایرانیان به طور عمده تجربه ای مثبت از یادگیری و نه منبعی از «شوک فرهنگی، تضاد و یا سردرگمی» بوده است.

۲- انطباق ایرانیان با فرهنگ میزبان «گزینشی»^۳ بوده است، بدین معنی که آنها جنبه های «مثبت» فرهنگ میزبان را انتخاب کرده اند.

۳- برخی از زنان ایرانی نمونه مورد مطالعه، علی رغم یادگیری «جنبه های مثبت فرهنگ امریکایی»، احساس نمی کردند بخشی از نظام امریکایی شده باشند. (هافمن، ۱۹۹۰: ۲۸۷-۲۸۵)

مطالعه دیگری که براتی به عنوان رساله دکترا در میان ایرانیان مهاجر و ساکن در کالیفرنیا جنوبی در سال ۱۹۸۱ انجام داد، نشان می دهد زمانی که سطح بالایی از همانندگرمی ساختی موجود است، مهاجران ایرانی سطح پایینی از همانندگرمی فرهنگی را نشان می دهند. یافته های براتی همچنین نشان می دهد که متغیرهایی نظیر طول مدت اقامت در ایالات متحده و مهارت در زبان

^۲Holfman. D.M

^۳electric

انگلیسی، همبستگی مثبتی با سطح همانندگردی فرهنگی نداشته اند. (براتی،

۱۹۸۱)

سازمان های قومی: انسجام و همانندگردی در مقابل جدایی و حفاظت فرهنگی با رجوع خاص به ایرانیان در منطقه پایتخت، واشنگتن دی. سی.» عنوان تحقیق دیگری است که به بررسی نقش های مربوط به انجمن های قومی در همانندگردی مهاجران به جای حفاظت از فرهنگ آنان از طریق مرور فعالیتهای ۳۷ انجمن قومی ایجاد شده به وسیله ایرانیان در واشنگتن دی سی پرداخته است.

اطلاعات لازم در باره ویژگیهای ساختی، اهداف، فعالیتهای، کارکردها، رهبری، عضویت، و اسناد مکتوب از طریق مصاحبه جمع آوری و تحلیل شدند. ۶۶ درصد از انجمنها هدف اصلی را حفاظت و ارتقای ایرانیان و در حدود ۱۵ درصد از آنان هدف خود را حل مشکلات سازگاری اعلام کردند. این سازمان ها در پنج زمینه متفاوت شامل بزرگداشت (جشنهای سنتی و ملی)، فعالیتهای فرهنگی، برگزاری سالگردهای مذهبی و سیاسی، تدارک و تهیه اطلاعات مورد نیاز ایرانیان و کمک به آنان، و تهیه اطلاعات مناسب در زمینه فرهنگی ایالات متحده فعالیت می کنند.

بر اساس داده ها نتیجه گرفته می شود که سازمانها زمینه فعالیت های فرهنگی، جشن های سنتی، و ارتقای ملی را کاهش داده اند، ولی سعی می کنند، در زمینه حفاظت فرهنگی، با به کارگیری زبان فارسی، به آن جامعه عمل ببوشانند. نقش سازمانها در فرایند سازگاری، حفاظت فرهنگی، وحدت ایرانیان و جامعه پذیری سیاسی، چندان معنی دار نبوده است. سرانجام، این موضوع روشن شد که انجمنهای ایرانی که در زمینه فرهنگی، آموزشی و تحقیقی فعالیت می کنند، بهترین چشم انداز را برای بقا در منطقه واشنگتن دی. سی. دارند (بی پروا، ۱۹۹۴: ۴۰۴-۳۶۹).

«سازگاری پناهندگان و ساختار اجتماع: مورد هند و چینی ها در شهر کبک، کانادا» تحقیق دیگری است که لوییس ژاک دورایس، آن را انجام داده است. این تحقیق نشان می دهد که علی رغم تفاوت های موجود در انسجام اقتصادی، ویتنامی ها، کامبوجی ها و لائوسی ها تا کنون در منطقه شهری کبک (کانادا) در طول ده تا پانزده سال گذشته. سه اجتماع قومی مشخص تشکیل داده ه اند. (دورایس، ۱۹۹۱: ۵۷۳-۵۵۱)

لائوسی ها فقط یک سازمان دارند: انجمن لائوسی های شهر کبک. هم زمان با انجمن اصلی کامبوجی ها، این انجمن با موج دوم پناه جویان هندوچینی در ۱۹۸۰، به وجود آمد.

هیچ کدام از این سازمان ها اعضای رسمی ندارند. تمامی انجمنها فعالیتها و اهداف مشابهی دارند: هدف آنها کمک به اعضای خودشان (بطور کلی، برای مثال: خدمات مشاوره ای، مراقبتی و ترجمه ای) یعنی جفاظت از زبان، فرهنگ و هویت قومی است. دو هدف اخیر، هنگامی که جشنواره های خاص یا سالیانه ملی برگزار می شوند، بروز می کنند: حلول سال جدید ویتنامی ها (تت)، حلول سال جدید خمیری ها (بهار)، جشنواره سکون بودایی ها (پاییز) و باکی^{۴۰} لائوسی ها (جشنواره های اجتماع). همچنین جشنواره هایی عامل پیوند دهنده عمومی - یا نیمه عمومی در مورد باکی - هویت قومی متعلق به هر سه اجتماع قومی است. با وجود این، پیچیدگی ساختاری انجمنهای ویتنامی در مقایسه با کامبوجی ها و لائوسی ها بیشتر است. آنها از سازمانهای مذهبی و انجمنهای داوطلبانه (و نیز اکثریت تشکیلات تجاری قومی) دو گروه قومی دیگر پیشرفته ترند.

بطور خلاصه، بر اساس زمینه های اقتصادی (بر اساس مشارکت در بازار نیروی کار) ویتنامی ها بیشترین و لائوسی ها کمترین انسجام را در بین پناه جویان هندوچینی ساکن در شهر کبک داشته اند. علاوه بر اینکه ویتنامی ها

^{۴۰}Louis Jacques Dorais

^{۴۱}Baci

نسبت به دو گروه دیگر یعنی کامبوجی ها و لائوسی ها بهتر سازمان یافته اند (با تعداد بیشتری از سازمانهای رسمی).

هندوچینی های شهر کبک انواع مختلفی از روابط و نهادهای اجتماعی را توسعه داده اند. مستمرترین تماس منظم با خویشاوندان هندوچینی شان در خارج از کشور، از طریق مکالمات تلفنی، نامه نگاری یا قراردادن نامه هایی در درون بسته های پستی است.

البته باید گفت هندوچینی ها به طور کامل از جامعه میزبان نبریده اند. بلکه، برخی تماسهای منظم و مستمر با حامیها، همکاران یا همکلاسی های اهل کبک آنان وجود دارد. آنان هنگام نیاز، به سهولت به خدمات اجتماعی و مؤسسات بهداشتی دسترسی دارند.

لانفیر^{۶۱} با مطالعه تجارب حاصل از اسکان پناه جویان در سه کشور اصلی پذیرنده یعنی ایالات متحده، کانادا و فرانسه، سه مدل را مشخص کرد: ۱- حجم زیاد ورودی / با تأکید بر سازگاری اقتصادی صورت گرفته است (ایالات متحده) ۲- تعدیل ورودی / با تأکید بر سازگاری اقتصادی (کانادا و فرانسه)؛ ۳- تعدیل ورودی / با تأکید بر سازگاری فرهنگی (ایالات متحده). (لانفیر، ۱۹۸۳:

(۳۳-۴)

^{۶۱}C.M. LanPhier

داده ها حاکی از آن است که اسکان پناه جویان هندوچینی در کبک بر اساس سازگاری فرهنگی انجام گرفته است. حکومت ایالتی که COFI نامیده می شود، مراکزی برای آشناسازی و انتظام بخشیدن به مهاجران ایجاد کرده است که در آنجا به مدت ۳۰ هفته به صورت تمام وقت تعلیم می دهد. ضمن آنکه روزانه برنامه‌هایی به منظور آشنایی و آگاهی در زمینه مسائل مورد نیاز برای مهاجران تازه وارد به کبک در رسانه های جمعی ارائه می شود. لازم به یادآوری است که نمونه مورد مطالعه متشکل از ۱۸۴ خانوار ویتنامی، ۱۴ خانوار کامبوجی و ۳۲ خانوار لائوسی بوده است. (همان)

۳- مطالعات مربوط به همانندگردی فرهنگی و قومی مهاجرین در مقصد از جمله تحقیقات دیگری که در زمینه سازگاری مهاجران با جامعه مقصد انجام شده است، تحقیق «همانندگردی اجتماعی و فرهنگی مهاجران اسرائیلی در ایالات متحده» است. نمونه مورد مطالعه متشکل از ۵۰۰ نفر از مهاجران اسرائیلی است که شهروندی امریکا به آنها داده شده و در بین سالهای ۱۹۸۴ تا ۱۹۸۶ در مناطق منهتن، بروکلین و کوینز شهر نیویورک اقامت گزیده اند. ضمن آنکه تمامی پاسخ گویان صاحب کودکانی در درون خانواده بوده اند. در این تحقیق، منظور از اسرائیلی فرد یهودی است که در اسرائیل متولد شده و حداقل ده سال از زندگی خود را (زن / مرد) در آنجا گذرانده است. ابزار جمع

آوری اطلاعات پرسشنامه ای به دو زبان انگلیسی و عبری است تا برای پاسخ گویی به آن راحت باشد. به علاوه، از این طریق آزمون ترجیح زبانی نیز به صورت غیرمستقیم انجام می شود و لازم به یادآوری است که از ۵۰۰ پرسشنامه ارسالی، ۱۵۵ پرسشنامه تکمیل و برگردانده شده اند.

بر اساس نتایج به دست آمده می توان گفت در حدود ۷۰ درصد پاسخ گویان خود را اسرائیلی قلمداد کرده اند، در حالی که ۶/۲ درصد از کودکان اسرائیلی خود را اسرائیلی می دانستند. مهاجران اسرائیلی که با همسران یهودی امریکایی (۲۶ درصد) یا همسران غیر یهودی امریکایی (۵ درصد) ازدواج کرده اند، به طور معنی داری سطح بالاتری از همانندگردی اجتماعی را در مقایسه با آنهایی که با همسران اسرائیلی ازدواج کرده اند، نشان داده اند.

دیگر متغیرها همچون طول مدت اقامت در امریکا و سن پاسخ گویان با همانندگردی اجتماعی همبستگی مثبتی داشته اند. پاسخ گویان جوان تر، سطوح بالاتری از همانندگردی داشته اند، مدت زمان طولانی تر اقامت در ایالات متحده با سطوح بالاتر همانندگردی همبستگی نشان داده است.

در نتیجه گیری نهایی می توان گفت نسل اول مهاجران در درون جامعه یهودی و غیریهودی امریکایی به طور کامل همانند نشده اند، در حالی که کودکان آنان خودشان را امریکایی می دانند. مطالعه همچنین چهار سطح از همانندگردی را

معین کرده است: اسرائیلی، اسرائیلی امریکایی، یهودی امریکایی و امریکایی.

(رزنتال، ۱۹۹۲: ۹۹۱-۹۸۲)

مطالعه دیگری تحت عنوان «یهودیان شوروی در ایالات متحده: تحلیلی از سازگاری اقتصادی و زبانی آنها» از سوی باری چیس ویک^۷ انجام یافته است که هدف آن تحلیل سازگاری زبانی و بازار نیروی کار یهودیان شوروی در ایالات متحده است.

در طول دو دهه گذشته نزدیک به $\frac{1}{4}$ میلیون نفر یهودی از شوروی (سابق) به صورت نامنظم به ایالات متحده مهاجرت کرده اند. ادبیات موجود نشان می دهد که مهاجران یهودی شوروی از سطح بالایی از تحصیل و پایگاه شغلی قبل از مهاجرت در شوروی برخوردار بوده اند. داده های آماری سال ۱۹۸۰ حاکی از آن است که آنان به گونه ای نامناسب در مناطق مختلفی از شهر نیویورک، لوس آنجلس / لانگ بیچ و شیکاگو زندگی می کنند.

نمونه مورد مطالعه بر اساس مقیاس $\frac{1}{6}$ برای مقایسه مهارت در زبان انگلیسی و عواید مردان بزرگسال اتحاد شوروی با مهاجران دیگری که از سال ۱۹۶۵ میلادی به بعد به ایالات متحده آمده اند، شکل گرفته است. داده ها نشان می دهند که مهاجران یهودی مهرتهای کمتری در زبان انگلیسی نسبت به سایر

^۷Barry R, Chiswick

مهاجران داشته اند. البته آنانی که تحصیلات بیشتری داشته اند، از مهارت بیشتری در زبان انگلیسی برخوردار بوده اند. با وجود این، در مهاجرت اخیر، یعنی مهاجرت سالخوردگان با همسران روسی الاصل شان، به دلیل مهارت نداشتن مهارت در کاربرد زبان انگلیسی، خودشان مسئول عواقب منفی این وضع هستند. الگوهای عکس‌العملی پناه جویان، اثر مثبت ناچیزی بر مهارت در زبان انگلیسی آنان داشته است. البته اثر منفی سن بر روی مهاجرت، در گروه مهاجران بیشتر از مهاجران دیگر بوده است.

تحلیل نتایج نشان می‌دهد که درآمد مردان بزرگسال مهاجر شوروی ۴۰ درصد کمتر از دیگر مردان بزرگسال مهاجری است که از ۱۹۶۵ به بعد وارد آمریکا شده اند. در حدود ۴۰ درصد درآمد کمتری داشته اند. هم‌چنین این نکته آشکار شده است که اثر مهارت در زبان انگلیسی برای مهاجران به طور عام بسیار زیاد است.

در نتیجه گیری نهایی بر اساس داده‌ها آمده است که یهودی‌های شوروی پس از ۵ سال اقامت در آمریکا و کسب مهارت در زبان انگلیسی، به برابری زبانی و بازار نیروی کار با دیگر مهاجران اروپایی دست پیدا کرده اند. البته در سالهای اولیه ورود، مشکلات بیشتری را نسبت به سایر مهاجران از کشورهای دیگر اروپایی تحمیل کرده اند. (چیس ویک، ۱۹۹۳: ۲۸۵-۲۶۰)

یکی از کگامل ترین و پیشگام ترین مکطالعات در باب سازگاری اقتصادی مهاجران یهودی شوروی در ایالات دمتحده، پیمایش مربوط به چگونگی اسکان آ"تان در ۱۴ شهر امریکا در ۱۹۸۱ میلادی است. نمونه مورد مطالعه متشکل از ۹۰۰ خانواده مهاجر یهودی شوروی است، که در بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۸۱ به امریکا مهاجرت کرده اند. پاسخ گویان را رؤسای خانوارها که در زمان مهاجرت داشتند در سنین بین ۱۸ تا ۵۵ سالگی بودند، تشکیل می دهند. از ویژگیهای عمده خانوارهای نمونه می توان به باروری پایین و سطح بالای مهارت آنها اشاره کرد. ضمن اینکه ۸۵ درصد خانواده ها را فقط یک زوج (زن و شوهر) تشکیل می داده اند. میانگین تعداد بچه ها ۱/۴ است و تنها ۳ درصد از خانواده ها ۳ فرزند یا بیشتر داشته اند. سطح متوسط تحصیل برای مردان جوان ۱۴ سال و برای زنان ۱۳ سال بوده است. حدود $\frac{2}{3}$ پاسخ گویان، مدرک تحصیلی لیسانس داشته اند.

زنان الگوی مشابهی از اشتغال فزاینده را با گذشت چند سال (۳ تا ۵ سال) اقامت در ایالات متحده در ۱۴ شهر مورد مطالعه نشان داده داند. نکته قابل توجه اینکه بعد از چند سال زنان مهاجر، محققان در مقایسه با زنان متولد امریکا، سطح بالاتری از عرضه نیرو کار را به دست آوردند. حدس محققان آن است که علت این امر سابقه طولانی تر عرضه نیروی کار زنان در شورئی،

سطح پایین تر درآمد و ثروت همسرانشان در ایالات متحده باشد. همچنین ممکن است این وضع به علت تعداد کمتر فرزندان خانواده های مهاجر یهودی روسی الاصل باشد.

محققان از پاسخ گویان در مورد میزان تواناییشان در خواندن، نوشتن و صحبت کردن به زبان انگلیسی در هنگام ورود و زمان پیمایش پرسیدند؛ مشخص شد که مهارت آنها در زبان انگلیسی با گذشت هرچه بیشتر از زمان اقامت در ایالات متحده افزایش یافته است. گذر مورد عواید و درآمد نیز معلوم شد که با افزایش طول دوره اقامت، بر درآمد سالیانه مهاجران یهودی شوروی افزوده شده است. همان گونه که انتظار می رفت، دریافت و ارائه کمکهای دولتی، با گذشت زمان و بهبود نسبی وضعیت رفاهی مهاجران یهودی شوروی کاهش پیدا کرد. (سیمون، ۱۹۸۲)

مطالعه دیگری با عنوان «جذب اجتماعی مهاجران شوروی: انسجام یا انزوا» توسط فیلمن^۸ در ۱۹۷۷ در میان ۱۴۸ خانواده یهودی شوروی در کلیولند اجرا شد. این افراد کسانی بودند که در طی سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۷۹۶ وارد ایالات متحده شده بودند. گزارش بیشتر بر اساس اهمیت مهارتهای زبانی برای احراز شغل و پیشرفت این مهارتها در طول زمان تنظیم شده است. مصاحبه با خانواده در طول زمان و بر اساس پیشرفت در مهارتهای زبانی خانواده ها

(خواندن، نوشتن و صحبت کردن) انجام پذیرفته است. داده های تحقیق حاکی از آن است که ۵۷ درصد از بزرگسالان خانواده هایی که یک سال یا کمتر در کلیولند مقیم بودند به مترجم نیاز داشتند. در حالی که، خانواده هایی که بیش از یک سال در کلیولند زندگی می کردند فقط ۲۶ درصد از بزرگسالانشان مترجم می خواستند. در نتیجه خانواده هایی که برای زندگی، ارتباط با اعضای جامعه میزبان، احراز شغل و فعالیتهای کاری با مشکل تکلم زبان انگلیسی مواجه بودند، بیشتر دچار انزوا و به عکس، با گذشت زمان، زندگی در کلیولند، و کسب مهارت در زبان انگلیسی بیشتر جذب جامعه مقصد شدند. البته با وجود توسعه مهارتهای زبانی، فقط ۲۶ درصد از این خانواده ها از روزنامه های غیرانگلیسی استفاده می کردند. (فلمن، ۱۹۷۷: ۶۸-۶۲)

مطالعه دیگری توسط کوزمین^۹ در اکتبر ۱۹۸۹ در میان مهاجران یهودی شوروی در ۶ ایالت متحده انجام گرفتو این مطالعه مهاجران یهودی ۱۸ تا ۶۵ ساله را که در طی سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۱ وارد ایالات متحده شده اند، پوشش می دهد. این پیمایش دربرگیرنده ۳۹۱ سرپرست خانوار بوده است. آنها در حدود ۱۰ سال در ایالات متحده اقامت داشته اند. درآمد متوسط خانواده های مهاجر یهودی در نمونه مورد مطالعه فراتر از ۳۴۰۰۰ دلار اعلام شده است. این

^۹Deldman

^۹Kosmin, B.A

در حالی است که متوسط درآمد خانواده‌ها در ایالات متحده، ۲۹۰۰۰ دلار بوده است. شاید دلیل بالاتر بودن درآمد مهاجران یهودی شوروی، بالا بودن سطح تحصیلی آنان در زندگی در شهرهای بزرگ، و عرضهٔ بیشتر نیروی کار زنان مهاجر یهودی باشد. البته اثرات جداگانهٔ متغیرهای تبیینی مشخص نشده‌اند. از نکات جالب گزارش، یادگیری زبان انگلیسی به عنوان مشکل‌ترین مسئله‌ای است که مهاجران یهودی شوروی در بدو ورود و سالهای اولیهٔ اقامت در آمریکا با آن مواجه بوده‌اند. پس از گذشت ده سال از اقامت مهاجران در ایالات متحده، ۹۵ درصد آنان توانستند به انگلیسی صحبت کنند و نوشته‌ها را بخوانند. ضمن اینکه ۷۸٪ از آنها توانایی به انگلیسی را کسب کردند.

در هنگام جمع‌آوری داده‌های تحقیق، پاسخ‌گویان آزادبودند پاسخ‌سؤالات را به انگلیسی یا روسی بدهند. در حدود ۴۲ درصد از آنها زبان انگلیسی را برای پاسخ‌گویی انتخاب کردند. لازم به اشاره است که داده‌های متحقق‌نشان دهندهٔ همبستگی قوی بین درآمد و انتخاب زبان انگلیسی برای پاسخ‌گویی بوده است (کوزمین، ۱۹۹۰: ۲۰-۱۹)

نکتهٔ دیگری که در گزارش تحقیق قابل توجه است طرح‌های «خانواده با خانواده» یا «خانوادهٔ میزبان» برای مهاجران یهودی است. این طرح باعث توسعهٔ ازدواج مهاجران یهودی با خانواده‌های یهودی یا غیر یهودی آمریکایی

یا به عکس شده است. هدف اصلی طرح داوطلبانه «خانواده میزبان»، آماده کردن خانواده های یهودی مهاجر بر اساس دسترسی به اطلاعات مختلف مورد نیاز در زندگی روزمره، شامل رسوم یهودی در امریکا است. (همان)

در ۱۹۸۱ پیمایش دیگری در باب مهاجران یهودی شوروی در خیابان سنت پل مینهخ سوتا اجرا شد. تعداد افراد مورد مطالعه ۵۷ مهاجر یهودی بودند که از سال ۱۹۷۴ تا ۱۹۸۰ به امریکا مهاجرت کرده بودند. هدف اصلی مطالعه، اثربخشی طرحهای «خانواده میزبان» در سازگاری مهاجران بود. (الن بوگن؛^۵ ۱۹۸۴: ۱۷۷-۱۷۸) دو سوم از پاسخ گویان برای اسکان خارج از خانواده میزبان» توسط مؤسسات رایج یهودی کمک دریافت کرده بودند.

بر اساس داده های تحقیق «خانواده میزبان» تنها در فرایند جامعه پذیری مجدد و آشناسازی مهاجران یهودی با فرهنگ و زندگی امریکایی و نه اشتغال، اهمیت بسیار زیادی داشتند. از میان کل پاسخگویان، تنها ۷ درصد آنها خاطر نشان کردند که «خانواده میزبان» در یافتن شغل به آنها کمک کرده اند. در مقابل نزدیک به ۷۰ درصد گزارش دادند که میزبانان آنان را با راه و رسم زندگی یهودی در سنت پل آشنا کرده اند و ۲۱ درصد اشاره کردند که «خانواده میزبان» بیشترین اهمیت را در اسکان مجدد آنها داشته اند. این در حالی است

^۵-Ellenbogen

که مهم ترین مسائل سازگاری مهاجران یهودی در امریکا زبان و اشتغال بوده است. (همان: ۱۷۶-۱۷۴)

تحقیق دیگری تحت عنوان «مقایسه اقلیتهای مهاجر کره ای در چین با ژاپن» توسط پیونگ جاپ مین^۱ انجام شد، که در آن وضعیت اقلیتهای مهاجر کره ای مقایسه و بررسی شده است. تا زمان مطالعه حاضر، در حدود ۱/۸ میلیون کره ای در چین و در حدود ۷۰۰/۰۰۰ نفر کره ای در ژاپن ساکن اند. آنها در این دو کشور آسیایی همسایه اختلاف جالب توجهی در سازگاری و قومیت با یکدیگر پیدا کرده اند. در حالی که کره ای ها در چین سطح بالایی از استقلال و هویت قومی مثبت را حفظ کرده اند. کره ای های ژاپنی بسیاری از میراث فرهنگی خود را از دست داده اند و از هویت قومی منفی رنج می برند. در این تحقیق بر این نکته تأکید شده است که تفاوت های بنیادی خط مشی اقلیت مهاجر کره ای در کشورهای چین و ژاپن، وجود یا نبود یک قلمرو پایه ای و سطوح متفاوت نفوذ کره در دو کشور بوده است. این تحلیل مقایسه ای از لحاظ نظری ارزشمند است، زیرا نشان می دهد تفاوت های فرهنگی و فیزیکی بین گروه اکثریت و اقلیت شرط لازم برای پیشداوری^۲ و تبعیض^۳ علیه گروه اقلیت نیستند.

^۱Pyong Gap Min

^۲rejudice

در این گزارش دو گروه اقلیت مستقر در چین و ژاپن از جهت سازگاریشان به خصوص در سطح حفظ خرده فرهنگ و هویت قومی با یکدیگر مقایسه شده اند. در زیر چهار عامل تعیین کننده اصلی سطوح متفاوت قومیت بین دو گروه اقلیت کرده ای تشخیص داده شده اند:

اول؛ چین خط مشی تکثرگرایی اقلیت را که بر استقلال قومی تاکید دارد پذیرفته است، در حالی که ژاپن خط مشی همانندگرایی انعطاف ناپذیر را در پیش گرفته است. این خط مشی بنیادی متفاوت، مهم ترین عامل در درک تفاوت‌های موجود در سازگاری است.

دوم؛ دو گروه اقلیت کرده ای به طور معنی داری در زمینه مهاجرت متفاوت اند. بر این اساس نیز تفاوت‌هایی را در سازگاری خود نشان می دهند. اقلیت کره ای در ژاپن شبیه به «اقلیت‌های مستعمراتی شده» اسالات متحده است، در حالی که مهاجرت کره ای ها به چین حالت داوطلبانه و جنبه اقتصادی داشته است.

سوم؛ تجمع کره ای های چینی در منطقه یانبیان^۴ به عنوان یک قلمرو پالیه برای تمرکز روان شناختی و فرهنگی کره ای ها تعیین کننده بوده است. همین وضع تعلق خاطر قومی و هویت قومی آنها را تسهیل کرده است، در حالی که

^۳Discrimination

^۴Yanbian

کره ای های ژاپنی یک جزیره قومی^۰ قابل مقایسه با کره یا های چینی در اختیار نداشته اند.

چهارم؛ کره شمالی از لحاظ جغرافیایی و ایدئولوژی به چین نزدیک است و در نتیجه نفوذ سیاسی و فرهنگی گسترده ای روی اجتماع کره ای های چین دارد، در حالی که نه کره جنوبی و نه کره شمالی نفوذ چندانی روی اجتماع کره ای های ژاپنی ندارند.

هرچند جنبه توصیفی این مطالعه تطبیقی، برجسته تر از جنبه تبیینی آن است برخی جنبه های نظری با اهمیت را هم با خود داردو محققان علاقه مند به قومیت، بر نقش انجمنهای محلی، فرهنگی و تاریخ میان اعضای یکم قوم به عنوان یک امر ضروری برای بقای قومی یک گروه اقلیت خاص تأکید می کنند. واقعیت آن است که مشارکت دو گروه ناکلیت کره ای در چین و ژاپن تقریباً با سنت فرهنگی و تاریخی مشابه، سطوح متفاوتی از وابستگی های فرهنگی و تاریخی مربوط به قومیت را نشان می دهند که امکان دارد اهمیت ناکمتری برای درک قومیت برای بعضی از محققانی که نظر ما را در مورد قومیت دارند، داشته باشد، دانشمندان روابط اکثریت - اقلیت به علاوه بر تفاوت های فرهنگی و فیزیکی بین گروه های اکثریت و اقلیت به عنوان یکم شرط لازم برای پیشداوری و تبعیض علیه گروه اقلیت تاکید ددارند. با وجود این، این تحلیل مقایسه ای

^۰ethnic enclave

نشان داد اگر چه کره ای ها به لحاظ فیزیکی از ژاپنی ها دو چینی ها غیرقابل تشخیص و در ویژگی فرهنگی بسیار شبیه آنها هستند در دو کشور انواع متفاوتی از رفتار را نشان داده اند.

بنابراین می توان نتیجه گیری کرد که یک گروه می توان «به شکل بی رحمانه ای» بر گروه دیگری که هم به لحاظ فیزیکی و هم به لحاظ فرهنگی^۶ با آن شباهت دارد، با فراهم بودن شرایط دیگر، تبعیض اعمال کند. (مین، ۱۹۹۲: ۳۱-

(۴)

از جمله تحقیقات دیگری که می توان بدان اشاره کرد تحقیق «همبستگیهای روانی سازگاری نکاحی میان زنان کارکن» است. در اتین تحقیق عواملی نظیر روان پریشی، عصبانیت و برون گرایی به عنوان ویژگی های شخصیتی و سه متغیر روان شناختی دیگر یعنی رضایت پاسخ گو از میزان حقوق خود، رضایت پاسخ گو از مصرف حقوق همسرش و ادراک وی از رضایت خاطر والدینش از زناشویی وی مورد مطالعه قرار گرفتند.

جامعه آماری، زنان شاغل مهاجر در مؤسساتی نظیر مدارس، کالجها، بانکها، ادارات، اداره پست، شرکتهای بیمه عمر و تمامی ایستگاههای رادیویی در هند که حداقل ۵ سال از ازدواج آنها گذشته و یا پس از نامزدی در انتظار عروسی تا زمان جمع آوری اطلاعات تحقیق قرار دارند را شامل می شود. معیارهای

دیگر قرار گرفتن در نمونه، داشتن شغل دائم، دریافت حداقل حقوق ماهیانه ۵۰۰۰ روپیه، داشتن حداقل مدرک لیسانس و قراردادن در گروه سنی زیر ۵۰ سال بوده است.

در نهایت، ۱۷۰ زن شاغل ازدواج کرده برای مطالعه انتخاب شدند. ابزار اندازه گیری و جمع آوری داده های تحقیق پرسشنامه ای با مشخصات زیر بوده است:

۱- پرسشنامه مقدماتی برای جمع آوری اطلاعات مبنای؛

۲- مقیاس سیازگاری نکاحی استاندارد شده و اعتباریابی شده توسط کوپر (۱۹۷۰)، نکه محقق مجدداً اعتبار آن را محاسبه کرده است. مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده، ۹۰ درصد شده است.

۳- مدخل شخصیت آیزنک (۱۹۶۱) برای اندازه گیری روان پریشی و برون گرایی مورد استفاده قرار گرفته است. مقدار ضریب همبستگی محاسبه شده (اعتباریابی) برای روان پریشی ۰/۷۶ و برای برون گرایی ۰/۸۰ به دست آمده است.

۴- آزمون جامع سنجش عصبانیت سینا (scat) که مقدار ضریب خمبستگی آن ۰/۹۱ شده است.

^۳Ruthlessly

۵- برای اندازه گیری رضایت پاسخ گویان از نحوه مصرف حقوق خود و همسرانشان و دریافت پاسخ گو از رضایت خاطر والدینش از زناشویی وی، مقیاس های ساخته محقق به کار گرفته شده است. ضریب اعتبار آنها به ترتیب ۰/۹۲، ۰/۸۶ و ۰/۸۹ شده است.

یافته های تحقیق، همبستگی معنی دار تمامی ۶ متغیر را به سازگاری نکاحی آشکار کرد. همبستگی برای روان پریشی و عصبانیت منفی و برای سایر متغیرها مثبت شد. نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیر حاکی از آن است که ۲۰ درصد از مجموع تأثیر متغیرها روان شناختی روی سازگاری نکاحی، مربوط به رضایتن خاطر والدین پاسخ گویان از ازدواج آنان بوده است. بالاترین تأثیر معنی دار روی سازگاری نکاحی توسط متغیرهایی همچون برون گرایی و عصبانیت ایجاد شده است.

در حال حاضر با توجه به اینکه خانواده های هندی تحصیلات دبیشتری در مقایسه با گذشته دارند، نتایج مطالعه حاضر هم بریا تحصیل والدین و هم مشاوره قبل از ازدواج نتایج مثبتی در بر داشته است. در حالی که در شرایط گذشته، اهمیت و آماده سازی والدین در مورد مدل های نقشی مناسب برای سازگاری نکاحی، رضایت خاطر و ضرورت حمایت از دخترانشان برای توسعه

وضعیت برون گرایی و شخصیت فاقد عصبانیت‌های غیر ضروری (آرام)، تأکید می شد.

همچنین از نتایج ضمنی مطالعه حاضر، معنی داری حساس کردن دوگانه زوجین شاغل نان اور در مورد تأثیر خصوصیات شخصیتی آنان روی سازگاری نکاحی و خوشبختی آتی و سازگاری نکاحی فرزندانشان است. (کریشناساوامی، ۱۹۷۷: ۱۳۸-۱۳۷)

فانگ، در تحقیق خود در باره سازگاری ۲۳۶ دانشجوی چینی کبا جامعه امریکا به این نتیجه رسید که دانشجویان چینی که در چین متولد شده بودند از سازگاری کمتر و دانشجویان چینی متولد امریکا از سازگاری بیشتری برخوردار شده بودند. (فانگ، ۱۹۶۵: ۲۷۳-۲۶۵)

«فرایندهای انطباق کانادایی ها در ژنو» عنوان رساله دکترای لانگ^۷ در دانشگاه تورنتو کانادا است. این نظریه، اقامت و کاربردهای آن را در تحلیل فرایندهای سازگاری کانادایی ها در ژنو ارزیابی می کند اساس این نظریه بر این فرض استوار است که مسئله اصلی مهاجران در مقصد، ناسازگاری بین آنها با محیط است که این امر نتیجه تفاوت فرهنگها است. از نظر محقق، مهاجران به منظور مقابله با این ناسازگاری راه حلهای متفاوتی را انتخاب و به

^۷m.p.lANK

آنها عمل می کنند. اما انتخاب مهاجر توسط عوامل مختلف اجتماعی، فرهنگی و ساختی با محدودیتهایی روبرو می شود.

محقق در رساله خود از هشت عامل نام می برد که به ما در فهم فرایندهای انطباق مشکلاتی که مهاجران با آن مواجهه اند، یاری می رسانند. این عوامل عبارتند از: تحرک شغلی، انگیزه ها، توقعات، زبان، اشتغال، بعد خانوار، شبکه روابط اجتماعی و طول مدت اقامت.

پژوهشگر به منظور جمع آوری اطلاعات، یک پرسشنامه کوتاه تهیه و آن را برای یک نمونه تصادفی ۱۴۰ نفری از کانادایی های مقیم ناحیه ژنو ارسال کرده است. در مرحله بعد ۴۱ نفر از کسانی که پرسشنامه تکمیل شده را برگردانده اند مصاحبه کرده است. در تحلیل اطلاعات تحقیق، از روشهای کمی و کیفی استفاده شده است. یافته های تحقیق. برخی از نتایج تحقیقات قبلی را تأیید کرد، اما بیشتر فرضیه های تحقیق زیر سؤال رفتند. (لانک، ۱۹۹۰)

مایکل تای مینگ و^۸ در رساله دکتری خود با عنوان «انطباق اخیر چینی در ایالات متحده» که یک مطالعه کیفی است، تلاش می کند تا مسائل و الگوهای انطباق مهاجران چینی را مطالعه و بررسی کند. او پس از انجام مصاحبه با ۳۱ درصد از این مهاجران در امریکا به این نتیجه رسید که، بیشتر آنان در بدو ورود به ایالات متحده درجات متفاوتی از صدمه های فرهنگی را متحمل شده

اند. اغلب مهاجران علل سیاسی و تلاش برای فراهم آوردن زندگی بهتر در آینده برای فرزندان خود را از دلایل اصلی مهاجرت به ایالات متحده ذکر کرده اند.

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از آن است که مهم ترین مسئله ای که از طرف پاسخ گویان در خصوص انطباق با جامعه امریکایی گزارش شده است، مشکل زبان، نبود آمادگی روانی و مشکلات نقل مکان بوده است. با این حال، بسیاری کاخ پاسخ گویان داریا یک ذهنیت انطباقی» بوده اند که سازگاری آنها با جامعه جدید را تسهیل کرده است. بیشتر مهاجران تمایل زیادی برای «همانندگردی» ارادی با جامعه امریکا داشتند. آنها به یک شبکه اجتماعی امیدوار بودند تا بتوانند نیازهای مالی، اجتماعی و روحی خود را مرتفع سازند. (وو، ۱۹۹۰)

«انطباق مهاجران تایوانی در افریقای جنوبی» عنوان رساله دکترای تسنگ،^۹ در سال ۱۹۹۲ در دانشگاه پروتاریای افریقای جنوبی است. این پژوهش در پی شناخت عوامل تعیین کننده مهاجرت تایوانی های مقیم افریقای جنوبی است. در این رابطه از سهخ متغیر اجتماعی - جمعیت شناختی به عنوان متغیرهای مستقل استفاده شده است: کار و فعالیت اقتصادی - اجتماعی فردی ندر

^۹Michael, Taiming Woo

^۹Tseng

افریقای جنوبی، تواناییهای انطباق فردی و همبستگیهای فردی اهالی جامعه میزبان با تایوانی ها، به منظور تعیین میزان انگیزه آنها به مهاجرت، از دو متغیر واسط، یعنی سطح فرهنگ پذیری که به انطباق درونی، و سطح نارضایتی که به انطباق بیرونی مشهور شده، استفاده شده است.

در این تحقیق برای تعیین نمونه از روش نمونه گیری هدفدار استفاده شده است. برای جداسازی سطوح بالا و پایین فرهنگ پذیری، نارضایتی و انگیزه مهاجرت، از روشهای تحلیل تمایزی به کار رفته اند. نتایج تحقیق نشان دادند که یک کشور مهاجرپذیر مثل افریقای جنوبی باید تواناییهای سازگاری، به ویژه تواناییهای زبانی مهاجران تایوانی را تقویت کند تا آنان قادر باشند سطح فرهنگ پذیری خود را ارتقا دهند. همچنین، باید به مهاجران کمک شود تا در محل سکونت، برای کاهش سطح نارضایتی و بالا بردن علاقه مندی به سکونت دایم، به فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی بپردازند. (تسنگ، ۱۹۹۲)

هی کیونگ^{۱۰} در رساله دکتری خود با عنوان «مطالعه فرایندهای انطباق اجتماعی - فرهنگی و فعالیت اقتصادی مهاجران کره ای در فیلادلفیا»، به بررسی مناسبات و ویژگیهای افراد در قبل و بعد از مهاجرت، مدت اقامت در ایالات متحده، فرایندهای «هماندگردی» فرهنگی و فعالیت اقتصادی در میان مهاجران کره ای می پردازد.

داده های این پژوهش از طریق انتخاب یک نمونه ۲۹۳ نفری از مهاجران کره ای (۱۶۲ مرد و ۱۳۱ زن) که در ناحیه فیلادلفیا زندگی می کردند، جمعه آوری شده است. سه دسته از فرضیات با استفاده از آزمونهای آماری تحلیل توافقی، جداول تقاطعی و تحلیلهای رگرسیونی ارزیابی شدند. نتایج تحقیق نشان داد که پایگاه شغلی قبلی کره ای های مهاجر، وضعیت تحصیلی قبلی و بعدی مهاجران، مهارت در زبان انگلیسی، و طول مدت اقامت در ایالات متحده، به طور وسیعی در همانندگردی اجتماعی - فرهنگی و فعالیت اقتصادی مهاجران تأثیر داشته است. در میان متغیرهای مداخله گر فردی جمعیت شناختی: وابستگی مذهبی، جنس، پایگاه نکاحی و زمینه تحصیلی از مهم ترین عواملی هستند که فرایندهای همانندگردی اجتماعی - فرهنگی و فعالیت اقتصادی مهاجران را تحت تأثیر قرار می دهند. در تحلیل نهایی می توان گفت از نظر سازگاری اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مهم ترین عوامل مؤثر برای بیشترین موفقیت کره ای ها در سازگاری یافتن، تعامل بیشتر با مجامع کره ای و امریکایی، و کسب بیشترین حمایت ها و طولانی تر بودن زمان اقامت در آمریکا است. (هی کیونگی، ۱۹۸۵).

ص ۵۷ ابتدای پاراگراف ۲

^۲Hea, kyung. D

از ابتدای ص ۹۴ تا آخر بدون جداول

چهار چوب نظری تحقیق

همان گونه که در بحثهای گذشته مطرح شد، اعتقاد بر این است که سازگاری مهاجران بر اساس شرایط و امکانات موجود در مقصد و ویژگیهای خاص مهاجر در یک رابطه تعاملی، و در طی فرآیند پیچیده ای، تحقق پیدا می کند. در واقع، آنچه موجب سازگاری مهاجران جنگی در مقصد می شود وجود هم خوانیها و هماهنگیهای موجود بین آنان با محیط مقصد است. این امر که در بدو ورود مهاجر جنگی به جامعه مقصد تا چه اندازه بین وی و عوامل موجود در محیط تازه سنخیت و هماهنگی وجود داشته باشد و ندر طی دوران اقامت او در مقصد، استعداد و تواناییهای مهاجر و امکانات مقصد اجازه بروز و نمود و هم خوانیهای بیشتری را پیدا کنند، به طور مسلم به ویژگیهای شخصی مهاجر جنگی و امکانات مقصد بستگی تام دارد. البته باید یادآور شد که تعامل بین مهاجر جنگی و محیط جدید در طی فرآیندی طولانی و به تدریج شکل خواهد گرفت. هر یک از نظریات موجود درباره سازگاری مهاجران، سهی دارند تبیینی از مسئله سازگاری مهاجران در مقصد ارائه کنند تا بدین ترتیب بتوانند چگونگی ساز و کار آن را به خوبی توضیح دهند. اما علی رغم این تلاش، هیچ کدام به طور کامل از عهده این امر بر نیامده اند. شاید وجود همین اشکالات و

ضعفها است که موجب شده برخی از اندیشمندان به طور کلی منکر وجود یه نظریهٔ جامع برای تبیین مهاجرت و پیامد های آن باشند. چنانکه آلپورت^۱ معتقد است هر کگدام از راهبردهای مختلف فقط می توانند چیزی را به ما بیاموزند؛ ولی، هیچ کدام از آنها بصیرتی منحصر به فرد ندارند و نمی توانند راهبردی مطمئن ارائه کنند. (آلپورت، ۱۹۵۴: ۲۱۸)

اندیشمندانی نظیر لرنر^۲ مشکلاتی که مهاجر باید در مقصد بر آنها غلبه کند تأکید می کنند و تأثیر منفی مهاجرت بر مقصد و زندگی مهاجر در آنجا را بر می شمارند. در حالی که، بعضی دیگر از جمله برونینگ^۳ آبر ادامهٔ زندگی ماجر در مقصد تأکید می کند و نتایج مثبت آن را مد نظر قرار می دهد. (برونینگ، ۱۹۸۹: ۵۰۹-۴۸) ترکیبی از این دیدگاهها نیز توسط متفکر دیگری به نام مک گی، ارائه شده است. او بر فرآیند سازگاری مهاجران در مقصد که بر اساس واقعیتهای اجتماعی- اقتصادی شکل می گیرد، تأکید می کند. (مک گی، ۱۹۷۱). لذا برای آنکه تبیین و توضیح دقیق تر و کامل تری از پدیدهٔ سازگاری مهاجران در مقصد ارائه شود، ناچار از ترکیب نظریه های ارائه شده هستیم تا نظریهٔ ترکیبی حاصل واجد کارایی بیشتری باشد.

^۱ Allport

^۲ Lerner

^۳ Browning

با توجه به بحث فوق، در مقوله کارکردگرایی، اهمیت جامعه پذیری مجدد مهاجر و نقش نهادهای مختلف اجتماعی چون مدرسه، دانشگاه و ... در تبدیل مهاجران به عنوان اعضای دائمی جامعه مقصد با ویژگی های اقتصادی و اجتماعی همانند اعضای ثابت این جامعه، مورد توجه قرار گرفته است. ر مقوله حاشیه نشینی و وابستگی، به مشکلاتی که مهاجران در مقصد با آن مواجه می شوند و هرگز به عنوان یک عضو همانند اعضای بومی جامعه مقصد قلمداد نمی شوند توجه شده است؛ زیرا بر خلاف دیدگاه کارکردگرایی که معتقد به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مهاجر و تحرک صعودی وی است، این نظریات معتقدند که مهاجران در مقصد از تحرک نزولی برخوردارند و حتی ممکن است با انواع تبعیضها رو به رو و به حاشیه نشینی اجتماعی دچار شوند. از مقوله سازگاری بین فرهنگی نیز، به اهمیت شرای طموح و نحوه برخورد جامعه مقصد و اعضای آن با مهاجران، توسعه ارتباطات (درون شخصی و جمعی) و تعامل میان میهمانان و میزبانان، رضایت از زندگی در مقصد، امنیت روحی و روانی مهاجران و مؤسسات حمایت کننده وجود در مقصد، نقش وسایل ارتباط جمعی محلی در مقصد و نگرش مثبت و درک متقابل مهاجران و اهالی جامعه مقصد در برابر یکدیگر، در تدوین چهارچوب نظری تحقیق توجه شده است. البته جاهایی که احساس شده کمبود هایی

وجود دارد، سعی شده است با افزودن بحثهایی مناسب کاستیهای بحث نظری رفع شود.

معمولاً ورود مهاجران جنگی به مقصد بر بسیاری از جنبه های زندگی مردم مقصد اثر می گذارد. بر اساس تأثیرات متعدد، ساکنان مناطق غیر جنگی در پذیرش مهاجران جنگی، واکنشهای شدید و متفاوتی از خود نشان می دهند. این تأثیرات را می توان از نظر ساخت جمعیتی، نیروی کار، بافت اجتماعی - طبقاتی، بنیان اقتصادی، بافت فیزیکی شهر، امکانات محیط، سلامت و بهداشت محیط و چهارچوب فرهنگی رایج در آنجا مورد توجه قرار دارد. همچنین، هر یک از عوامل، به شیوه ای در پذیرش و جذب مهاجران در مقصد تأثیر می گذارند.

از لحاظ جمعیتی، ورود ناگهانی و توده وار مهاجران جنگی، بافت پیشین جمعیتی در مقصد را بر هم می زند، با بر هم خوردن نرخ زاد و ولد و مرگ و میر، توزیع سنی جدیدی به وجود می آید که بر بسیاری از جنبه های زندگی در مقصد اثر می گذارد.

ورود انبوه مهاجران جنگی، نیروی کار مقصد را دستخوش تغییر می کند. یکی از آثار شدید این پدیده، بر هم زدن میزان عرضه و تقاضای نیروی کار است. از سویی، افراد بیشتری تقاضای کار می کنند و از سوی دیگر، امکان ایجاد مشاغل جدید وجود ندارد. در نتیجه، مهاجرت بر اثر جنگ، نه تنها باعث بهبود

توزیع نیروی انسانی نمی شود، بلکه در بسیاری از موارد توزیع نیروی انسانی ناموزون را ناموزون تر می کند. تشدید بیکاری و بیکاری پنهان، از آثار آشکار و قابل لمس تغییر در نیرو کار است.

بافت اجتماعی مقصد، با هجوم یکباره مهاجران جنگی، دچار تغییراتی فاحش می شود. به این صورت که میزان حساب شده ای از هر طبقه اجتماعی وارد مقصد نمی شود، بلکه بر اساس عوامل مختلف، میزان متفاوتی از طبقات اجتماعی مهاجر به طبقات اجتماعی مقصد افزوده می شود. به عنوان مثال، اگر مهاجران جنگی از مناطق صنعتی آمده باشند، بدون شک بر تعداد کارگران شهر مقصد به میزان نامناسبی افزوده می شود. بروز تغییرات در بافت اجتماعی، بر جنبه های سطح و سبک زندگی در مقصد تأثیر می گذارد.

تأثیرات اقتصادی مهاجران جنگ زده در مقصد نیز بسیار مهم است. تغییر در سطح اشتغال، سلسله مراتب صنفی، سطح درآمد و دستمزد، پس اندازهای و سرمایه اندوزیها، بودجه ها و هزینه های دولتی، بیشتر جنبه منفی دارد.

شاید یکی از مهم ترین آثار مهاجرت بر اثر جنگ، توسعه بی رویه ساخت و ساز در شهر ها باشد. راهبرد مهاجران جنگی فقیر در مبارزه با هزینه های بالای زندگی، صرفه جویی مفرط است. این امر در ارتباط با موضوع مسکن باعث می شود مهاجران جنگی فقیر در محله های ارزان متمرکز شوند. بر اثر

این تمرکز، کمبود شدید مسکن به وجود می آید. از سوی دیگر، تعداد زیادی از چنگ زده ها بعد از مدتی ماندن در مقصد، توانایی ساخت و یا خرید خانه جدید را به دست می آورند که این وضع، باعث گسترش بی رویه شهرها می شود. این گسترش، بر جنبه های دیگر مانند توزیع امکانات تأسیساتی، خدماتی، رفاهی و بهداشتی شهرهای مقصد تأثیر منفی بر جای می گذارد.

سر انجام باید از اثرات مهاجران جنگی بر جنبه های فرهنگی مقصد گفت. به علت تفاوت های فرهنگی بین مهاجران جنگی و ساکنان جامعه مقس، مسائلی نظیر اختلافات فرهنگی، برخورد های فرهنگی، بی هنجاری فرهنگی، آشفتگی فرهنگی، بحران فرهنگی، عدم تجانس فرهنگی، کژسازگاری فرهنگی و بالأخره ناسازگاری فرهنگی به وجود می آید. البته نباید از نظر دور داشت که مهاجران جنگی بر اثر اختلاف فرهنگی ممکن است سبک های فرهنگی جدیدی را به شهرهای مقصد انتقال دهند که امکان دارد آثار تخریبی تحریک کننده مثبت داشته باشند.

همان طور که ذکر شد، عامل نیروی کار، یکی از مؤثرترین شاخص های ایجاد کننده واکنش های خصومت آمیز در جنگ زده ها است. در کشورهای جهان سوم حدود یک پنجم نیروی کار، نیمه بیکار هستند. و تقاضای کار بیشتری

دارند) توینهام^{۶۴}؛ ۱۹۷۱: ۶۱) با توجه به وضعیت اقتصادی کشورهای جهان سوم، بخش عمده ای از مهاجران جنگ زده در بخشهای خاصی جذب می شوند. یکی از این بخشها بخش ساختمان است که در عین حال عمده ترین بخش در حال گسترش اقتصاد این کشورها است و به نیروی کار غیر ماهر زیادی نیاز دارد. از طرف دیگر، بخشی در اقتصاد شهرهای کشورهای جهان سوم وجود دارد به نام «بخش غیر رسمی»^{۶۵} که زیر طلحه و در خدمت سزمايه داری است. این بخش در زمینه تولید، توزیع و مبادله عمل می کند. در زمینه تولید عمدتاً «بخش غیر رسمی تولید کننده» خرده کالایی^{۶۶} است که هم در بخش سنتی و هم در بخش مدرن شهری محصولاتی را برای مبادله در بازار تولید می کند. مؤسسات این بخش به صورت کارگاههای کوچکی هستند که تولیدات آنها در سطح انبوه نیست و کارگران شاغل در آن به مهارت زیادی نیاز ندارند و از دستمزد بسیار پایینی برخوردارند. ضمن آنکه بخشی از افراد جنگزده به خصوص زنان به صورت کارگر برای این بخش در خانه ها به کار می پردازند. در سطح توزیع و مبادله افراد در این بخش معامله گران خرده پایی هستند که کالاها را دست به دست می کنند. و از این راه سودی به دست می آورند. این مبادلات با کمترین سرمایه (حتی در حد خرید و فروش یک پاکت

^{۶۴} Turnham

^{۶۵} informal sector

سیگار)، شروع می شوند و در مراحل بعدی قابلیت گسترش بیشتری می یابند. در این نوع فعالیتها نیز به مهارت و تخصص زیادی نیاز نیست. (لهسایی زاده، ۱۳۶۸: ۲۴)

عامل اقتصادی، محسوس ترین عاملی است که بر ذهنیت افراد مقصد، تأثیر می گذارد و آنها را به واکنش شدید و منفی در برابر جنگ زده ها و می دارد. بی شک، ورود جنگ زده ها به شهر های غیر جنگ زده، برای قشر سودا گر سودمندی بسیار دارد. این روند، در کشورهای درگیر جنگ و مشکلات متعدد که قیمتها نیز کنترل نمی شوند، شدید تر است. سودجویان با بالا رفتن تقاضا برای اجناس، قسمته را بالا می برند و این امر بر سطح زندگی افراد بومی اثری ناگواری دارد. در این حالت طبیعی است که واکنشهای ناخوشایندی از سوی ساکنان مقصد، در مقابل جنگ زده ها دیده می شود.

تغییر در بافت فیزیکی شهر های مقصد، به خصوص در مسکن سازی و گسترش مناطق مسکونی، افزایش بی رویه شهر ها را در پی دارد که این امر مشکلاتی برای ساکنان بومی شهر های مقصد از جمله کمبود خدمات و امکانات رفاهی، بهداشتی، آموزشی و ... به وجود می آورد. از سوی دیگر، جنگ زدگان محل اسکان خود را با پیش از جنگ مقایسه می کنند و روحیه حسادت و احساس عجز در آنان به وجود می آید. پیدایش کلیه این عوامل، که

^{۱۱} petty commodity

نتیجه تغییر بافت فیزیکی شهر مقصد است، کشاکش، باعث بدبینی و بی اعتمادی بین جنگ زدگان و اهالی بومی جامعه مقصد می شود که در نهایت بر روی سازگاری و پذیرش مهاجران در مقصد اثر می گذارد.

آنچه قابل توجه است نوع نگرش و تلقی افراد مهاجر جنگ زده به مقصد یا اعضای جامعه مقصد است که تأثیر بسیاری بر سازگاری مهاجران جنگ زده با جامعه جدید دارد. نگرش ساخت ذهنی در شخصیت مخفی است و می توان آن را آمادگی ویژه فرد از نظر روانی در رویارویی با پدیده ها، مسائل، و وقایع و بروز عکس العمل توأم با هیجان در برابر آنها دانست. نگرشهای افراد ناشی از گذشته آنها و تجربیات مختلف زندگیشان است. همانند رشد شخصیت، اشخاص برجسته یا یخوردار از موقعیتهای خاص در زندگی افراد (مانند والدین، دوستان، اعضای گروههای اجتماعی و حرفه ای و ...) نفوذ زیادی در تکوین نگرشها دارند (هلکریل، ۱۹۸۹: ۴۸)

کولتز پژوهشگر علوم ارتباطی عقیده دارد که نگرشها را می توان گونه ای از نظامهای پیچیده و منظم عقیدتی دانست که انسانها را آماده بروز واکنشهای رفتاری خاص می کند. به علاوه، این نظام پیچیده، تمامی ابعاد رفتار بشر را تحت تأثیر قرار می دهد. (کولتز، ۱۳۶۹: ۲۰۰)

روان شناسان اجتماعی معمولاً نگرش را در ارتباط با سه عنصر متشکله آن به

شرح زیر بررسی می کنند:

۱. عنصر عاطفی یا احساسات، عواطف درباره شخص، اندیشه، واقعه، یا

شیء (ایجاد حالت ترس، محبت، نفرت و ...):

۲. عنصر شناختی یا عقاید، اعتقادات، آگاهیها، یا اطلاعاتی که از فرد کسب

می کند (اعتقاد به خوبی یا بدی چیزی):

۳. عنصر رفتاری، یا قصد و آمادگی برای اقدام.

بدیهی است این عناصر به صورت منفرد وجود ندارند و همیشه مستقل عمل

نمی کنند. نگرش، آمیزه یا نقشی در هم آمیخته از احساسات، ادراکات، تمایلات

رفتاری یک شخص، گروه، یک واقعه، اندیشه، یا واقعیات و امور مشابه دیگر

است (محسنی، ۱۳۷۵: ۱۱)

علاوه بر آن آلپورت، معتقد است که نگرش عبارت است از یک نوع آمادگی

فکری و احساسی که بر اساس تجربه سازمان دهی می شود و بر روی عکس

العملهای انسان به کلیه پدیده ها و وضعیتهایی که با او سر و کار دارند تأثیری

جهت گذارنده می گذارد (آلپورت، ۱۹۷۳: ۲۴).

وایت^۷ نیز نگرش را یک سیستم از عکس العمل های ارزیابی کننده می داند که مبتنی بر اعتقادات و چهارچوبهایی هستند که بر اساس آنها این ارزیابی انجام می گیرد. این چهارچوب و پایه های ارزیابی کننده در دورانه های مختلف شکل گیری شخصیت در خانواده و در جامعه به وجود می آید.

علاوه بر نظریات فوق، نظریه دیگری از گرونبرگ به نام نظریه «تسری»^۸ نیز قابل توجه است. براساس این نظریه رضایت از یک بخش از زندگی بر روی رضایت از بخشهای دیگر زندگی مؤثر است. مثلاً کسانی که از خانواده خود راضی هستند و یک محیط آرام خانوادگی دارند، ناملايمات شغلی را بهتر تحمل می کنند و شغل خود را خیلی منفی ارزیابی نمی کنند. (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۷)

بنابراین قابل تصور است جنگ زدگانی که از خانواده و شغل و دیگر شرایط خود راضی هستند، ارزیابی مثبت تری از محیط مقصد دارند. یعنی سازگاری بهتر با جامعه جدید از خود بروز بدهند.

محیط مقصد، از طریق وضعیت شغلی، مالی و مسکن جنگ زدگان، بر سلامت خانواده آنها تأثیر می گذارد. ورود زنان به محیط کار اداری و یا سایر محیطهای شغلی، البته بدون تجربه شغلی، دلیل بروز تأثیرات ناگواری است که در بسیاری از موارد به از هم پاشیدگی خانواده جنگ زده می انجامد. هم چنین

^۷ Witte

^۸ Spill – over - Theorv

سکونت‌های جدید و مسکن نامناسب، اعضای خانواده را در تنگنا قرار می‌دهد و این امر، بر جنبه‌های روانی آنها تأثیر منفی دارد. سکونت خانواده‌های بیش از ۵ نفر در یک اتاق و سکونت چندین خانواده در یک منزل مسکونی و یا در خوابگاه‌های شلوغ و زندگی تقریباً جمعی، اختلالات تربیتی و روانی فراوانی را ایجاد می‌کند. از همه مهم‌تر، تأثیر وضع مالی جنگ‌زدگان بر سلامت خانواده آنها است. مهاجران جنگ‌زده کم‌درآمد، برای مقابله با درآمد اندک خود، یا کمتر مصرف می‌کنند و یا کیفیت غذای خود را تغییر می‌دهند. در هر دو حالت، سوء تغذیه از موارد رایج بین جنگ‌زدگان خواهد بود. این امر نه تنها بر سلامت جنگ‌زدگان، بلکه بر نسل‌های آینده آنها نیز تأثیر منفی دارد.

بر هم خوردن سلامت خانواده، افراد جنگ‌زده را در وضعیت خاص روانی و رفتاری قرار می‌دهد. مهاجران جنگ‌زده نمی‌توانند مسیر توسعه طبیعی فردی را به خوبی طی کنند. زیرا از نظر روانی، تحت فشارهای سختی قرار دارند. از این رو است که بروز رفتارهای نا به‌هنجار، امری کاملاً طبیعی است. شخص مهاجر، به علت ناراحتی ناشی از شرای طموح در مقصد، احساس می‌کند که همه جامعه در جهت خلاف منافع او حرکت می‌کنند. لذا در ارتباط با کوچک‌ترین برخوردها، امکان تبدیل آنها به برخوردهای فیزیکی وجود دارد.

اثرات یاد شده مقصد بر مهاجران جنگی، وضعیتهای متفاوتی را جهت پذیرش و یا دفع محیط جدید، در جنگ زدگان به وجود می آورد. در این ارتباط، مهاجران جنگی را می توان در سطح کلی به دوم دسته تقسیم کرد. دسته اول: مهاجرانی هستند که بیشترین ضربه ها را از مهاجرت دریافت کرده اند و از لحاظ اقتصادی در وضعیت اسفناکی قرار دارند. اینان، نوعی سرخوردگی و دل زدگی از محیط در خود احساس می کنند. درسته دوم: مهاجرانی هستند که به محیط جدید بات خوش بینی می نگرند و سعی دارند در مقصد، فعالیت از دست رفته را به همان میزان مبدأ بر پا دارند و با محیط جدید نهایت سازگاری را داشته باشند. اینان گروهی هستند که از وضع مالی بهتری برخوردارند و سعی در حل شدن هر چه سریع تر در محیط جدید دارند. در حالی که مهاجران جنگ زده واکنش گر و فعال سعی می کنند در مقصد گروههای مخصوص خود را با تأکید بر روابط دوستانه، آداب و رسوم خاص، خود همیاری و هویت قومی به وجود آورند. در مقابل، مهاجران جنگ زده غیر واکنش گر و منفعل سعی می کنند در مقصد خود را همچون دیگران نشان دهند و در بسیاری از موارد نیز تلاش دارند خود را جنگ زده نشان ندهند.

البته لازم به اشاره است که گروه‌های قومی یا مهاجر چنانچه از میزان بالایی از سرمایه انسانی^۹ برخوردار باشند، به طریقی قطع می‌توانند آن را در جهت حفظ هویت فرهنگی- قومی خود به کار گیرند و به این ترتیب به بقای ارزشها، باورها و هنجارهای خود در جامعه مقصد نایل شوند و از جذب کامل در جامعه مقصد و فرهنگ آن جلوگیری کنند. منظور از سرمایه انسانی همان ممیزه‌ها و ویژگیهای منحصر به فردی است که فرد آن را درون خانواده و یا در جریان آموزش و پرورش رسمی و متناسب با حساسیتها و علائق خانواده کسب می‌کنند. اهمیت سرمایه انسانی برای ارتقای پایگاه اقتصادی- اجتماعی فرد تا حدی است که اولسون^۷ آن را به صورت یک دور باطل تصویر سازی می‌کند. او می‌گوید: رابطه آموزش پایگاه اقتصادی- اجتماعی را می‌توان به صورت یک دور باطل در نظر گرفت که در عرض نسلها تداوم می‌یابد. هر قدر پایگاه والدین فرد بالاتر باشد، کیفیت و مقدار آموزشی که یک کودک دریافت خواهد کرد، احتمالاً بیشتر است. متعاقباً مقدار و کیفیت آموزش فرد بر پایگاهی که شخص به عنوان یک فرد بالغ کسب می‌کند اثر دارد (اولسون، ۱۹۹۱: ۴۷۵). علاوه بر آن وی استدلال می‌کند که: بدون شک موفقیت تحصیلی و پایگاه شغلی منجر به درآمد بیشتر می‌شود (همان: ۳۷۸).

^۹ Social Capital

^۷ Olsen, M.E

همان گونه که گفته شد، سرمایه انسانی با تغییر دادن افراد برای دادن مهارتها و تواناییهایی به آنها پدید می آید و افراد را قادر می سازد به شیوه های جدید رفتار کنند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴). در حالی که سرمایه اجتماعی، هنگامی به وجود می آید که روابط میان افراد به شیوه ای دگرگون شود و کنش را تسهیل کند. سرمایه فیزیکی کاملاً ملموس است و به صورت مادی قابل مشاهده تجسم یافته است. سرمایه انسانی کمتر ملموس است و در مهارتها و دانشی که فرد کسب کرده است تجسم می یابند سرمایه اجتماعی حتی کمتر از این محسوس است، زیرا در روابط میان افراد تجسم می یابد. سرمایه فیزیکی و سرمایه انسانی فها لیت تولیدی را تسهیل می کنند، و سرمایه اجتماعی نیز همانند آنها عمل می کند. مثلاً گروهی که اعضایش اعتماد نشان می دهند و به یکدیگر زیاد اعتماد می کنند خواهند توانست نسبت به گروهی که فاقد قابلیت اعتماد است، کارهای بیشتری انجام دهد (همان: ۴۶۵).

نظریه سرمایه اجتماعی، در باب انسجام اجتماعی، قرابت نزدیکی با یکی از نظریه های جامعه شناختی قدیمی تر، یعنی نظریه دورکیم دارد. دورکیم عقیده داشت رفتار فرد باید به عنوان انسجام بخش افراد در درون جامعه شان مورد ملاحظه قرار گیرد. انسجام زیاد افراد در درون گروه اجتماعی بستگی به زیادی کنترل گروه روی آنها دارد (دورکیم، ۱۹۵۱).

شکی نیست که اهالی جامعه مقصد، می توانند در سازگاری مهاجران جنگی با محیط جدید مؤثر باشند. جاذبه همزیستی مهاجران جنگی با اعضای بومی جامعه میزبان غالباً آن قدر قوی است که حتی اگر شانس اشتغال نیز کم باشد، روحیه جنگ زدگان را بالا خواهد برد و باعث افزایش روحیه مقاومت آنها و کشش و تمایل آنان به مشارکت هر چه بیشتر در فعالیتهای مختلف جامعه میزبان و تحمل دشواریها و ناملايمات موجود در محیط جدید می شود. از سوی دیگر، «فاصله فرهنگی» بین مبدأ و مقصد عامل بسیار مهمی در تعیین سازگاری مهاجران با محیط جدید است (گرمانی، ۱۹۶۴^۷: ۱۶۷). از سویی غیر جنگ زده ها و از سوی دیگر مؤسسات و نهادهای مسئول دولتی و حتی مردمی در مقصد، می توانند در زمینه تأمین مسکن و شغل و نیازهای مالی و بهداشتی به جنگ زدگان کمکهای شایانی کنند. که این امر در جذب سازگاری و پذیرش آنان در محیط جدید بسیار مؤثر خواهد بود. عدم توجه و اعتماد لازم به جنگ زدگان در مقصد، فرآیند سازگاری با محیط تازه را برای آنان مشکل می سازد.

گذشت زمان، بر دلتنگیها و وابستگیهای گذشته مهاجران جنگی به محیط قبلی و مردم آن اثر می گذارد و چنانچه مقصد نتواند خلأ وابستگی به مبدأ را در آنها پر کند، آنان دچار پریشانی و اندوه می شوند و همواره احساس غربت و

^۷ Germani

بیگانگی خواهند داشت. اگر چه زندگی روزمره، مهاجر جنگی را مجبور می سازد خود را با محیط جدید منطبق سازد. انطباق اقتصادی و شغلی موفق تمایل به انطباق عمومی را افزایش می دهد (اشتاین، ۱۹۷۹: ۲۷). به تعبیر دیگر، هر چه رضایت شغلی مهاجر جنگ زده از شغل، درآمد و شبکه روابط شغلی در محیط جدید بیشتر باشد، امکان سازگاری او با محیط مقصد بیشتر خواهد بود و به عکس.

اما هیچ عاملی به اندازه انطباق فرهنگی - اجتماعی بین جامعه مبدأ و مقصد، بر موفقیت مهاجران جنگی در جامعه جدید مؤثر نیست. اگر این انطباق وجود نداشته باشد، مهاجر جنگ زده احساس تنهایی می کند و از برقراری تماس با دیگران عاجز می ماند، این تنهایی ممکن است پیامدهای روانی بسیار نامطلوبی برای مهاجر جنگ زه در پی داشته باشد. بر عکس، اگر مهاجر جنگی خود را در جامعه ای در یابد که هماهنگی فرهنگی با جامعه قبلی او دارد و مردم به راحتی او را میهمان خود می دانند، فرآیند یگانگی در او ایجاد و سریع جذب محیط جدید می شود و خود را با جامعه مقصد همسو می کند (کونز، ۱۹۸۰: ۴۷-۴۶). بنابراین با توجه به بحثهای یاد شده می توان مسئله عمده مهاجران جنگی در مقصد را، مسئله سازگاری با محیط مقصد دانست. مکانیزم سازگاری در بر گیرنده تغییر از آن چیزی که شخص قبلاً آن را فرا گرفته، به کسب مداوم

الگوهای رفتاری جدید و مشارکت اجتماعی در فعالیتهای روزمره جامعه جدید به اضافه «الگوها رفتاری مناسب کسب شده قبلی شخص» است (شانن^{۷۲}؛ ۱۹۷۰: ۱۷۱). برای بعضی از مردم که وارد محیط جدید با یک زمینه اجتماعی جدید می شوند، این امر شامل تجربه ای از تغییر در جهتگیریهای فرهنگی و الگوهای ارتباطات اجتماعی است.

مسائل موجود در سازگاری با محیط جدید در همه اشکال و اوضاع بروز می یابد (کارترایت^{۷۳}؛ ۱۹۷۱: ۲۱). این مسائل ممکن است کوتاه مدت یا دراز مدت باشند. سازگاری مفهوم جدیدی نیست. ریشه تاریخ آن به دانشمند یونانی، ارسطو باز می گردد. اما اولین سنجش رسمی در مورد آن به طور عام به فلیکس ویزن^{۷۴} روان درمان فرانسوی در سال ۱۸۴۳ منسوب است (کولتر، ۱۹۷۸: ۲۱۵)

یک تعریف متداول پذیرفته شده از سازگاری، دیدی است که سازگاری را یک ارتباط دو جانبه بین افراد و محیط پیرامونشان نشان می دهند، اگر چه این تعریف بسیار گسترده است، در برگیرنده این مفهوم که سازگاری پدیده مستمری است که در طی آن افراد در معرض دقیق دستیابی به یک «ارتباط

^{۷۲} Shannon

^{۷۳} Cartwright

^{۷۴} Flix Voisen

موزون با محیط» (آتواتر، ۱۹۷۹^۷: ۵) قرار می گیرند. باید توجه داشته که هیچ کس قادر نیست به طور کامل با یک نظام اجتماعی جدید سازگار شود. هر تازه واردی را می توان به عنوان کسی در نظر گرفت که تا اندازه ای پتانسیل لازم را برای سازگاری با محیط جدید دارند. از سوی دیگر، سازگاری شخصی مثبت به این معنا نیست که فرد تجربه طولانی در مشکلات، موانع، یا افسردگی نخواهد داشت. با وجود این، فرآیند سازگاری در بر گیرنده جرح و تعدیل مداوم رفتار فردی در پاسخ به تغییرات مربوط به ورود به فرهنگ جدید است. در واقع به این معنی که فرد باید فعالیتهای روزمره و شعائر متداول در جامعه مقصد را پاسخ گو باشد.

سازگاری آنجا که فرد هنجارها و وسایل رایج تجویزی در جامعه میزبان را با هدف به سر بردن اوقاتش با جامعه، و شاید حصول برخی از اهداف مطلوب خاص رعایت می کند، به عنوان یک رفتار تأیید آمیز است. به این ترتیب، محتمل تر آن است که افراد در جست و جوی یک حالت رضایت بر اساس ارضای نیازهای بنیادیشان از محیط باشند. با وجود این، رضایت به درجه ای اطلاق می شود که فرد «خاطر جمع» و «مطمئن» از موقعیت زندگی خودش (مرد/زن) در محیط جدید باشد. در واقع، حالت رضایت بر اثر یک احساس متقابل دوستانه، احترام آمیز، عاطفی، اطمینان بخش و توافق با میزبانان ایجاد

^۷: Atwater

می شود. چنین رضایت عمیقی از یکس و با نگرش مساعد فرد به میزبانان و از سوی دیگر با نگرش اعتماد آمیز میزبانان به مهاجران تقویت می شود. تعامل با محیط نیز به عنوان منبعی برای قصد اقدام به سازگاری مهاجران جنگی با دیگر اعضای جامعه میزبان تلقی می شود. در این رابطه ممکن است دو گونه تعامل شکل بگیرد:

۱. تعامل و ارتباط با اعضای بومی جامعه مقصد؛

۲. تعامل با دیگر مهاجران جنگی.

در هر دو مورد، تعامل ممکن است حول انواع فعالیتهای کاری از جمله فعالیتهای شغلی و یا فعالیتهای روزمره و یا نهادهای اجتماعی رسمی و غیر رسمی موجود در جامعه میزبان (اعم از نهادهای متعلق به میزبانان یا مهاجران) شکل بگیرد.

علاوه بر تعامل اجتماعی، مسئله حمایت اجتماعی برای مهاجران جنگی در سازگاری آنها حائز اهمیت بسیاری است. این حمایتها ممکن است در میان الگوهای دوستانه و یا غیر حرفه ای و حتی حوزه های شغلی، فعالیتهای تجاری و بازار نیروی کار (یا شبکه های حمایتی نهادی شده) تحقق پیدا کند. پرلین^{۷۶} نشان داده است که متخصصان مهاجر با موانع اساسی در زمینه برابری فرصتها در جامعه مقصد مواجه اند. البته عمل تبعیض به طور اساسی ریشه در

مقوله سازی خاص دو گانه شهروند غریب دارد (هارپر، ۱۹۸۲: ۳۱۹). به این ترتیب امکان استخدام مهاجران کاهش پیدا می کند و کیفیت و شایستگیهای وی محترم شمرده نمی شوند؛ در نتیجه بر اساس گفته کاسل^{۷۷} فرد (مهاجر جنگی) باید زمینه و ماهیت اجتماعی- فرهنگی خاص هستند، به سوی خود جذب کند (کاسل، ۱۹۷۶).

مهاجر در مقصد در همان بدو ورود ناچار است مهارتهای جدیدی را بیاموزد، زیرا بدون استفاده از مکانیزمهای جدید احتمال بقای او در نظام مقصد بسیار اندک است. در مرحله بعد، می آموزد چگونه نقشهای مورد نظر و نیاز جامعه مقصد را بیاموزد. سرانجام، به تدریج یاد می گیرد چگونه به ایده های جدید بیندیشد و تصور تازه ای از خود بر اساس ارزشهای جدید ارائه دهد.

بر این اساس نظام مقصد در نهایت مهاجر و نسلهای پارگفته از او را به عنوان اعضای دائمی خود با ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی همانند با سایر اعضای خود می پذیرد. در واقع، در فرآیند سازگاری و جذب، مهاجر جنگی در جریان انتقال مهارت و شخصیت قرار می گیرد، فرهنگ قدیمی خود را از دست می دهد و فرهنگ جدید را می پذیرد. البته مهاجران جنگ زده جوان تر در مقایسه

^{۷۷}Perlin

^{۷۷}Cassel

با سایر مهاجران به خصوص مهاجران جنگ زدهٔ مسن، از تحرک بیشتری برخوردارند و احتمال سازگاری ساده تر آنان با محیط مقصد بیشتر است.

برخی از مهاجران ممکن است در جریان سازگاری خود با جامعهٔ مقصد با مشکلاتی رو به رو شوند. این مشکلات با توجه به تفاوت‌های دو فرهنگ، هم به لحاظ شدت و هم به لحاظ اهمیت متغیر است. اگر تفاوت‌های دو فرهنگ اندک باشد، مشکلات مهاجران به حداقل می رسد اما، با افزایش میزان تفاوت‌های دو فرهنگ، این مشکلات به شدت افزایش پیدا می کند.

در واقعۀ شخص مهاجر چون نمی تواند تمامی سوابق و میراث‌های فرهنگی خود را نفی کند همچنان که مقولات جامعهٔ میزبان را می آموزد، موافق مقولات فرهنگ مادری خود، در آن مداخلاتی می کند. در نتیجه، هیچ گاه فرهنگ جامعهٔ میزبان را به تمامی فرا نمی گیرد، و به اندرون آن پی نمی برد، بلکه فقط پا به حول و حوش آن می گذارد.

سازگاری موفقیت آمیز مهاجران، سطح مطلوبی از ارتباطات و توسعهٔ رضایت بخش آن با جامعهٔ میزبان را به ویژه با افراد و موقعیت هایی که به طور مستقیم با فعالیتهای روزمرهٔ آنها سرو کار دارند به همراه دارد. در این باره شاخصهای ذهنی مختلفی از جمله رضایت از زندگی، فهم وابستگی و هم نوایی بیشتر با نظامهای معنایی ذهنی، همچنین شاخصهای اقتصادی- اجتماعی عینی،

مثل پایگاه درآمدی و شغلی، از سازگاری مهاجران جنگی در جامعه مقصد به حساب می آیند.

معمولاً تأثیر زمان اقامت در جامعه مقصد بر رضایت از زندگی مهاجران جنگی با تمایل آنان به اقامت و طول مدت اقامت آنها در مقصد افزایش پیدا می کند (هور، ۱۹۸۹: ۴۷۹-۴۵۶). ضمن آنکه، استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی، شرکت در مراسم مختلف اهالی مقصد، الگوهای غذایی، واژگان مرسوم در محاورات روزمره، الگوهای پوشش و ... جامعه مقصد نمودی از سازگاری مهاجران جنگی با محیط مقصد تلقی می شود.

فرضیات تحقیق

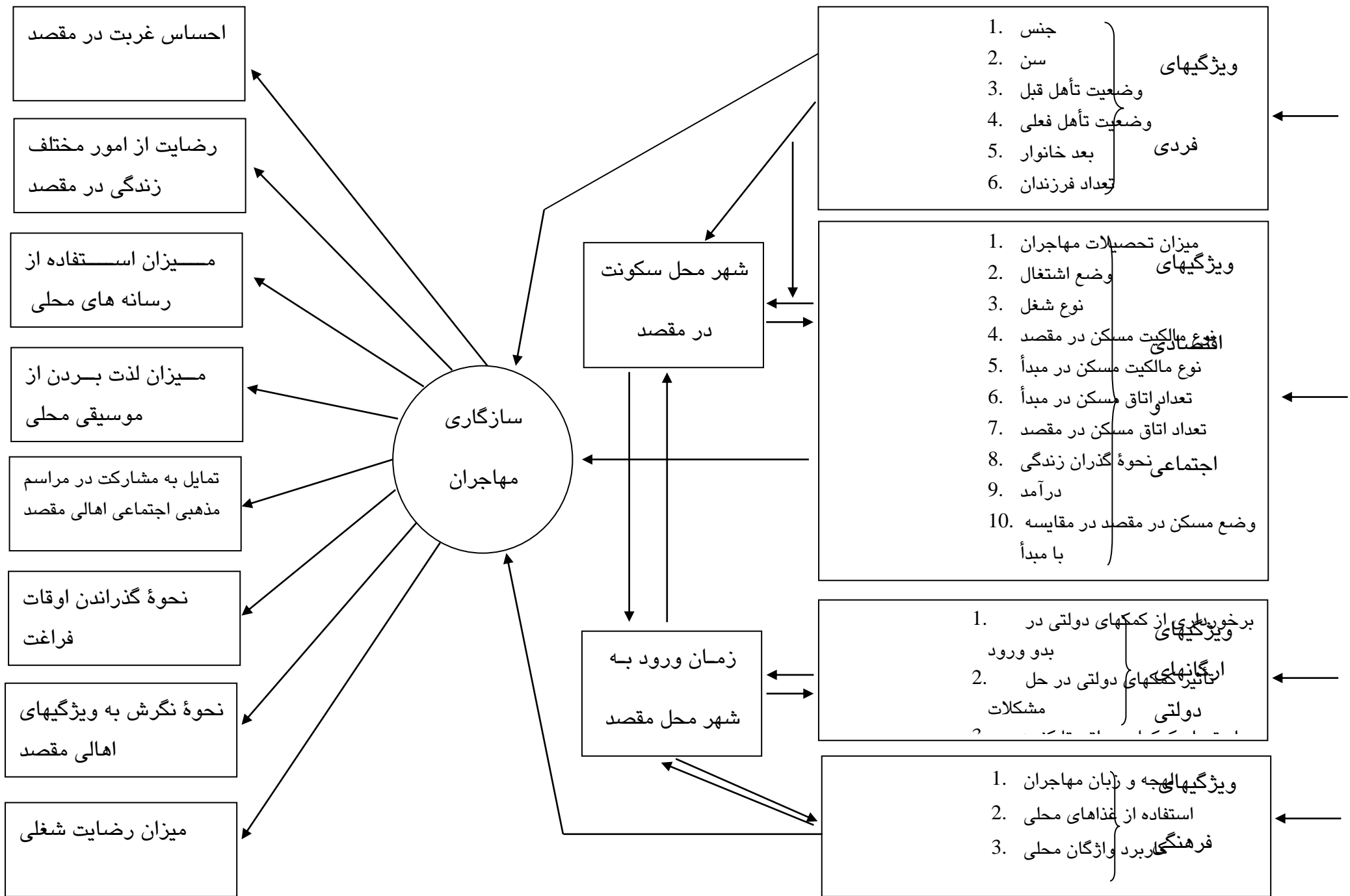
با توجه به بحثهای نظری و مطالعات تجربی انجام شده و چهار چوب نظری تحقیق، فرضیاتی استخراج شده اند. بدین ترتیب فرضیات زیر تحقیق را هدایت خواهند کرد:

۱. ویژگیهای جمعیتی مهاجران جنگی بر سازگاری آنان با جامعه مقصد تأثیر دارد.

۱-۱. هر چه سن مهاجر جنگی به هنگام ورود به جامعه مقصد کمتر باشد، سازگاری او با جامعه مقصد بیشتر خواهد شد.

- ۱-۲. مردان مهاجر جنگی در مقایسه با زنان در جامعه مقصد از سازگاری بیشتری برخوردارند.
- ۱-۳. مهاجران جنگی مجرد در مقایسه با مهاجران جنگی متأهل با جامعه مقصد سازگارترند.
- ۱-۴. هر چه بعد از خانوار مهاجر جنگی در جامعه جدید کوچک تر باشد، سازگاری او بیشتر است.
۲. ویژگیهای اقتصادی- اجتماعی مهاجران جنگی بر سازگاری آنان با جامعه مقصد مثبت است.
- ۲-۱. رابطه میزان تحصیلات مهاجران جنگی و سازگاری آنان با جامعه مقصد مثبت است.
- ۲-۲. وضعیت اقتصادی مهاجران جنگی خوزستانی با سازگاری آنان رابطه مثبت دارد.
- ۲-۳. هر چه درآمد مهاجران جنگی در جامعه مقصد بیشتر باشد، سازگاری آنان با آنجا بیشتر است.
- ۲-۴. هر چه پایگاه شغلی تثبیت شده تر باشد، سازگاری مهاجران جنگی با جامعه مقصد بیشتر خواهد شد.

- ۲-۵. مهاجر جنگی خوزستانی که درز بدو ورود به مقصد از کمکهای دولتی برخوردار شده باشد، از سازگاری بیشتر با مقصد برخوردار شده است.
- ۲-۶. هر چه مشارکت مهاجران جنگی خوزستانی در نهادها و فعالیتهای اجتماعی جامعه مقصد بیشتر باشد، سازگاری بیشتری با آنجا دارند.
- ۲-۷. هر چه میزان تعامل مهاجران جنگی با اهالی جامعه مقصد بیشتر باشد سازگاری بیشتری با مقصد دارند.
- ۲-۸. اگر مهاجران جنگی خوزستانی در جامعه مقصد آشنایان، دوستان و بستگانی داشته باشند، سازگاری بیشتری با آنجا خواهند داشت.
۳. اگر فاصله فرهنگی میان مهاجران جنگی خوزستانی با جامعه مقصد زیاد باشد، سازگاری کمتری از خود بروز خواهند داد.
- ۳-۱. اگر لهجه و زبان مهاجران جنگی خوزستانی با لهجه و زبان اهالی جامعه مقصد تفاوت داشته باشد، سازگاری آنها با آنجا کمتر است.
- ۳-۲. اگر مهاجران جنگی خوزستانی در برابر کاربرد واژه‌مرسوم در جامعه مقصد از سوی فرزندان‌شان حساسیت منفی داشته باشند، سازگاری آنها با آنجا کمتر خواهد بود.
۴. هر چه از مدت زمان ورود مهاجران جنگی خوزستانی به جامعه مقصد بیشتر بگذرد، از سازگاری بیشتری با آنجا برخوردار خواهند شد.



نمودار شماره ۳-۱. مدل سازگاری مهاجران جنگی در مقصد

روش تحقیق

در این قسمت به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس با جامعه مقصد پرداخته می شود. گام اول فراهم آوردن اطلاعات مقدماتی است. این اطلاعات از مراکز و ارگانهایی که در مراحل اولیه جنگ و پس از آن به نحوی مسئولیت سازمان دهی و رسیدگی به مسائل و مشکلا مهاجران جنگی را بر عهده داشته اند، به دست آمده اند. مراکز نظیر بنیاد امور مهاجران جنگ تحمیلی مستقر در استانداری فارس و اداره بهزیستی استان فارس که هر کدام بر اساس شرح و وظایف، عهده دار مسئولیتهای خاصی در امور مربوط به مهاجران جنگی هستند.

با توجه به اتمام جنگ و پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت غاز طوی طرفین جنگ در سال ۱۳۶۷ و بازسازی مناطق جنگی و شروع بازگشت تدریجی مهاجران جنگی خوزستانی به شهرها و محلهای مسکونی قبل از جنگ، خود بازنگشته اند- می پردازد. طبق آمار موجود بیشترین مهاجران جنگی به ترتیب در سه شهر استان شیراز، فسا و کازرون در استان فارس اقامت داشته اند، ضمن آنکه تقریباً نیم از آنها تحت پوشش اداره بهزیستی استان بوده اند. در

مجموع تعداد تقریبی مهاجران ساکن شهرهای شیراز (۱۶۱۰)، فسا (۲۰۱) و کازرون (۱۵۹)، ۲۰۰۰ خانوار بوده است.

نمونه مورد مطالعه

با توجه به محدودیتهای بودجه ای، زمانی و نیروی انسانی، به جای مطالعه بر روی کل جامعه آماری، نمونه ای معرف از جامعه آماری برای مطالعات انتخاب شده است. انتخاب نمونه در دو مرحله انجام گرفت. در مرحله اول با استفاده از

فرمول:
$$n = \frac{Nt^2(1-P)}{Nd^2 + t^2p(1-P)}$$
 تعداد نمونه لازم برای مطالعه انتخاب شد

(سرایی، ۱۳۷۲: ۱۳۲). طبق قرارداد، نصف فاصله اطمینان را با حرف d نشان

می دهند، که میزان آن در اینجا ۵ درصد در نظر گرفته شده است. همچنین اگر

ضریب اطمینان قابل قبول ۹۵ درصد و توزیع نمونه ای نرمال باشد، در این

حالت مقدار t معادل ۱/۹۶ خواهد بود. علاوه بر آن اگر p برابر ۰/۵ باشد،

اشتباه استاندارد se(p),p بزرگ ترین مقدار را به خود می گیرد. یعنی

$se(P) = P(1-P) = 0.25$ خواهد بود (همان: ۱۳۹-۱۲۸). در نتیجه خواهیم

داشت:

$$n = \frac{(2000) \times (1/96)^2 \times (0.25)}{(2000) \times (0.05)^2 + (1/96)^2 \times (0.25)}$$

$n \neq 320$

پس از تعیین حجم نمونه، با استفاده از شیوه نمونه گیری احتمالی متناسب با حجم، نمونه مورد مطالعه در هر شهر تعیین شده است. با توجه به تعداد خانوارهای مهاجران جنگی ساکن شیراز، فسا و کازرون، سهم نمونه هر شهر به این ترتیب است: شیراز ۲۶۰ خانوار، فسا ۳۳ خانوار و کازرون ۲۷. برای افزایش اطمینان، ۱۰ خانوار مهاجر جنگی به مجموع تعداد نمونه اضافه شد. بر این اساس تعداد نمونه در کل به ۳۳۰ خانوار مهاجر جنگی افزایش داده شد. و سهم هر شهر نیز به ترتیب: شیراز ۲۶۵ خانوار، فسا ۳۴ خانوار و کازرون ۳۱ خانوار شده است. در مرحله بعد بر اساس فهرست موجود در استانداری و اداره بهزیستی استان فارس، افراد نمونه مشخص شدند و پرسشگران طرح به آنان مراجعه کردند و پرسشنامه تکمیل شدند.

نحوه جمع آوری اطلاعات

روش تحقیق مورد استفاده با توجه به شیوه گردآوری داده ها و تجلیل داده های آن، پیمایشی^۸ است. جمع آوری اطلاعات مورد نیاز از طریق پرسشنامه صورت گرفته است. این پرسشنامه با توجه به متغیرهای مورد بررسی تدوین

^۸ Survey

شده است. در تنظیم پرسشنامه علاوه بر چهار چوب نظری و فرضیات تحقیق،

از منابع مرتبط نیز استفاده شده است.^{۷۹}

پس از آزمون مقدماتی، در پرسشنامه نهایی ۴۶ سؤال - ۴۵ سؤال بسته و یک

سؤال باز- قرار داده شده، و در نهایت تدوین و برای اجرا آماده شد.

پرسشنامه از ابتدا کدهای مشخص برای پاسخ داشت. برای ساده کردن عملیات

استخراج، پرسشگر(در مواردی که امکان پذیر بود) کدها را در پرسشنامه

مشخص می کرد؛ مگر در مواردی که ضروری بود کد گذاری در مرحله بعد

صورت گیرد. ۳۲ سؤال پرسشنامه به متغیرهای مستقل و بقیه به متغیرهای

وابسته اختصاص داشت. به منظور ساده تر شدن پرسش و پاسخ و نیز

استخراج، در مواردی که امکان پذیر بود برای سؤالات پاسخهای یکسانی که

حالت گویه های خاص داشت در مقابل یک طیف قرار داده شد. ۴۰ سؤال تک

موردی و ۶ سؤال چند موردی بود.

پرسشنامه ها از طریق مصاحبه تکمیل شد. عملیات پرسشگری از نیمه اول

فروردین شروع شد و در پایان تیر ماه ۱۳۷۸ پایان یافت. لازم به یادآوری است

که آزمون مقدماتی پرسشنامه نیز در شهر شیراز و با تعدادی در حدود ۲۰

مهاجر جنگی خوزستانی در بهمن ماه سال ۱۳۷۷ انجام پذیرفت.

۷۹. دواس، ۱۳۷۶؛ بورکس، ۱۹۸۶؛ رابینسون، ۱۹۷۶؛ مویک، ۱۹۷۷؛ جگر گوشه شیرین، ۱۳۷۰؛ بیکر، ۱۳۷۷؛

کرلینجر، ۱۳۷۶.

واحد مطالعه

واحد مطالعه در این تحقیق خانوار است. اما برای پاسخ گویی به سؤالات مندرج در پرسشنامه، به سرپرست خانوار مراجعه شده است.

سطح تحلیل

از آنجا که مطالعه در سه شهر استان فارس صورت گرفته است که بیشترین تراکم خانوار مهاجر جنگی خوزستانی را تا هنگام اجرای پرسشنامه تحقیق در مقایسه با سایر شهرهای استان در خود جای داده بودند، می توان گفت سطح تحلیل استانی است.

آزمونهای آماری

اجرای تحلیلهای آماری ضروری از قبیل نسبت درصد، میانگین، انحراف معیار، خی دو، همبستگی و رگرسیون مرکب، با استفاده از بسته نرم افزاری خاص علوم اجتماعی یعنی SPSS صورت پذیرفته است.

با توجه به اینکه تعداد معدودی از معرفها مربوط به بعضی از شاخصهای سازگاری فاقد پاسخ از سوی پاسخ گویان بوده و این امر در هنگام محاسبه

نمره سازگاری افراد مشکل ایجاد می کرده است به گونه ای که احتمال داشت در نتایج آزمونهای انجام شده در تحلیل رگرسیون مرکب و یا سایر آزمونهای مورد نیاز تأثیر نامطلوب بر جای بگذارد- با مشورت با اهل فن و مراجعه به کتابهای معتبر روش تحقیق، بهترین مکانیزم جای گذاری، استفاده از میانگین نمرات سؤالات مربوط به این شاخصها تشخیص داده شد. پس از انجام چنین عملی مشکل وجود نیز مرتفع شد.^{۸۰}

نکته دیگر، درمورد تناسب آزمونهای آماری با سطح سنجش متغیرها است. به طور کلی رگرسیون مختص متغیرهای فاصله ای است. با وجود این در موارد خاصی می توان از تحلیل رگرسیون ظاهری^{۸۱} برای متغیرها مستقل اسمی یا ترتیبی سود جست.^{۸۲} به همین دلیل متغیرهای مستقل اسمی که امکان تبدیل آنها به دو مقوله ۰ و ۱ بوده، در معادله رگرسیون وارد شده اند و آنهایی که چنین قابلیت نداشتند در معادله رگرسیون وارد نشده اند و برای تحلیل آنها از جداول دو بعدی استفاده و به همان نیز بسنده شده است.

انواع مشخصات متغیرها مورد بررسی

| عنوان متغیر | نوع متغیر | سطح سنجش متغیر |
|-------------|-----------|----------------|
|-------------|-----------|----------------|

۸۰. دواس، ۱۳۷۶: ۲۷۰-۲۴۶؛ کرلینجر، ۱۳۷۶: ۲۲۳-۱۸۷؛

۸۱. Dummy Regression Analysis

۸۲. دواس، ۱۳۷۶: ۱۸۷؛ عبیدی، ۱۳۷۰: ۵۳؛

| | | |
|--------------------------------|----------------|----------|
| شهر محل زندگی | مستقل و وابسته | اسمی |
| وضعیت اقتصادی | مستقل و وابسته | اسمی |
| جنس | مستقل | اسمی |
| سن | مستقل | فاصله ای |
| شغل | مستقل | اسمی |
| سطح تحصیلات | مستقل | رتبه ای |
| وضع اشتغال | مستقل | اسمی |
| وضع تأهل قبل از مهاجرت | مستقل | اسمی |
| وضع تأهل بعد از مهاجرت | مستقل | اسمی |
| تعداد فرزندان | مستقل | نسبی |
| تعداد افراد خانوار | مستقل | نسبی |
| وضع مالکیت مسکن فعلی | مستقل | اسمی |
| تعداد اتاق منزل فعلی | مستقل | نسبی |
| وضع مالکیت مسکن قبل از جنگ | مستقل | اسمی |
| تعداد اتاق مسکن قبل از جنگ | مستقل | اسمی |
| وضع مسکن فعلی در مقایسه با قبل | مستقل | اسمی |
| درآمد خانواده | مستقل | نسبی |

| | | |
|----------|--------|---|
| اسمی | مستقل | لهجه و زبان اصلی (مادری) |
| اسمی | مستقل | آشنایی قبلی با محل زندگی فعلی |
| اسمی | مستقل | طریق آشنایی |
| اسمی | مستقل | تأثیر آشنایی قبلی در انتخاب محل زندگی فعلی |
| فاصله ای | مستقل | سال ورود به محل سکونت فعلی |
| اسمی | مستقل | محل سکونت قبل از جنگ و مهاجرت |
| رتبه ای | وابسته | میزان احساس غربت در محل زندگی فعلی |
| رتبه ای | وابسته | میزان احساس دل‌بستگی به محل سکونت قبلی |
| رتبه ای | مستقل | میزان مسافرت به محل سکونت قبلی در سال |
| رتبه ای | وابسته | رضایت از زندگی |
| رتبه ای | وابسته | میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی |
| رتبه ای | وابسته | میزان کاربرد واژگان محلی |
| رتبه ای | وابسته | میزان حساسیت به کاربرد واژگان محلی توسط فرزندان |
| رتبه ای | مستقل | وصلت بستگان و آشنایان مهاجران با بومی ها |
| رتبه ای | وابسته | میزان رضایت از وصلت با بومی ها |
| رتبه ای | وابسته | تمایل به شرکت در مراسم محلی |
| رتبه ای | وابسته | گذراندن اوقات فراغت |

| | | |
|---------|--------|---|
| اسمی | مستقل | شرکت در نهادهای محلی |
| اسمی | وابسته | میزان استفاده از غذاهای محلی |
| رتبه ای | وابسته | میزان لذت از مصرف غذاهای محلی |
| اسمی | مستقل | اولویت طرح مشکلات خصوصی با افراد |
| رتبه ای | وابسته | نحوه نگرش مهاجر به اهالی جامعه مقصد |
| رتبه ای | مستقل | مقایسه شغل فعلی با شغل قبل از جنگ |
| رتبه ای | مستقل | میزان رضایت از درآمد |
| رتبه ای | وابسته | میزان رضایت شغلی مهاجر |
| اسمی | مستقل | برخورداری از کمکهای دولتی بعد از مهاجرت |
| رتبه ای | مستقل | تأثیر کمکها در حل مشکلات اولیه |
| اسمی | مستقل | ادامه کمکهای دولتی |
| اسمی | مستقل | میزان کمکهای دولتی |
| رتبه ای | مستقل | رضایت از رفتار مؤسسات دولتی |

تعریف متغیرها و مفاهیم بنیادی (عملیاتی)

مهاجر جنگی خوزستانی: فرد پاسخ گویی که سرپرست خانوار است و با آغاز جنگ ایران و عراق در شهریور ۱۳۵۹ با خانواده خود از استان خوزستان به

یکی از شهرهای شیراز، فسا و کازرون در استان فارس مهاجرت کرده و در زمان انجام تحقیق هنوز در آنجا اقامت داشته است. این فرد به طور تصادفی و بر اساس نمونه گیری احتمالی متناسب با حجم نمونه تصادفی سهمیه ای برای مصاحبه انتخاب شده است.

شهر محل زندگی فعلی: یکی از شهرهای شیراز، فسا و کازرون در استان فارس، که مهاجر جنگی خوزستانی به اتفاق خانواده اش در زمان انجام تحقیق در آنجا ساکن بوده است.

خانوار: گروه چنر نفری که با هم در یک اقامتگاه ثابت زندگی می کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می خورند. خانوار لزوماً با خانواده یکی نیست. فقط خانوارهای عادی در این تحقیق بررسی شده اند.

خانواده: گروه اجتماعی که اعضای آن از طریق نسبت و یا ازدواج با یکدیگر مرتبط هستند، با هم زندگی می کنند و مشارکت اقتصادی دارند.

وضعیت اقتصادی: امکان گذراندن زندگی، در این تحقیق مهاجران جنگی خوزستانی دو حالت خود کفا و وابسته دارند. خودکفا آنهایی هستند که هیچ گونه کمکی از سوی ارگانها و نهادهای دولتی دریافت نمی کنند. در مقابل، آنهایی هستند که انواع مختلفی از کمکهای دولتی (مستمری یا مکان زندگی یا...) دریافت کرده اند یا می کنند.

سن: تعداد سالهای کامل از زمان تولد تا زمان مراجعه پاسخگو.

وضع تأهل: مشخص کردن موقعیت فرد در حالات: «هرگز ازدواج نکرده»، «دارای همسر»، «بدون همسر بر اثر فوت»، «بدون همسر بر اثر طلاق».

سطح سواد: مشخص کردن موقعیت فرد در حالات «بی سواد» (نمی تواند بخواند و بنویسد) ، « می تواند بخواند و بنویسد» (بدون مدرک)، « حدود ابتدایی»، « حدود راهنمایی و سیکل»، « دیپلم و فوق دیپلم»، « لیسانس و بالاتر».

درآمد: کلیه دریافتیهای فرد در یک ماه بر اساس هزار تومان.

شاغل: هر پاسخ گوی عهده دار هر گونه فعالیت فکری یا بدنی که به طور قانونی مجاز باشد و به منظور کسب درآمد (نقدی، غیر نقدی) انجام پذیرد.

بعد خانوار (تعداد افراد خانوار): کلیه کسانی که در یک خانه زندگی می کنند و دخل و خرج آنها یکی است.

وضع مالکیت مسکن: شخصی کردن اینکه محل سکونت خانواده از لحاظ مالکیت دارای کدام یک از اشکال / شخصی، اجاره ای، رهنی، سایر (دولتی و...) است.

سال سکونت در شهر فعلی: بر اساس دو رقم سمت راست سال ورود به محل زندگی فعلی مشخص می شود.

سازگاری: فرآیندس است که در طی آن مهاجر جنگی عقاید، ارزشها، هنجارها، عادات، نقشها، آداب و رسوم، الگوهای رفتاری و مهارتهایی را فرا می گیرد که ترکیب آنها «روش زندگی» معمول جامعه مقصد را شکل می دهد. برپا اندازه گیری آن از شاخصهای مختلفی نظیر میزان احساس غربت، میزان دلبستگی به محل سکونت قبل از جنگ، رضایت از جنبه های مختلف زندگی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی، کاربرد واژه های محلی، تمایل به شرکت در مراسم اجتماعی و مذهبی متعلق به جامعه مقصد، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نگرش مهاجر به ویژگیها اخلاقی اهالی جامعه مقصد، رضایت شغلی و ... استفاده شده است.

روش تعیین اعتبار و پایایی

در این بررسی، با توجه به اهمیت حصول اطمینان از اعتبار^{۸۳} پرسشنامه، از رویه اعتبار محتوا^{۸۴} استفاده شده است. در این رابطه چند ضابطه به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت:

۱. استفاده از پرسشهای آزمون شده قبلی در مطالعات مشابه در ایران و کشورهای دیگر.

^{۸۳} Validity

^{۸۴} Content Validity

۲. مراجعه به و استفاده از کتب و مجلات معتبر و به ویژه مجموعه های منتشر شده (زارع، ۱۳۶۷؛ محسنی، ۱۳۷۵؛ رابینسون، ۱۹۷۶؛ مویک، ۱۹۹۷؛ چگر گوشه شیرین، ۱۳۷۰؛ بیکر، ۱۳۷۷). از سؤالات و شاخصهای اعتبار یابی شده^۸ برای این امر از چندین گویه و سؤال استفاده شده است. در ابتدا شاخصهای رضایت از جنبه های مختلف زندگی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی، تمایل به شرکت در مراسم اجتماعی و مذهبی محلی، نحوه گذراندن اوقات فراغت، نگرش به ویژگیهای اخلاقی اهالی جامعه مقصد و رضایت شغلی سنجیده شده اند و در مرحله بعد علاوه بر شاخصهای مذکور، معرفهای دیگری که با آنها شاخص سازگاری شکا داده شده سنجیده شده است. لازم به ذکر است که محاسبه ضریب همبستگی به دست آمده در همه موارد با ضریب بسیار قابل توجه، معنی دار بوده است.

جدول ۱-۳. ضرایب همبستگی درونی شاخصهای مختلف سازگاری*

| رضایت از جنبه های مختلف زندگی | استفاده از وسایل ارتباط جمعی محلی | تمایل به شرکت در مراسم محلی | نحوه گذراندن اوقات فراغت | نگرش به اهالی جامعه مقصد | رضایت شغلی | سازگاری |
|-------------------------------|-----------------------------------|-----------------------------|--------------------------|--------------------------|------------|---------|
| ۰/۸۳۶ | ۰/۷۱۶ | ۰/۸۶۷۵ | ۰/۶۶۶ | ۰/۸۶۶ | ۰/۸۸۲ | ۰/۵۸۷ |

^۸ item Intercorrelation

استخراج و تجزیه و تحلیل آماری

پرسشنامه های تکمیل شده طی مراحل استخراج و تجزیه و تحلیل آماری شدند:

۱. بازبینی اولیه در محل جمع آوری اطلاعات و پس از اتمام مصاحب؛
۲. بازبینی نهایی در شهرهای محل جمع آوری اطلاعات؛
۳. بازبینی نهایی در تهران به منظور کد گذاری؛
۴. کد گذاری نهایی پرسش نامه ها؛
۵. وارد کردن اطلاعات روی فایل های مختلف اطلاعاتی نرم افزار PE2؛
۶. انتقال فایل های اطلاعاتی در نرم افزار SPSS برای گرفتن جداول مورد نیاز و محاسبات بر حسب مورد؛
۷. گرفتن اطلاعات بر اساس توزیع فراوانی متغیرها در جداول مختلف؛
۸. انجام تحلیل های آماری ضروری

. در همه موارد ضریب همبستگی در سطح ۰/۰۰۱ معنی دار است.*

فصل چهارم

تجزیه و تحلیل داده ها

محاسبه نمرات سازگاری

محاسبه نمرات سازگاری مهاجران جنگی: با توجه به شاخصهای مختلف سازگاری و پاسخ ارائه شده از سوی مهاجران جنگی خوزستانی در نمونه مورد مطالعه، نمرات هر فرد مهاجر محاسبه شده سات. پس از محاسبه نمرات، مشخص شده که حداقل نمره در کل نمونه ۵۴، حداکثر نمره سازگاری ۱۷۶ و میانگین نمره سازگاری ۱۲۸ است. پس از آن نمرات در سه مقوله افراد دارای سازگاری کم، سازگاری متوسط و سازگاری زیاد دسته بندی شدند. نتیجه دسته بندی مذکور چنین شد: افراد دارای سازگاری کم شامل نمرات

۱=۹۴/۹۹-۵۴، افراد دارای سازگاری متوسط شامل نمرات ۲=۱۳۵/۹۹-۹۵ و

افراد دارای سازگاری زیاد شامل نمرات ۳=۱۷۶-۱۳۶.

علاوه بر آن حد اقل، حداکثر و میانگین نمرات سازگاری در سه شهر شیراز، فسا و کازرون بدین ترتیب به دست آمد:

جدول ۴-۱. وضعیت نمرات سازگاری مهاجران در شهرهای مختلف استان

فارس و در کل نمونه مورد مطالعه

| میانگین | حد اکثر | حد اقل | میزان نمرات سازگاری شهرها و کل |
|---------|---------|--------|-----------------------------------|
| ۱۲۸ | ۱۷۶ | ۵۴ | کل نمونه |

| | | | |
|--------|-------|-------|-----|
| شیراز | ۵۴ | ۱۷۳ | ۱۲۶ |
| فسا | ۹۳ | ۱۷۱/۵ | ۱۲۸ |
| کازرون | ۱۰۵/۵ | ۱۷۶ | ۱۴۵ |

بررسی رابطه سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی با شهر محل سکونت آنها: با توجه به ارقام مندرج در جدول شماره ۴-۲ می توان گفت ۴/۲ درصد یا ۱۴ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم شیراز از سازگاری کم، ۵۱/۲ درصد یا ۱۶۹ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۴/۸ درصد یا ۸۲ نفر، از سازگاری زیاد با مقصد برخوردار هستند. علاوه بر آن، ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فسا از سازگاری کم، ۶/۷ درصد یا ۲۲ نفر از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۶/۴ درصد یا ۲۱ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. در کازرون هیچ کدام از مهاجران جنگی خوزستانی در گروه کهاجران دارای سازگاری کم قرار نگرفته اند. در یک نگاه کلی می توان گفت مهاجران جنگی خوزستانی مقیم کازرون در مقایسه با مهاجران جنگی خوزستانی مقیم شیراز و فسا از سازگاری بیشتری برخوردارند. البته اگر سهم هر شهر در نمونه را در نظر بگیریم، شاید قضاوت طور دیگری شود. اما، احتمالاً دلیل سازگاری بیشتر مهاجران جنگی خوزستانی

مقیم کازرون آن است که امکانات اولیه ای که در این شهر در اوایل ورود مهاجران به کازرون از سوی مسئولان ارگانهای دولتی در اختیار آنان قرار گرفته، بیش از سایر شهرهای استان فارس بوده است. همین امر در افزایش میزان سازگاری مهاجران جنگی ساکن شهر کازرون تأثیر زیادی بر جای گذاشته است. در نتیجه می توان گفت بین شهر محل زندگی و سازگاری رابطه وجود دارد زیرا چنان که ارقام به دست آمده نشان می دهد این رابطه از نظر اماری معنی دار است چون $X^2 = 18/80$ است ($X^2 = 18/80, df = 4, p = 0/000$). در مورد امکانات اولیه ای که از مسئولان دولتی در اختیار مهاجران جنگی خوزستانی قرار داده اند، گفتن این نکته ضروری است که آنها در سالهای اولیه حضور مهاجران اقدام به ساخت مجتمعهایی مسکونی ارزان قیمت کردند و با شرایط راحتی در اختیار مهاجران قرار دادند. این امر در کاهش مشکلات مهاجران به خصوص در زمینه محل سکونت بسیار مؤثر بوده است.

جدول ۴-۲. بررسی رابطه سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی با شهر محل سکونتشان

بررسی رابطه ساگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس با وضعیت اقتصادی آنها: ارقام مندرج در جدول شماره ۴-۳ حاکی از آن است

که ۳/۹ درصد یا ۱۳ نفر از مهاجران جنگ خوزستانی در نمونه مورد مطالعه ساکن استان فارس که به احاط اقتصادی وابسته به کمکهای ارگانهای دولتی هستند. از سازگاری کم برخوردارند.

۳۴/۲ درصد یا ۱۱۳ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۱/۵ درصد یا ۳۸ نفر از مهاجران جنگ خوزستانی مورد مطالعه از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۲ درصد یا ۴ از پاسخ گویان که به لحاظ اقتصادی خودکفا هستند. از سازگاری کم، ۲۶/۷ درصد یا ۸۸ نفر از سازگاری متوسط و ۲۲/۴ درصد یا ۷۴ نفر از مهاجران جنگی مورد مطالعه در استان فارس از سازگاری زیاد برخوردار شده اند. در یک نگاه کلی به جدول مزبور می توان گفت مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که وضعیت اقتصادی خود کفا دارند، از سازگاری بیشتری در مقایسه با مهاجران جنگی غیر خود کفا برخوردار شده اند. رابطه آماری دو متغیر مورد مطالعه معنی دار است:

$$(X^2 = 19/43, df = 2, p = 0/000)$$

جدول شماره ۴-۳. رابطه وضعیت اقتصادی مهاجران جنگی خوزستانی با سازگاری آنها

رابطه جنس مهاجران جنگی خوزستانی مورد مطالعه سازگاری آنها در مقصد: بر اساس ارقام موجود در جدول شماره ۴-۴ می توان گفت ۳/۶ درصد یا ۱۲ نفر از مردان مهاجر جنگی خوزستانی مورد مطالعه استان فارس از سازگاری کم، ۳۸/۵ درصد یا ۱۲۷ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۸/۲ درصد یا ۹۳ نفر از مهاجران مرد از ساگاری زیاد برخوردار هستند. در حالی که ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از زنان مهاجر جنگی خوزستانی مقیم استان فارس از سازگاری کم، ۲۲/۴ درصد یا ۷۴ نفر از آنان از سازگاری متوسط و ۵/۸ درصد یا ۱۹ نفر از زنان مهاجر از سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی به جدول مذکور می توان گفت مردان در مقایسه با زنان مهاجر جنگی خوزستانی مقیم استان فارس از سازگاری بیشتری برخوردارند. رابطه آماری دو متغیر مورد مطالعه در اینجا از نظر آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 13/57, df = 2, p = 0/000)$$

جدول ۴-۴. رابطه جنس مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آنها با مقصد

رابطه سن مهاجران جنگی خوزستانی مورد مطالعه با سازگاری آنها در مقصد: پس از دسته بندی سن افراد مهاجر در سه مقوله جوان (۲۰-۳۵=۱)، میانسال (۳۶-۵۰=۲) و بزرگسال (۵۱ به بالا)، انجام شده است. بر این اساس،

ارقام موجود در جدول شماره ۴-۵ حاکی از آن است که ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی گروه جوان از سازگاری کم، ۱۳ درصد یا ۴۳ نفر از گروه افراد جوان از سازگاری متوسط و ۱۱/۸ درصد یا ۳۹ نفر از افراد گروه جوان از سازگاری زیاد در استان فارس برخوردار شده اند. علاوه بر آن، ۲/۴ درصد یا ۸ نفر از مهاجران میانسال از سازگاری کم، ۳۰/۳ درصد یا ۱۰۰ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۶/۷ درصد یا ۵۵ نفر از سازگاری زیاد برخوردار هستند. همچنین، ۲/۱ درصد یا ۷ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی بزرگسال از سازگاری کم، ۱۷/۶ درصد یا ۵۸ نفر از آنان از سازگاری متوسط و ۵/۵ درصد یا ۱۸ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی می توان گفت که مهاجران جوان در مقایسه با سایر مهاجران از سازگاری بیشتری برخوردارند. به تعبیر دیگر رابطه سن و سازگاری منفی است. رابطه دو متغیر مورد مطالعه در اینجا از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 12/94, df = 4, p = 0/01)$$

جدول شماره ۴-۵. رابطه گروهها سنی مهاجر و سازگاری آنها در مقصد

رابطه سطح تحصیلات مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آنها در مقصد:
اطلاعات مربوط به سطح تحصیلات مهاجران در ۵ مقوله بی سواد، دارای سواد

خواندند نوشتن، در حد راهنمایی، دیپلم و فوق دیپلم، و لیسانس و بالاتر تقسیم شده است. بر این اساس داده های موجود در جدول شماره ۴-۶ حاکی از آن است که ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از افراد مهاجر جنگی بی سواد از سازگاری کم، ۱۵/۸ درصد یا ۵۲ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. علاوه بر آن، ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی دارای سواد خواندند نوشتن از سازگاری کم، ۹/۴ درصد یا ۳۱ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس از سازگاری زیاد برخوردار هستند. همچنین، ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی دارای سواد در حد راهنمایی از سازگاری کم، ۹/۷ درصد یا ۳۲ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۷/۹ درصد یا ۲۶ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس از سازگاری زیاد برخوردارند.

ارقام موجود در جدول علاوه بر این نشان می دهد که ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس در نمونه مورد مطالعه دارای سواد در حد دیپلم و فوق دیپلم از سازگاری کم، ۲۰ درصد یا ۶۶ نفر از آنها دارای سازگاری متوسط و ۱۳ درصد یا ۴۳ نفر از مهاجران مذکور از سازگاری زیاد برخوردارند. در حالی که ۶/۱ درصد یا ۲۰ نفر از مهاجران جنگی

خوزستانی مورد مطالعه از سازگاری متوسط و ۷ درصد یا ۲۳ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. در مجموع نیز می توان گفت رابطه سطح تحصیلات و میزان سازگاری مهاجران جنگ خوزستانی مثبت از نظر آماری این رابطه معنی دار است. مقدار $X^2 = 27/75$ است.

$$(X^2 = 27/75, df = 8, p = 0/000)$$

جدول ۴-۶. وضعیت سطح تحصیلات و سازگاری مهاجران مئیک استان فارس

رابطه وضعیت اشتغال مهاجران جنگ خوزستانی با سازگاری آنها در مقصد: ارقم مندرج در جدول شماره ۴-۷ حاکی از آن است که ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از افراد مهاجران جنگی خوزستانی شاغل از سازگاری کم، ۳۳ درصد یا ۱۰۹ نفر از آنها از سازگارس متوسط و ۲۸/۲ درصد یا ۹۳ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از افراد مهاجر جنگی خوزستانی خانه دار از سازگاری کم، ۱۷ درصد یا ۵۶ نفر از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از افراد مهاجر بیکار از سازگاری کم، ۹/۷ درصد یا ۳۲ نفر از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی بازنشسته از سازگاری متوسط و ۰/۳ درصد یا ۱ نفر از آنها از

سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی به جدول می توان گفت اکثریت گروه مهاجران جنگ خوزستانی شاغل در مقایسه با سایر مهاجران (خانه دار، بیکار و بازنشسته) از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردارند. در اینجا رابطه آماری دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 36/96, df = 6, p = 0/000)$$

جدول ۴-۷. رابطه وضعیت اشتغال مهاجران با سازگاری آنان در مقصد

بررسی رابطه نوع شغل مهاجران جنگ خوزستانی مقیم فارس و سازگاری آنها: با نگاهی به ارقام موجود در جدول شماره ۴-۸ می توان گفت ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از افراد مهاجر جنگ خوزستانی بیکار از سازگاری متوسط و ۰/۳ درصد یا یک نفر از آنان از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۶ درصد یا ۵ نفر از افراد دارای شغل کارگری از سازگاری کم، ۱۸/۷ درصد یا ۶۰ نفر از سازگاری متوسط و ۶/۹ درصد یا ۲۲ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. ۰/۳ درصد یا یک نفر از افراد دارای شغل آزاد از سازگاری کم، ۷/۸ درصد یا ۲۵ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۲/۱ یا ۳۹ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجران جنگ خوزستانی دارای شغل کارمندی در نمونه مورد مطالعه از سازگاری کم، ۱۶/۸ درصد یا ۵۴ نفر از سازگاری متوسط و

۱۱/۵ درصد یا ۳۷ نفر از آنها نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی دارای شغل دستفروشی ساکن استان فارس از سازگاری کم، ۱۷/۷ درصد یا ۵۷ نفر از آنها دارای سازگاری متوسط و ۲/۸ درصد یا ۹ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۹ نفر از آنان نیز شغل خود را مشخص نکرده اند. رابطه دو متغیر از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 43/78, df = 10, p = 0/000)$$

بررسی رابطه وضع تأهل مهاجران جنگ خوزستانی قبل از جنگ و مهاجرت با سازگاری آنها در مقصد: ارقام جدول شماره ۴-۹ حایک از آن است که ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجران ازدواج نکرده از سازگاری کم، ۳۲/۵ درصد یا ۱۰۷ نفر دارای سازگاری متوسط و ۲۰/۴ درصد یا ۶۷ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردار شده اند. ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجران جنگ خوزستانی متأهل (دارای همسر) قبل از مهاجرت در نمونه مورد مطالعه از سازگاری کم، ۲۵/۲ درصد یا ۸۳ نفر از سازگاری متوسط و ۱۳/۴ درصد یا ۴۴ نفر نیز دارای سازگاری زیاد هستند. این در حایل است که ۰/۶ درصد یا ۲۰ نفر از مهاجرانی که قبل از مهاجرت به استان فارس فاقد همسر (بر اثر طلاق) بوده اند، از سازگار یکم و ۲/۱ درصد یا ۷ نفر از آنها دارای سازگار یمتوسط هستند. ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از افراد مهاجر بدون همسط (بر اثر فوت همسر) نیز از سازگاری متوسط برخوردارند. رابطه آماری دو متغیر نیز معنی دار است. و در یک نگاه کلی می توان گفت این رابطه نیز منفی است. یعنی افراد مجرد از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردار شده اند.

$$(X^2 = 13/78, df = 6, p = 0/04)$$

جدول شماره ۴-۹. رابطه وضع تأهل مهاجران جنگی در مبدأ و سازگاری آنان

با مقصد

بررسی رابطه وضعیت تأهل فعیل مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس و سازگاری آنان در مقصد: بر اساس ارقام موجود در جدول ۴-۱۰ ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی ازدواج نکرده در مقصد از سازگاری کم، ۷/۶ درصد یا ۲۵ نفر از سازگاری متوسط و ۴/۵ درصد یا ۱۵ نفر از سازگاری زیاد با مقصد برخوردار شده اند. ۲/۱ درصد یا ۷ نفر از مهاجران جنگی مورد مطالعه دارای همسر در استان فارس از سازگاری کم، ۳۷/۹ درصد یا ۱۲۵ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۸/۵ درصد یا ۹۴ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی بدون همسر (بر اثر طلاق) از سازگاری کم، ۸/۵ درصد یا ۲۸ نفر از سازگاری متوسط و ۰/۹ درصد یا ۳ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۰/۳ درصد یا یک نفر از مهاجران بدون همسر (بر اثر فوت همسر) از سازگاری کم و ۷ درصد یا ۲۳ نفر از آنها از سازگاری متوسط برخوردارند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است. در مجموع نیز، متأهلین نسبت به سایر گروهها سازگاری بیشتری با جامعه مقصد از خود نشان داده اند.

$$(X^2 = 37/64, df = 6, p = 0/000)$$

جدول ۴-۱۰. وضعیت فعلی تأهل مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آنان

در مقصد

بررسی رابطه بعد خانوار مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس و سازگاری آنان با مقصد: ارقام مندرج در جدول ۴-۱۱ بیانگر آن است که ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مورد مطالعه دارای بعد خانوار کوچک از سازگاری کم، ۱۰ درصد یا ۳۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی دارای بعد خانوار کوچک از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر از آنها از سازگاری زاید برخوردارند. ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از افراد مهاجر جنگی خوزستانی دارای بعد خانوار متوسط از سازگاری کم، ۲۲/۱ درصد یا ۷۳ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۱/۸ درصد یا ۳۹ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از افراد مهاجر دارای بعد خانوار بزرگ از سازگاری کم، ۲۸/۸ درصد یا ۹۵ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۹/۴ درصد یا ۶۴ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در مجموع، خانوارهای با بعد بزرگ بر اساس ارقام موجود در جدول مذکور از سازگاری بیشتری درمقایسه با سایر خانوارهای با بعد کوچک و متوسط با مقصد برخوردارند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه به لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 11/18, df = 4, p = 0/02)$$

جدول ۵-۱۱. رابطه بعد خانوار مهاجران با سازگاری آنان در جامعه مقصد

بررسی رابطه وضع مالکیت مسکن مهاجران جنگی خوزستانی در استان فارس و سازگار یآنا با مقصد: با نگاهی به ارقام مندرج در جدول ۴-۱۲ می توان گفت ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجران دارای مالکیت شخصی بر منزل مسکونی خود در مقصد از سازگاری کم، ۱۳/۹ درصد یا ۴۶ نفر از مهاجران مذکور از سازگاری متوسط و ۱۶/۴ درصد یا ۵۴ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجران ساکن منزل اجاره ای از سازگاری کم، ۱۳/۹ درصد یا ۴۶ نفر از سازگاری متوسط و ۷ درصد یا ۲۳ نفر از آنها سازگاری زیاد برخوردارند. ۳/۹ درصد یا ۱۳ نفر از مهاجران جنگی ساکن منازل رهنی از سازگاری متوسط و ۲/۷ درصد یا ۹ نفر از آنها سازگاری زیاد برخوردارند. ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجران جنگی ساکن منازل دولتی از سازگاری متوسط و ۲۹/۱ درصد یا ۹۶ نفر از سازگاری متوسط و ۷/۹ درصد یا ۲۶ نفر از سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی به جدول شماره ۴-۱۲ می توان گفت افراد دارای منزل مسکونی شخصی

در مقایسه با سایر انواع مسکن از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردارند.
رابطه دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 30/48, df = 6, p = 0/000)$$

جدول ۴-۱۲. رابطه وضع مالکیت مسکن مهاجران با سازگاری آنان در مقصد

بررسی رابطه وضع مالکیت مسکن مهاجران جنگی خوزستانی قبل از مهاجرت و سازگاری آنان با مقصد: ارقام موجود در جدول ۴-۱۳ حاکی از آن است که ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که دارای مالکیت شخصی بر منزل مسکونی خود در قبل از جنگ و مهاجرت بوده اند، از سازگاری کم، ۲۸/۵ درصد یا ۹۴ نفر از سازگاری متوسط و ۹۱/۱ درصد یا ۶۳ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از مهاجران دارای منزل مسکونی اجاره ای در قبل از جنگ و مهاجرت، از سازگاری کم، ۱۴/۲ درصد یا ۴۷ نفر از سازگاری متوسط و ۷ درصد یا ۲۳ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۰/۳ درصد یا یک نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس دارای منزل مسکونی رهنی در قبل از جنگ و مهاجرت، از سازگاری کم، ۳/۹ درصد یا ۱۳ نفر از سازگاری متوسط و ۰/۳ یا یک نفر از آنها از سازگاری زیاد در مقصد برخوردار بوده اند. ۲/۴

درصد یا ۸ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس، ساکن سایر گونه های مسکن در قبل از جنگ و مهاجرت، از سازگاری کم، ۱۴/۳ درصد یا ۴۷ نفر از سازگاری متوسط و ۷/۶ درصد یا ۲۵ نفر از آنها از سازگاری زیاد در جامعه مقصد برخوردارند. در مجموع افراد دارای منزل مسکونی شخصی در مقایسه با سایر انواع مسکن در مبدأ از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردار بوده اند. شاید به این دلیل که بخشی از مهاجران جنگی خوزستانی مورد مطالعه ساکن استان فارس در قبل از جنگ و مهاجرت، هنوز در خانه پدری خود زندگی می کرده اند و طرح داشتن منزل مسکونی شخصی بر اساس مالکیت شخصی والدینشان بوده است. رابطه آماری دو متغیر از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 30.55, df = 6, p = 0.000)$$

جدول ۴-۱۳. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران جنگی در قبل از جنگ و مهاجرت، با سازگاری آنان در مقصد

بررسی تأثیر وضعیت مسکن مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس در سازگاری آنان با مقصد: ارقام مندرج در جدول ۴-۱۴ حاکی از آن است که ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجرانی که معتقدند وضعیت مسکن آنها در جامعه مقصد

در مقایسه با مبدأ بدتر شده است، از سازگاری کم، ۳۴/۸ درصد یا ۱۱۵ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۳ درصد یا ۴۳ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردار هستند. همچنین ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی که اعتقاد دارند وضعیت مسکن آنها در جامعاً مقصد در مقایسه با مبدأ فرقی نکرده است، از سازگاری کم، ۱۵/۲ درصد یا ۵۰ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۰/۳ درصد یا ۳۴ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. علاوه بر آن، ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس که معتقدند وضعیت مسکن آنان در جامعاً مقصد نسبت به مسکنشان در مبدأ بهتر شده است از سازگاری کم، ۱۰/۹ درصد یا ۳۶ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۰/۶ درصد یا ۳۵ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در اینجا رابطه دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 12/83, df = 4, p = 0/01)$$

جدول ۴-۱۴. رابطه وضعیت مسکن مهاجران در مقصد در مقایسه با مبدأ و سازگاری آنان با مقصد

بررسی رابطه درآمد مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آنان با جامعه مقصد: اطلاعات اولیه در زمینه میزان درآمد مهاجران جنگی خوزستانی مقیم

استان فارس در نمونه مورد مطالعه، آن را به سه گروه: درآمد کم، متوسط و بالا قابل تقسیم می کند. بر این اساس ارقام مندرج در جدول شماره ۴-۱۵ نشان می دهد که ۴/۳ درصد یا ۱۴ نفر از مهاجران خوزستانی کم درآمد از سازگاری کم، ۴۳/۵ درصد یا ۱۴۱ نفر از سازگاری متوسط و ۱۳/۳ درصد یا ۴۳ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. همچنین، ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی دارای درآمد متوسط در مقصد از سازگاری کم، ۱۴/۲ درصد یا ۴۶ نفر از سازگاری متوسط و ۱۴/۸ درصد یا ۴۸ نفر نیز از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. علاوه بر آن، ۲/۸ درصد یا ۹ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم استان فارس دارای درآمد بالا از سازگاری متوسط و ۶/۲ درصد یا ۲۰ نفر از آنها نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در مجموع می توان گفت ارقام جدول مذکور نشان می دهد بین سازگاری و درآمد مهاجران، رابطه مثبت برقرار است. این رابطه از لحاظ آماری نیز معنی دار است.

$$(X^2 = 40.14, df = 4, p = 0.000)$$

جدول ۴-۱۵. رابطه وضعیت درآمد مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس و سازگاری آنان با مقصد

بررسی رابطه لهجه و زبان مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس با سازگاری آنان در مقصد: ارقام موجود در جدول ۴-۱۶ حاکی از آن است که ۲/۴ درصد یا ۸ نفر از مهاجران فارس زبان در مقصد از سازگاری کم، ۳۷/۶ درصد یا ۱۲۴ نفر از سازگاری متوسط و ۲۷/۹ درصد یا ۹۲ نفر از آنها از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. ۲/۴ درصد یا ۸ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس در نمونه مورد مطالعه دارای لهجه و زبان عربی از سازگاری کم، ۲۲/۴ درصد یا ۷۴ نفر از سازگاری متوسط و ۵/۵ درصد یا ۱۸ نفر از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. ۰/۳ درصد یا یک نفر از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. این در حالی است که فقط ۰/۳ درصد یا یک نفر از مهاجران جنگی خوزستانی ساکن فارس دارای لهجه ای غیر از لهجه های یاد شده، از سازگاری زیاد برخوردار است. در مجموع نیز می توان گفت فارس زبانها از سازگاری بیشتری در مقایسه با سایر مهاجران برخوردارند. رابطه این دو متغیر نیز به لحاظ آماری معنی دار است.

$$(X^2 = 21/82, df = 6, p = 0/001)$$

جدول ۴-۱۶. رابطه لهجه و زبان مهاجران جنگی مقیم استان فارس و سازگاری آنان در مقصد

بررسی رابطه آشنایی قبل از مهاجرت مهاجران جنگی خوزستانی با جامعه مقصد و سازگاری آنان با مقصد: با نگاهی به ارقام مندرج در جدول ۴-۱۷ می توان گفت ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس که از قبل با محیط مقصد آشنایی داشته اند از سازگاری کم، ۲۹/۱ درصد یا ۹۶ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۴/۲ درصد یا ۸۰ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در حالی که، ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجرانی که از قبل هیچ گونه آشنایی با جامعه مقصد نداشته اند از سازگاری کم، ۳۱/۸ درصد یا ۱۰۵ نفر از آنها از سازگار یمتوسط و ۹/۷ درصد یا ۳۲ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی می توان گفت مهاجرانی که از قبل با محیط مقصد آشنا بوده اند در مقایسه با آنهایی که هیچ گونه آشنایی با آنها نداشته اند از سازگاری بیشتری برخوردار بوده اند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه از نظر آماری معنی دار است. ($X^2 = 19/14, df = 2, p = 0/000$)

جدول ۴-۱۷. رابطه آشنایی قبلی مهاجران با جامعه مقصد و سازگاری آنان با

مقصد

بررسی رابطه زمان ورود مهاجران جنگی خوزستانی به استان فارس و سازگاری آنان با جامعه مقصد: ارقام موجود در جدول شماره ۴-۱۷ حاکی از

آن است که ۳/۳ درصد یا ۱۱ نفر از مهاجرانی که در سال ۱۳۵۹ با شروع جنگ وارد استان فارس شده اند از سازگاری کم، ۴۴/۸ درصد یا ۱۴۴ نفر از آنها از سازگار یمتوسط و ۱۸/۲ درصد یا ۶۰ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. همچنین، ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از مهاجرانی که در سال ۱۳۶۰ وارد استان فارس شده اند از سازگاری کم، ۱۱/۲ درصد یا ۳۷ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱۲/۷ درصد یا ۴۲ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. علاوه بر آن، ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجرانی که در سال ۱۳۶۱ وارد استان فارس شده اند از سازگاری کم، ۴/۸ درصد یا ۱۶ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۳ درصد یا ۱۰ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در یک نگاه کلی به ارقام موجود در جدول می توان گفت آن گروه از مهاجران خوزستانی که با شروع جنگ یعنی سال ۱۳۵۹ وارد فارس شده ان در مقایسه با سایر گروهها از سازگاری بیشتر در مقصد برخوردارند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است. $(X^2 = 105/11, df = 4, p = 0/004)$

جدول ۴-۱۸. رابطه سال ورود مهاجران به مقصد و سازگاری آنان با جامعه

میزبان

بررسی رابطهٔ وصلت بستگان مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس با اهالی جامعهٔ مقصد و سازگاری مهاجران در مقصد: همانگونه که ارقام مندرج در جدول ۴-۱۹ نشان می‌دهد ۲/۷ درصد یا ۹ نفر از مهاجرانی که بستگان آنها با اهالی جامعهٔ مقصد وثلت کرده اند از سازگاری کم، ۳۵/۵ درصد یا ۱۱۷ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۶/۱ درصد یا ۸۶ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. همچنین، ۱/۸ درصد یا ۶ نفر از مهاجرانی که بستگان آنها با اهالی جامعهٔ مقصد وصلت نکرده اند از سازگاری کم، ۲۳ درصد یا ۷۶ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۶/۷ درصد یا ۲۲ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. علاوه بر آن، ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجرانی که ازدواج بستگانشان با اهالی جامعهٔ مقصد اطلاعی ندارند از سازگاری کم، ۲/۴ درصد یا ۸ نفر از آنها از سازگاری متوسط، و ۱/۲ درصد یا ۴ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در مجموع، ارقام جدول بیانگر آن است که افرادی که بستگان آنها با اهالی جامعهٔ مقصد وصلت کرده اند در مقایسه با دیگران از سازگاری بیشتر برخوردارند. رابطهٔ آماری دو متغیر مورد مطالعه از لحاظ آماری معنی دار است. ($\chi^2 = 14/25, df = 4, p = 0/006$)

جدول ۴-۱۹. رابطهٔ آگاهی مهاجران جنگی از وصلت بستگانشان با اهالی جامعهٔ مقصد و سازگاری آنها

بررسی مشارکت مهاجران در فعالیتهای یا نهادهای مختلف جامعه مقصد و سازگاری آنها: ارقام مندرج در جدول ۴-۲۰ حاکی از آن است که ۰/۳ یا یک نفر از مهاجرانی که به باشگاه ورزشی می روند از سازگاری کم، ۷/۳ درصد یا ۲۴ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۹/۷ درصد یا ۳۲ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردار شده اند. همچنین، ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از مهاجرانی که در انجمن علمی و فرهنگی مشارکت می کنند از ساگاری متوسط، و ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجرانی که در انجمن خانه و مدرسه در استان فارس مشارکت دارند از سازگاری کم، ۵/۲ درصد یا ۱۷ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۴/۵ درصد یا ۱۵ نفر نیز از سازگاری کم، ۵/۲ درصد یا ۱۷ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۴/۵ درصد یا ۱۵ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از مهاجرانی که در اتحادیه صنفی مشارکت می کنند از سازگاری زاید برخوردارند. ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجرانی که در انجمن های اسلامی منشارکن می کنند از سازگاری متوسط و ۱/۲ درصد یا ۴ نفر از آنها از سازگاری زیاد برخوردارند. ۴/۲ درصد یا ۱۴ نفر از مهاجرانی که در هیچ کدام از نهادهای زیر شرکت نمی کنند از سازگاری کم، ۴۷ درصد یا ۱۵۵ نفر از

سازگاری متوسط و ۱۵/۵ درصد یا ۵۱ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در مجموع می توان گفت بین شرکت در فعالیتهای و نهادهای اجتماعی و سازگاری مهاجران در مقصد رابطه عکس وجود دارد. رابطه دومتغیر از لحاظ آماری معنی دار است. ($X^2 = 41/75, df = 10, p = 0/000$)

جدول ۴-۲۰. رابطه وضعیت مشارکت مهاجران در فعالیتهای و نهادهای اجتماعی و سازگاری آنان

بررسی وضعیت اولویت طرح مسائل و مشکلات بسیار خصوصی از سوی مهاجران با افراد مختلف و سازگاری آنان با مقصد: ارقام مندرج در جدول ۴-۲۱ نشان می دهد که ۱/۵ درصد یا ۵ نفر از مهاجرانی که مشکلات بسیار خصوص خود را در درجه اول با همسرشان در میان می گذارند از سازگاری کم، ۲۷/۲ درصد یا ۸۹ نفر از آنان از سازگاری متوسط و ۲۶ درصد یا ۸۵ نفر نیز از سازگاری زیاد با جامعه مقصد برخوردارند. در حالی که، ۲/۱ درصد یا ۷ نفر از مهاجرانی که مشکلات بسیار خصوصی خود را در مرتبه اول با برادر و خواهر خود مطرح می سازند از سازگاری کم، ۹/۵ درصد یا ۳۱ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲/۴ درصد یا ۸ نفر هم از سازگاری زیاد برخوردار شده اند. همچنین، ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجرانی که مسائل و مشکلات بسیار

خصوصی خود را در مرحله اول با فرزندان خود در میان می گذارند از سازگاری کم، ۸/۶ درصد یا ۲۸ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱/۲ درصد یا ۴ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. علاوه بر آن ۴/۳ درصد یا ۱۴ نفر از مهاجرانی که مشکلات بسیار خصوصی خود را در مرحله اول با دوستان خود مطرح می سازند از سازگاری متوسط و ۰/۹ درصد یا ۳ نفر از سازگاری متوسط و ۲/۱ درصد یا ۷ نفر نیز از سازگاری زیاد برخوردارند. در عین حال ۰/۶ درصد یا ۲ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی که مشکلات خصوصی خود را با هیچکدام از افراد یاد شده در میان نمی گذارند از سازگاری کم، ۸/۶ درصد یا ۲۸ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۱/۲ درصد یا ۴ نفر نیز از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. ضمناً ۳ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی هم از ابراز نظر خودداری کرده اند. در مجموع می توان گفت که رابطه این دو متغیر یاد شده از لحاظ آماری معنی دار و منفی است.

$$(X^2 = 48/64, df = 10, p = 0/000)$$

جدول ۴-۲۱. رابطه متغیر اولویت طرح مشکلات بسیار خصوصی از سوی مهاجران با افراد مختلف و سازگاری آنان با مقصد
 بررسی وضعیت استمرار کمکهای دولتی به مهاجران جنگی خوزستانی و سازگاری آنان در مقصد: همانگونه که ارقام موجود در جدول ۴-۲۲ نشان می

دهد. ۴/۳ درصد یا ۱۳ نفر از مهاجرانی که هنوز هم از کمکهای دولتی استفاده می کنند از سازگاری کم، ۳۴/۱ درصد یا ۱۳۳ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۵/۶ درصد یا ۱۷ نفر نیز از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. اما ۷ درصد یا ۲ نفر از مهاجران جنگی خوزستانی که تا زمان تحقیق هیچ گونه کمکی از دولت دریافت نیم کردند از سازگاری کم، ۲۸/۵ درصد یا ۸۶ نفر از آنها از سازگاری متوسط و ۲۶/۸ درصد یا ۸۱ نفر نیز از سازگاری زیاد در مقصد برخوردارند. در یک نگاه کلی نیز می توان گفت مهاجران جنگی خوزستاین مقیم فارس که در حال حاضر از دولت کمکی دریافت نمی کنند در مقایسه با مهاجران جنگی که متکی به کمکهای دولتی هستند از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردار شده اند. رابطه دو متغیر مورد مطالعه در اینجا از لحاظ آماری معنی دار است. چون $(X^2 = 47/77, df = 2, p = 0/000)$ است.

جدول ۴-۲۲. رابطه استمرار کمکهای دولتی به مهاجران جنگی و سازگاری آنان در مقصد

تحلیل رگرسیون

تحلیل رگرسیون یک روش آماری است که طی آن واریانس متغیرها، یا متغیر وابسته بر اساس متغیر با متغیرهای مستقل تبیین می شود. تحلیل رگرسیون

را می توان به « تحلیل رگرسیون ساده» و « تحلیل رگرسیون چند متغیری» یا چند گانه^۱ تقسیم کرد. در رگرسیون ساده تغییرات متغیر Y از طریق متغیر X بر آورد می شود و در رگرسیون چند متغیری واریانس Y بر اساس مشارکت و ترکیب خطی دو یا چند متغیر مستقل ($X_1, X_2, X_3, \dots, X_k$) مورد تحلیل و تبیین قرار می گیرد. بدین ترتیب وظیفه رگرسیون تبیین و پیش بینی است.

رگرسیون چند متغیری هم مانند هر روش آماری دیگر مبتنی بر مفروضاتی است که باید محقق از آنها آگاه باشد. این مفروضات عبارت اند از:

اول، در تحلیل رگرسیون فرض بر این است که نمره های Y برای هر ارزش X به صورت نرمال توزیع شده اند (این مفروض برای نمره های X ضروری است).

دوم، فرض بر این است که واریانس نمره های Y در همه نقاط X برابر است. بنابراین؛ فرض بر این است که نمره های Y در همه نقاط X به صورت نرمال توزیع شده اند و، در عین حال، دارای واریانس برابرند (ساعی، ۱۳۷۷: ۶۸-۶۷).

رگرسیون رابطه نزدیک با همبستگی دارد. بدین معنا که برای انجام رگرسیون، باید ضریب همبستگی را محاسبه کرد. میان متغیرهای مرد مطالعه همبستگی وجود داشته باشد، می توان از رگرسیون برای آزمون فرضیه های تحقیق استفاده کرد. هر چه همبستگی میان متغیرها قوی تر باشد، پیش بینی نیز دقیق

^۱Multiple Regression

تر می شود. فرق رگرسیون با ضریب همبستگی آن است که رگرسیون پیش بینی می کند، ولی ضریب همبستگی میزان وابستگی دو متغیر را با هم بررسی می کند. علامت ضریب همبستگی در تحلیل رگرسیون R و مجذور آن R^2 است. اندازه های R و R^2 ، خصوصاً R^2 به وضوح مقدار رابطه را نشان می دهد (همان: ۵۷). هنگام پیش بینی با استفاده از چند متغیر در معادله رگرسیون می توان برای ارزیابی اینکه این مجموعه از متغیرها با چه دقتی نمره یا مقدار واقعی متغیر وابسته افراد را پیش بینی می کنند، از ضریب همبستگی چند متغیره یعنی R استفاده کرد. تفسیر R نیز مانند ضریب همبستگی دو متغیره یعنی r است (کرلینجر، ۱۳۶۶: ۲۲۱). اما آنها با یکدیگر تفاوتی دارند که مهم ترین آنها عبارت اند از:

۱. R بیانگر رابطه میان دو یا چند متغیر است، ولی r بیانگر رابطه میان دو متغیر X و Y است.
۲. ضریب همبستگی R بر اساس نمره های متغیر وابسته مشاهده شده (y) و نمره های پیش بینی شده (y') محاسبه می شود. y' متغیر جدیدی است که از ترکیب خطر متغیرهای ($x_1, x_2, x_3, \dots, x_k$) ساخته سم شود.
۳. در R رابطه به صورت « اگر P پس Q یا اگر x_3 و x_2 و x_1 پس Y » است؛ در حالی که، در r چنین رابطه ای وجود ندارد.

۴. دامنه تغییرات R بین یک و صفر، $0 \leq R \leq 1$ و مقدار r بین $+1$ و -1 است.

۵. r ضریب همبستگی ساده است و R معادل ضریب همبستگی چندگانه است (ساعی، ۱۳۷۷: ۱۷۲). ضریب تعیین R^2 ، نسبیته از واریانس متغیر Y را که توسط متغیرهای X_1, X_2, \dots, X_k به حساب آمده است، معلوم می کند. در هر معادله رگرسیون خطی ساده که به صورت $Y = a + bx$ نشان داده می شود.

$a =$ عبارت عرض از مبدأ؛

$b =$ ضریب رگرسیون یا شیب خط است. این معادله، میزان تغییرات در Y را در ازای یک واحد تغییر در X نشان می دهد. یا به تعبیر دیگر، ضریب تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته. $Beta$: ضریب تأثیر متغیر استاندارد شده بر متغیر وابسته. برای تبیین واریانس متغیر وابسته، یکی از دو ضریب B و $Beta$ مورد استفاده قرار می گیرد. البته معمولاً از ضریب $Beta$ بیشتر استفاده می شود. ضمن اینکه به سطح معنی داری نیز باید توجه شود.

مقدار F و سطح معنی داری آن نشان دهنده معنی داری کل معادله رگرسیون است (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۴۶).

محاسبه تکنیک تحلیل رگرسیون چند متغیری

در تحلیل رگرسیون چند متغیری از دو تکنیک ۱. روش جبری^۷ و روش پس رونده^۸ استفاده شده است.

تحلیل رگرسیون به روش جبری

همان گونه که پیشتر بیان شد، به طور کلی، رگرسیون مختص متغیرهای فاصله ای است. با وجود ایت، در موارد خاصی می توان از تحلیل رگرسیون ظاهری یعنی dummy regression Analysis برای متغیرها مستقل اسمی یا ترتیبی سود جست (دواس، ۱۳۷۶: ۱۸۶). بر این اساس، در این تحقیق علاوه بر متغیرهای فاصله ای، بعضی از متغیرهای اسمی و رتبه ای که قابلیت تبدیل به متغیر ظاهری را داشته اند، وارد معادله رگرسیون شده اند.

معادله رگرسیون:

$$R(r) = 0/571$$

$$R^2 = 0/327$$

$$R^2 (\text{تعدیل شده}) = 0/288$$

$$SE = 17/137$$

آنالیز واریانس:

^۷Enter

^۸Backward

F=0/000 معنی داری

F=8/397

متغیر های موجود در معادله

با توجه به مقادیر ذکر شده در بالا می توان گفت، ضریب همبستگی چندگانه (چند متغیر) برابر است با $R=0/571$. این مقدار ضریب نشان دهنده رابطه تقریباً خوب بین متغیر سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در مقصد (Y)، با ۱۸ متغیر وارد شده به معادله رگرسیون است. البته این ضریب هر قدر به ۱ نزدیک تر شود، میزان وابستگی متغیر وابسته به متغیرهای مستقل، بیشتر خواهد بود. میزان خطای معیار یا خطاهای همبستگی برابر $SE=17/137$ است. این شاخص نشان دهنده میزان قدرت پیش بینی معادله رگرسیون چند متغیری است.

ضریب تعیین نیز در اینجا برابر $R^2=0/327$ است. این عدد بیانگر این واقعیت است که ۳۲/۷ درصد تغییرات متغیر وابسته سازگاری به ۱۸ متغیر مستقل مذکور در بالا مربوط است و ۶۷/۳ درصد بقیه به سایر عوامل مربوط می شود.

آنالیز واریانس نیز انجام شده است و مقدار F یعنی نسبت میانگین واریانس رگرسیون به میانگین واریانس باقی مانده محاسبه شده، برابر با $F=8/397$ و

معنی دار F برابر با ۰/۰۰۰ است. در نتیجه معادله کلی خط رگرسیون عبارت است از:

با توجه به Bهای محاسبه شده (علامت B ها) ملاحظه می شود که اثر متغیر های مستقل جنس مهاجر در مقصد، مدرک تحصیلی مهاجر در مقصد (X_5) بعد خانوار مهاجر در مقصد (X_{10})، تعداد اتاقهای منزل مسکونی مهاجر در مقصد (X_{13})، تعداد اتاقهای منزل مسکونی مهاجر در مبدأ (X_{15})، مقایسه وضع مسکن مهاجر در مقصد با مبدأ (X_{16})، درآمد مهاجر دذر مقصد (X_{17})، سال ورود مهاجر به مقصد (X_{22}) و تداوم کمکهای دولتی تا کنون (X_{90})، روی متغیر سازگاری مهاجر در مقصد (Y) مستقیم بوده است، در صورتی که سایر متغیرهای مستقل در معادله چنین حالتی ندارند و به دلیل علامت منفی B های آنها اثر معکوس بر متغیر وابسته دارند.

معادله بدست آمده در بالا نسبت به دستگاه محور های مختصات عادی است. می توان آن را به معادله دستگاه استاندارد تبدیل کرد. زیرا بیان معادله همبستگی بر حسب صفات استاندارد یا به عبارت دیگر بیان معادله همبستگی در دستگاه استاندارد، نه تنها ضرایب آن معادله را با همدیگر قابل مقایسه می

کند، بلکه فرمولهای مشخص کننده آماری و خود معادلات را نیز ساده تر می سازد.

صورت کلی معادله همبستگی در دستگاه استاندارد عبارت است از:

حال با استفاده از $B(\text{Beta})$ های به دست آمده، مقادیر آنها را در جای خودشان قرار می دهیم، در نتیجه خواهیم داشت:

از طرفی B ها تأثیر هر متغیر مستقل را به طور جداگانه از متغیرهای مستقل دیگر بر متغیر وابسته یعنی سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در مقصد نشان می دهد بنابراین اندازه ها خالص و استاندارد است. لازم به یادآوری است که $Beta$ های مثبت اثر مستقیم و $Beta$ های منفی اثر معکوس بر متغیر وابسته سازگاری دارند. با توجه به این نکته مشخص می شود که از بین ضرایب، $Beta$ های مربوط به متغیر «تداوم کمکهای دولتی تا کنون»، «سن مهاجر در مقصد»، «وضعیت اقتصادی مهاجر در مقصد»، «وضع اشتغال مهاجر در مقصد»، «وضع تأهل مهاجر در مقصد»، «آشنایی قبلی با محیط مقصد» و «مقایسه وضع مسکن مهاجر در مقصد با مبدأ» روی متغیر وابسته سازگاری مهاجران جنگی در مقصد در مقایسه با سایر متغیرهای مستقل وارد شده به معادله بیشتری تأثیر را داشته اند.

۳. تحلیل رگرسیون به روش پس رونده

در این روش ابتدا کلیه متغیرهای مستقل به روش جبری وارد معادله می شوند، سپس به ترتیب متغیری که کمترین تأثیر و سطح معنی داری را دارد، از معادله خارج می شود، پس از خروج هر متغیر، پارامترهای معادله رگرسیون با متغیرهای باقی مانده محاسبه و تنظیم می شود، و به همین ترتیب خروج متغیرهای فاقد سطح معنی داری قابل قبول و تعیین شده، ادامه می یابد، و متغیرهایی در معادله باقی می مانند که دارای حداقل سطح معنی داری مورد قبول تحقیق باشند (کرلینجر، ۱۳۷۶: ۵).

معادله رگرسیون:

متغیرهای مستقل متغیر وابسته

همان ۱۸ متغیری که در روش جبری وارد

معادله رگرسیون شدند، به همان ترتیب در

سازگاری

معادله رگرسیون به روش پس رونده وارد

شده اند

محاسبات مربوط بدین شرح است:

$$R(r) = 0/571$$

$$R^2 = 0/327$$

$$R^2 = 0/288 \text{ (تعدیل شده)}$$

$$SE = 17/137$$

آنالیز واریانس:

باملاحظه ارقام فوق می توان نتیجه گرفت که ضریب همبستگی چند متغیره معادل $R = 0/571$ استو این مقدار از ضریب نشان دهنده یک رابطه نسبتاً خوب بین متغیر وابسته سازگاری (Y) با ۱۸ متغیر مستقل وارد شده به معادله رگرسیون است. میزان خطای معیار یا خطاهای همبستگی برابر $SE = 17/137$ است. این شاخص نشان می دهد قدرت پیش بینی معادله رگرسیون چند متغیری است.

ضریب تعیین نیز در اینجا برابر $R^2 = 0/327$ است. این مقدار نشان دهنده آن است که ۳۲/۷ درصد تغییرات متغیر و وابسته سازگاری، مربوط به ۱۸ متغیر مستقل یاد شده، و ۶۷/۳ درصد به سایر عوامل مربوط است.

آنالیز واریانس نیز انجام شده است و مقدار F یعنی نسبت میانگین واریانس رگرسیون به میانگین واریانس باقی مانده محاسبه شده برابر با $F = 8/397$ و معنی دار F برابر با ۰/۰۰۰ است. در نتیجه معادله کلی خط رگرسیون عبارت است از:

با توجه به Bهای محاسبه شده (علامت B ها) مشاهده می شود که اثر متغیر های مستقل جنس مهاجر در مقصد X_3 ، مدرک تحصیلی مهاجر در مقصد (X_5) بعد خانوار مهاجر در مقصد (X_{10})، تعداد اتاقهای منزل مسکونی مهاجر در مقصد (X_{13})، تعداد اتاقهای منزل مسکونی مهاجر در مبدأ (X_{15})، مقایسه وضع مسکن مهاجر در مقصد با مبدأ (X_{16})، درآمد مهاجر دذر مقصد (X_{17})، سال ورود مهاجر به مقصد (X_{22}) و تداوم کمکهای دولتی تا کنون (X_{90})، روی متغیر سازگاری مهاجر در مقصد (Y) مستقیم است، در صورتی که سایر متغیرهای مستقل در معادله چنین حالتی ندارند و به دلیل علامت منفی B های آنها بر متغیر وابسته سازگاری اثر معکوس دارند.

معادله حاصل، نسبت به دستگاه محورهای مختصات عادی است. می توان آن را به معادله در دستگاه استاندارد تبدیل کرد. بر این اساس صورت کلی این معادله به شکل زیر است:

با توجه به موجود بودن B ها و قرار دادن مقادیر مربوطه در معادله کلی در دستگاه استاندارد خواهیم داشت:

از طرفی چون B ها تأثیر هر متغیر مستقل را جدا از متغیرهای مستقل دیگر بر متغیر وابسته یعنی سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در مقصد نشان می دهد، اندازه ها خالص و استاندارد است. لازم به ذکر است که B های مثبت اثر مستقیم و B های منفی اثر معکوس متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته نشان می دهند.

با توجه به محاسبات انجام شده با روش پس رونده طی مراحل مختلف به ترتیب متغیرهای مستقل استفاده از کمکهای دولت در بدو ورود به مقصد (X₈₈) تعداد فرزندان مهاجر در مقصد (X₁₁)، سال ورود مهاجر به مقصد (X₂₂)، بعد خانوار مهاجر در مقصد (X₁₀)، مدرک تحصیلی مهاجر در مقصد (X₅)، وصلت بستگان در و نزدیک با اهالی مقصد (X₄₃)، جنس مهاجر در مقصد (X₃) و تعداد اتاق منزل مسکونی مهاجر در مقصد (X₁₃) به دلیل عدم برخورداری از سطح معنی داری لازم از معادله کنارگذاشته شده اند و در نهایت متغیرهای زیر در معادله باقی مانده اند. ضمن آنکه پارمترهای معادله رگرسیون با متغیرهای باقی مانده محاسبه و تنظیم شده اند.

$$R(r) = 0/561$$

$$R^2 = 0/315$$

$$R^2 \text{ (تعدیل شده)} = 0/293$$

$$S_E = 17/069$$

آنالیز واریانس:

متغیر های موجود در معادله

بدین ترتیب بهترین برازش بین سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی در فارس و ترکیب خطی ده متغیر مستقل تداوم کمکهای دولتی تا کنون (X_{90})، تعداد اتاقهای مسکونی مهاجر در مبدأ (X_{15})، وضع تأهل مهاجر در مبدأ (X_8)، مقایسه وضع مسکن مهاجر در قصد با مبدأ (X_{16})، آشنایی قبلی مهاجر با محیط مقصد (X_{19})، درآمد مهاجر در مقصد (X_{17})، وضع تأهل مهاجر در مقصد (X_9)، سن مهاجر در مقصد (X_4)، وضع اشتغال مهاجر (X_6)، وضعیت اقتصادی مهاجر (X_2)، از لحاظ آماری چنین است:

برای معادله رگرسیون فوق نیز آزمون آنالیز واریانس محاسبه شده است، و مقدار F برابر با $4/683$ و معنی داری F نیز $0/000$ است. این عدد نشان می دهد که قطعاً متغیر سازگاری با ده متغیر مستقل مذکور رابطه خطی مستقیمی دارد.

طبیعی است احتمال اینکه نسبت F به این بزرگی به طرو تصادفی به دست آید، فوق العاده کم است.

ضریب همبستگی چند متغیری $R=0/561$ را می توان مانند ضریب همبستگی یک متغیری تفسیر کرد ($0 \leq R \leq 1$) و مقدار ضریب تعیین $R^2=0/315$ است. معنای این کمیت نیز بیانگر این است که تقریباً $31/5$ درصد واریانس متغیر سازگاری (Y) مهاجران جنگی خوزستانی مقیم فارس توسط یک ترکیب خطی از متغیرهای مستقل باقی مانده در معادله رگرسیون ناشی می شود. اگر چه در تحلیل با رگرسیون با 18 متغیر مستقل تقریباً $32/7$ درصد تغییرات سازگاری (Y) با 18 متغیر مستقل یاد شده مربوط بود. یعنی در واقع با اضافه شدن 8 متغیر مستقل، قدرت پیش بینی فقط $1/3$ درصد بالا می رود. معادله استاندارد شده با 10 متغیر مستقل یاد شده عبارت است از:

از آنجا که ضرایب Z ها (B ها) با ضریب همبستگی رابطه نزدیک دارند لذا B های محاسبه شده نشانگر این حقیقت اند که متغیرهای تداوم کمکهای دولتی تا کنون (X_{90}) و سن مهاجر در مقصد (X_4) به ترتیب سهم بیشتر و اصلی تری در تبیین متغیر سازگاری (Y) دارند. البته چون علامت B_2 مثبت و B_1 منفی است در نتیجه می توان گفت رابطه متغیر وابسته سازگاری با متغیر مستقل

تداوم کمکهای دولتی تا کنون به طور مستقیم و یا سن مهاجر در مقصد معکوس است. همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد Bهای مثبت رابطه مستقیم و Bهای منفی رابطه معکوس متغیر های مستقل با متغیر وابسته سازگاری را نشان می دهند.

در یک جمع بندی کلی می توان گفت همبستگی متغیرهای مستقل با متغیر وابسته سازگاری بر اساس روش رگرسیون پس رونده چنین است:

نمودار ۴-۱ تحلیل رگرسیون به روش پس رونده

البته علاوه بر متغیرهای مستقل فوق، برخی از متغیر های مستقل به دلیل سطح سنجش آنها (اسمی و رتبه ای بودن) امکان تبدیل به متغیرها ظاهری را نداشته اند. لذا امکان ورود به معادله رگرسیون را نداشته اند و تنها به تشکیل جداول تقاطعی و تفسیر آن جداول اکتفا شده است.

فصل پنجم

خلاصه و نتیجه گیری

خلاصه و نتیجه گیری

الف- هدف و اهمیت تحقیق

۱. هدف این مطالعه بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر سازگاری مهاجران جنگی خوزستانی مقیم شهر های شیراز، فسا و کازورن در استان فارس بوده است.

۲. اهمیت مطالعه، از دو جنبه بنیادی و کاربردی است. یعین از یک سو با محک زدن نظریه هیا موجود به بومی کردن آنها کمک می شود و از سوی دیگر، سعی شده است راه حل های منطقی مبتنی بر مطالعات علمی برای مشکلات اجتماعی ارائه شود.

ب- مفاهیم و نظریه ها

۱. جامعه شناسان علوم اجتماعی واژگان و مفاهیم مختلفی برای بیان فرآیند سازگاری به کار برده اند که با وجود برخی از تفاوتها، دارای اشتراک معنایی زیادی با یکدیگرند. این واژگان عبارت اند از: انطباق، همسازی، سازگاری، همانندگردی، فرهنگ پذیری و انسجام.

۲. در زمینه توصیف و تبیین فرآیند سازگاری مهاجران در مقصد نظریه های گوناگونی از سوی نظریه پردازان مختلف ارائه شده است. هر کدام از این نظریه ها از منظر خاص به تبیین فرآیند سازگاری مهاجران در مقصد و

عوامل مؤثر بر آن پرداخته اند. مهم ترین این نظریه های عبارت اند از: کارکردگرایی، حاشیه نشینی، سازگاری بین فرهنگی و وابستگی.

بر اساس نظریه کارکردگرایی، مهاجر در ابتدا وارد یک ساخت اجتماعی از قبل شکل گرفته می شود. این ساخت در بسیاری از موارد، از لحاظ اندازه و تراکم از مبدأ بزرگ تر، و از تقسیم کار پیچیده تری برخوردار است. ابتدا ساخت مقصد مهاجر را در خود جذب و سپس با خود همانند می کند. مهاجر پس از همانند گردی با محیط به یگانگی با آن نایل می شود.

بدین ترتیب نظریه پردازان کارکردگرایی اعتقاد دارند نظام مقصد در نهایت مهاجر و نسلهای پاگرفته از او را به عنوان عضای دائمی خود با ویژگیهای اقتصادی و اجتماعی همانند سایر اعضای خود می پذیرد.

نظریه حاشیه نشینی، بیشتر به پدیده انزوای اجتماعی مهاجران در مقصد یعنی حاشیه نشینی می پردازد، فرد مهاجر را انسان حاشیه نشین یا بیگانه ای می داند که هیچ گاه به طور کامل جذب محیط مقصد نمی شود.

نظریه هیا سازگاری بین فرهنگی، بر اهمیت ارتباطات، ایجاد اعتماد و اطمینان متقابل بین مهاجران و میزبانان، تقویت نگرش و درک متقابل بین آنها و ... تأکید می کنند. در حالی که، نظریه وابستگی، بر عدم سازگاری مهاجران با نظام مقصد و تقویت توسعه ناموزون و افزایش تنش و تضاد میان مهاجران و اهالی

جامعه مقصد و تحرک نزولی و استثمار مهاجران در کشورهای جهان سوم اشاره می کند.

در نهایت در تدوین چهار چوب نظری تحقیق از جنبه های متناسب با موضوع مورد بحث مطالعه نظریه های یاد شده استفاده شده است و در جاهایی که کاستی هایی وجود داشته، سعی شده با مطالب مناسب این کمبود ها مرتفع شود.

جداول تقاطعی

۱. رابطه متغیر مستقل « وضعیت اقتصادی» با شهر محل زندگی معنی دار است. بدین معنی که افراد دارای وضعیت اقتصادی خود کفا، شهر شیراز و آنهایی که وابسته به کمک های دولتی برای گذراندن زندگی خود هستند، علاوه بر شیراز، شهر های فسا و کازرون را برای سکونت انتخاب کرده اند.

۲. رابطه دو متغیر نوع شغل و شهر محل زندگی معنی دار است. افراد دارای مشاغلی با سطح بالاتر بیشتر شهر شیراز را برای سکونت انتخاب کرده اند.

۳. رابطه دو متغیر وضعیت مالکیت محل مسکونی و انتخاب شهر محل زندگی دی مقصد معنی دار است. مهاجران ساکن کازرون در مقایسه با مهاجران ساکن شهرهای شیراز و فسا، بیشتر دارای منزل مسکونی شخصی هستند.

۴. رابطه لهجه و زبان مهاجران جنگی و انتخاب شهر محل زندگی معنی دار است. البته مهاجران عرب زبان بیشتر شیراز و فسا را برای سکونت انتخاب کرده اند. احتمالاً علت این امر مهاجر پذیر بودن این شهرها است.

۵. رابطه دو متغیر آشنایی قبلی مهاجران جنگی و انتخاب شهر محل زندگی معنی دار است. به غیر از شهر فسا بیشتر افراد مهاجر به دو شهر شیراز و فسا، قبل از جنگ و مهاجرت، با این شهرها آشنا بوده اند.

۶. رابطه دو متغیر سطح تحصیل مهاجران جنگی و شهر محل سکونت در مقصد معنی دار است. در واقع بیشترین افراد دارای مدرک تحصیلی دیپلم به بالا شیراز را برای سکونت خود انتخاب کرده اند.

۷. رابطه دو متغیر زمان مهاجرت و انتخاب شهر محل زندگی در مقصد معنی دار است. بدین ترتیب که اغلب مهاجران در سال ۱۳۵۹ و به شیراز مهاجرت و آن را برای سکونت خود انتخاب کرده اند.

۸. رابطه دو متغیر وضعیت اقتصادی مهاجران و احساس دل‌بستگی آنها به محل سکونت قبلی شان (مبدأ)، معنی دار است. بدین ترتیب که بیشتر افرادی که از لحاظ اقتصادی وابسته به کمک های دولتی هستند، در مقایسه با عده ای که از این حیث خود کفا و مستقل اند. کمتر به محل زندگی قبلی خود دل‌بستگی

دارند. شاید علت این امر وضع نا به سامان این قبیله از مهاجران باشد که مانع هرگونه دلبستگی و وابستگی به محل زندگی قبلی آنها می شود.

۹. رابطه متغیر وضعیت اقتصادی مهاجران و رضایت مهاجران از زندگی به طور کلی معنی دار است. بدین ترتیب که بیشتر افراد دارای وضعیت خود کفا و مستقل از نظر نحوه گذران زندگی، از زندگی خود به طور کلی راضی هستند.

۱۰. رابطه متغی وضعیت اقتصادی مهاجران با رضایت آنان از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار است. رضایت از امور مختلف شامل رضایت از وضع سلامت، وضع مالی، شهر محل زندگی، وضع خانوادگی، وضع مسکن، وضع تغذیه، شانس و اقبال و زندگی به طور کلی است. در مجموع گروهی از لحاظ اقتصادی خود کفا هستند در مقایسه با عده ای که به کمک های دولتی وابسته اند از رضایت بیشتری در امور مختلف زندگی برخوردارند.

۱۱. رابطه متغیر اقتصادی مهاجران با استفاده آنها از رسانه های محلی معنی دار است. رسانه های محلی شامل تلویزیون، رادیو، روزنامه، مجله و سینما است. مهاجران خودکفا در مقایسه با مهاجران وابسته به کمک های دولتی از رسانه های محلی استفاده بیشتری می کنند.

۱۲. رابطه متغیر وضعیت اقتصادی مهاجران با میزان تمایل آنان به مشارکت در مراسم مذهبی و اجتماعی فارسی های معنی دار و مثبت است. مراسم شامل

رفتن به مجالس روضه خوانی، خواندن نماز جماعت در مسجد، زیارت اماکن مذهبی، رفتن به مجالس برگزاری دعای کمیل، شرکت در مراسم سینه زنی، شرکت در نماز جمعه، شرکت در مراسم عروسی و شرکت در میهمانی های فارسی ها است. در مجموع، مهاجران خود کفا در مقایسه با مهاجران وابسته کمک های دولتی برای گذراندن زندگی در مراسم مذهبی و اجتماعی فارسی ها بیشتر شرکت می کنند.

۱۳. رابطه وضعیت اقتصادی مهاجران با نحوه نگرش آنان به خصوصیات مختلف فارسی ها معنی دار و منفی است. خصوصیات مورد نظر شامل با گذشت بودن، تنبل بودن، راستگو و صادق بودن، پای بند اخلاق بودن، دورو بدون، فعال بودن، متقلب بودن و مهمان نواز بودن فارسی ها است. در مجموع، مهاجران دارای وضعیت اقتصادی وابسته، در مقایسه با مهاجران خود کفا به دلیل حمایت های مختلف ارگان ها و اهالی فارس به آنها نگرش مثبت تری دارند.

۱۴. رابطه دو متغیر وضعیت اقتصادی مهاجران و رضایت شغلی آنها معنی دار و مثبت است. رضایت شغلی شامل سرگرم کنندگی شغل، تصور بد از شغل، لذت بردن از شغل بیش از اوقات فراغت؛ عدم جاذبه شغل، جذابیت شغل، ناراحت بودن از شغل، موفق بودن در شغل در مقایسه با همکاران، دلزدگی از

شغل، یافتن لذت واقعی در کار و دچار افسردگی شدن در هنگام اشتغال به کار است. در مجموع، مهاجران خود کفا در مقایسه با مهاجران وابسته رضایت شغلی بیشتری برخوردارند.

۱۵. رابطه جنس مهاجران و رضایت آنان از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار است. بدین معنی که زنان در مقایسه با مردان رضایت کمتری دارند.

۱۶. رابطه جنس مهاجران و میزان استفاده آنها از رسانه های محلی معنی دار و منفی است. یعنی زنان در مقایسه با مردان، کمتر از رسانه های محلی استفاده می کنند.

۱۷. رابطه جن مهاجران و نگرش آنان به ویژگی ها و خصوصیات اهالی فارس معنی دار و مثبت است. یعنی مردان در مقایسه با زنان از نگرش مثبت تری به خصوصیات اهالی مقصد برخوردارند.

۱۸. رابطه جنس مهاجران و رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. در مجموع زنان در مقایسه با مردان از رضایت شغلی کمتری در مقصد برخوردار شده اند.

۱۹. رابطه سن مهاجران و رضایت آنان از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و منفی است یعنی جوان ترها در مقایسه با مهاجران دارای سن بیشتر، از رضایت بیشتری برخوردارند.

۲۰. رابطه متغیر گروه های سنی و متغیر استفاده از رسانه های جمعی محلی معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران جوان تر در مقایسه مهاجران دارای سن بالا از رسانه های جمعی محلی بیشتر استفاده می کنند.

۲۱. رابطه متغیر گروه های سنی و متغیر نگرش آنان به ویژگی های اهالی جامعه مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی گروه های سنی مسن تر در مقایسه با گروه سنی جوان از نگرش مثبت تری به خصوصیات اهالی مقصد برخوردار هستند.

۲۲. رابطه متغیر گروه های سنی و متغیر رضایت شغلی مهاجران معنی دار و منفی است. یعنی گروه سنی جوان در مقایسه با گروه های سنی بالاتر از رضایت شغلی بیشتری برخوردارند.

۲۳. رابطه متغیر مدرک تحصیلی مهاجران با رضایت آنها از امور مختلف زندگی معنی دار و مثبت است. یعنی با افزایش سطح تحصیل مهاجران، بر میزان رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد افزوده می شود.

۲۴. رابطه میزان تحصیلات مهاجران با میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی محلی معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیل مهاجران بر میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی محلی افزوده می شود.

۲۵. رابطه میزان تحصیلات مهاجران با تمایل آنها به مشارکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی با افزایش میزان تحصیلات مهاجران تمایل آنها به شرکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد بیشتر می شود.

۲۶. رابطه میزان تحصیلات مهاجران با نگرش آنان به خصوصیات اهالی جامعه مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، هر چه بر میزان تحصیلات مهاجران افزوده می شود، نگرش منفی تری به خصوصیات اهالی جامعه مقصد پیدا می کنند.

۲۷. رابطه میزان تحصیلات مهاجران با رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی با افزایش سطح تحصیل مهاجران، بر رضایت شغلی آنها افزوده می شود.

۲۸. رابطه متغیر میزان تحصیلات مهاجران با رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، با افزوده شدن سطح تحصیل مهاجران از رضایت آنها به امور مختلف زندگی در مقصد کاسته می شود.

۲۹. رابطه متغیر وضعیت اشتغال مهاجران با متغیر میزان استفاده از رسانه های جمعی محلی معنی دار و منفی است. یعنی، هر چه بر سطح تحصیل

مهاجران اضافه می شود، از میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی کاسته می شود.

۳۰. رابطه وضعیت اشتغال مهاجران و تمایل آنها به شرکت در مراسم مذهبی- اجتماعی فارسی ها معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، با افزایش سطح تحصیل مهاجران، از تمایل مهاجران به شرکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد کاسته می شود.

۳۱. رابطه وضعیت اشتغال مهاجران با نحوه نگرش اهالی جامعه مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی مهاجران شاغل در مقایسه با سایرین نگرش مثبت تری به ویژگی های اهالی جامعه مقصد از خود بروز داده اند.

۳۲. رابطه وضعیت اشتغال مهاجران با رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، شاغالان در مقایسه با سایر گروه های از رضایت شغلی کمتری در مقصد برخوردارند.

۳۳. رابطه نوع شغل مهاجران با رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی صاحبان مشاغل عالی تر از رضایت کمتری در امور مختلف زندگی در مقصد برخوردار شده اند.

۳۴. رابطه نوع شغل مهاجران با میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی محلی معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، مشاغل عالی تر از رسانه های محل استفاده کمتری می کنند.

۳۵. رابطه نوع شغل مهاجران و تمایل آنها به مشارکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران دارای مشاغل عالی تر تمایل کمتری برای مشارکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی مقصد از خود بروز داده اند.

۳۶. رابطه نوع شغل مهاجران با نحوه نگرش آنها به خصوصیات اهالی جامعه مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر، مهاجران دارای مشاغل عالی تر نگرش مثبت تری در مورد خصوصیات اهالی جامعه مقصد داشته اند.

۳۷. رابطه نوع شغل مهاجران با رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران دارای مشاغل عالی تر از رضایت شغلی کمتری در مقصد برخوردارند.

۳۸. رابطه بعد خانوار مهاجران با میزان استفاده از رسانه های جمعی محلی معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر، با افزایش بعد خانوار مهاجران، بر میزان استفاده آنها از رسانه های محلی افزوده می شود.

۳۹. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مقصد با میزان رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی افراد دارای منزل مسکونی دولتی علی رغم پرداخت نکردن اجاره بها در مقایسه با سایر انواع مالکیت منزل مسکونی (شخصی، اجاره ای و رهنی) از رضایت کمتری در امور مختلف زندگی در مقصد برخوردار شده اند.

۴۰. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مقصد با میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی محلی در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، مهاجران ساکن منازل مسکونی دولتی در مقایسه با انواع دیگر منزل مسکونی، از رسانه های جمعی محلی استفاده کمتری می برند.

۴۱. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران و تمایل آنها به شرکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد معین دار و منفی است. به عبارات دیگر، مهاجران ساکن منازل مسکونی دولتی در مقایسه با انواع دیگر محل های مسکونی تمایل کمتری برای شرکت در مراسم مذهبی- اجتماعی از خود بروز داده اند.

۴۲. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران با نگرش آنها به ویژگی های اهالی مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی مهاجران دارای منزل مسکونی دولتی و شخصی از نگرش مثبت تری به ویژگی های اهالی مقصد برخوردارند.

۴۳. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران و رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، مهاجران ساکن منازل مسکونی دولتی در مقصد در مقایسه با سایر انواع منازل مسکونی، از رضایت شغلی کمتری برخوردارند.

۴۴. رابطه مالکیت منزل مسکونی مهاجران در قبل از جنگ و مهاجرت با رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران دارای منزل مسکونی دولتی در مبدأ از رضایت کمتری در مقصد برخوردارند.

۴۵. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مبدأ با میزان استفاده آنها از رسانه های محلی در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، مهاجران دارای منزل مسکونی دولتی در مبدأ در قیاس با مهاجران دارای انواع دیگر منازل مسکونی کمتر از رسانه های محلی استفاده می کنند.

۴۶. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مبدأ با تمایل آنها به مشارکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی جامعه مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران ساکن منازل مسکونی دولتی در مبدأ در مقایسه با مهاجران دارای انواع دیگر منازل مسکونی تمایل کمتری به مشارکت در مراسم مذهبی- اجتماعی اهالی مقصد دارند.

۴۷. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مبدأ و نوع نگرش آنها به خصوصیات اهالی مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر، مهاجران دارای منزل مسکونی دولتی در مقایسه با مهاجران دارای سایر انواع منزل مسکونی نگرش مثبت تری به ویژگی های اهالی مقصد دارند. در عین حال، کلیه مهاجران در مجموع از چنین نگرشی نسبت به اهالی مقصد برخوردارند.

۴۸. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مبدأ با رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران دارای منزل مسکونی دولتی در مقایسه با مهاجران دارای دیگر انواع منزل مسکونی از رضایت شغلی کمتری در مقصد برخوردارند.

۴۹. رابطه درآمد مهاجران و رضایت از امور مختلف زندگی در مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارات دیگر، با افزایش درآمد، بر رضایت آنها از امور مختلف زندگی در مقصد افزوده می شود.

۵۰. رابطه درآمد هاجران جنگی با میزان استفاده از رسانه های جمعی محلی معنی دار و مثبت است. یعنی هرچه درآمد مهاجران در مقصد افزایش پیدا می کند، میزان استفاده آنها از رسانه های محلی بیشتر است.

۵۱. رابیه درآمد مهاجران جنگی با نحوه نگرش آنها به اهالی جامعه مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، با افزایش درآمد مهاجران در مقصد، نگرش مهاجران به خصوصیات اهالی جامعه مقصد منفی می شود.

۵۲. رابطه درآمد مهاجران جنگی با رضیت شغلی آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی با افزایش درآمد مهاجران در مقصد بر رضایت شغلی آنها در جامعه مقصد افزوده می شود.

۵۳. رابطه لهجه و زبان مهاجران با میزان استفاده آنها از رسانه های جمعی محلی در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر، مهاجران دارای لهجه و زبان غیر فارسی، کمتر از رسانه های محلی استفاده کرده اند.

۵۴. رابطه لهجه و زبان مهاجران با نگرش آنها به اهالی جامعه مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر، مهاجران فارس زبان نگرش مثبت تری در مقایسه با مهاجران دارای لهجه های دیگر از خود بروز داده اند.

۵۵. رابطه لهجه و زبان مهاجران با رضایت شغلی آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی افراد دارای لهجه عربی در مقایسه با مهاجران دارای سایر لهجه ها به ویژه فارسی رضایت شغلی کمتری از خود نشان داده اند.

۵۶. با محاسبه نمرات مربوط به شاخص های مختلف سازگاری مشخص شد که حداقل نمره در کل نمونه ۵۴، حد اکثر نمره سازگاری ۱۷۶ و میانگین نمره

سازگاری ۱۲۸ است. در عین حال بالاترین میانگین به مهاجران ساکن کازرون و کمترین مقدار به مهاجران ساکن فسا و شیراز تعلق دارد.

۵۷. رابطه سازگاری مهاجران با شهر محل سکونت آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارت دیگر، با توجه به تعداد مهاجران در شهر های مختلف، مهاجران ساکن شیراز سازگاری بیشتری از خود بروز داده اند.. البته، اگر تنها تعداد را در نظر نگیریم مهاجران ساکن کازرون سازگاری بیشتری در مقایسه با دو شهر شیراز و به ویژه فسا داشته اند.

۵۸. رابطه وضعیت اقتصادی مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی، مهاجران مستقل در نحوه گذراندن زندگی در قیاس با مهاجران وابسته به کمکهای دولتی در گذراندن زندگیشان سازگاری بیشتری از خود بروز داده اند.

۵۹. رابطه جنس مهاجران با سازگاری آنها معنی دار و منفی است. به عبارات دیگر، مردان نسبت به زنان سازگاری بیشتری با محی مقصد داشته اند.

۶۰. رابطه سن مهاجران با سازگاری آنها معنیدار و منفی است. به عبارت دیگر مهاجران جوان تر در مقایسه با سایر گروه های سنی مهاجران سازگاری بیشتری از خود بروز داده اند.

۶۱. رابطه تحصیلات مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. یعنی، با افزایش میزان سواد مهاجران بر سازگاریشان با مقصد افزوده می شود.

۶۲. رابطه وضعیت اشتغال مهاجران با سازگاری آنها معنی دار و منفی است به عبارت دیگر، افراد شاغل در مقایسه با سایر گروه ها (خانه دار، بیکار و بازنشسته) سازگاری بیشتری از خود نشان داده اند.

۶۳. رابطه نوع شغل مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجران دارای مشاغل عالی تر، سازگاری کمتری در مقایسه با سایر مشاغل از خود بروز داده اند.

۶۴. رابطه وضع تأهل مهاجران جنینگ خوزستانی قبل از جنگ و مهاجرت با سازگاری آنها در مقصد معین دار و منفی است. به عبارات دیگر، افرادی که در مبدأ مجرد بوده اند از سازگاری بیشتری در مقایسه با دیگران در مقصد برخوردار شده اند.

۶۵. رابطه وضعیت تأهل فعلی مهاجران یا سازگاری آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی افراد مهاجر مجرد در مقصد در مقایسه با دیگران سازگاری بیشتری از خود نشان داده اند.

۶۶. رابطه بعد خانوار مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و مثبت است. به عبارات دیگر، مهاجران دارای بعد خانوار بزرگ تر در مقایسه با دیگران سازگاری بیشتری با مقصد داشته اند.

۶۷. رابطه نوع مالکیت مسکن مهاجران با سازگاری آنها معنی دار و مثبت است. یعنی افراد دارای مالکیت شخصی بر منزل مسکونی، در مقایسه با دیگران از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردار شده اند.

۶۸. رابطه نوع مالکیت منزل مسکونی مهاجران در مبدأ و سازگاری آنها در مقصد معنی دار و منفی است. یعنی افراد دارای مالکیت شخصی بر منزل مسکونی خود در مقایسه با دیگران در مقصد از سازگاری بیشتری برخوردارند.

۶۹. رابطه وضعیت مسکن مهاجران در مقصد در مقایسه با مبدأ و سازگاری آنها با مقصد معنی دار و مثبت است و به عبارت دیگر مهاجرانی که معتقدند مسکن آنها در مقصد بهتر از مبدأ شده است نسبت به دیگران از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردار شده اند.

۷۰. رابطه درآمد مهاجران در مقصد با سازگاری آنها معنی دار و مثبت است. یعنی گروه های دارای درآمد بیشتر در مقایسه با سایر گروه ها از سازگاری بیشتری در مقصد برخوردارند.

۷۱. رابطهٔ لهجه و زبان مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و منفی است. به عبارات دیگر افراد دارای لهجه و زبان غیر رسمی فارسی در مقایسه با سایر مهاجران فارس زبان سازگاری کمتری با مقصد از خود بروز داده اند.

۷۲. رابطهٔ آشنایی قبلی مهاجران با سازگاری آنها در مقصد معنی دار و مثبت است، یعنی مهاجرانی که از قبل بامحیط مقصد آشنا بوده اند در مقایسه با مهاجرانی که هیچ گونه آشنایی قبلی با آنها نداشته اند از سازگاری بیشتری برخوردار شده اند.

۷۳. رابطهٔ زمان ورود مهاجران به مقصد با سازگاری آنها معنی دار و مثبت است. به عبارات دیگر، مهاجرانی که زودتر وارد مقصد شده اند در مقایسه با آنهایی که دیرتر وارد شده اند، سازگاری بیشتری با مقصد از خود نشان داده اند. یعنی هرچه مدت اقامت مهاجران در مقصد بیشتر باشد، سازگاری بیشتری با مقصد پیدا می کنند.

۷۴. رابطهٔ وصلت بستگان و آشنایان مهاجران با اهالی فارس و سازگاری آنها با مقصد معین دار و منفی است. یعنی آنهایی که از وصلت بستگان و آشنایان خود با اهالی فارس آگاه بوده اند در مقایسه با دیگران سازگاری بیشتری با جامعهٔ مقصد از خود نشان داده اند.

۷۵. رابطه مشارکت مهاجران در فعالیت ها و نهادهای مختلف موجود در جامعه مقصد و سازگاری آنها با جامعه جدید معنی دار و منفی است. به عبارت دیگر مهاجرانی که هرگز در این نهادها و فعالیت های شکت نیم کنند در مقایسه با مهاجرانی که در نهادها و فعالیتهای مختلف موجود در جامعه مقصد شرکت می کنند سازگاری بیشتری با محیط مقصد از خود بروز داده اند

۷۶. رابطه اولویت طرح مسایل و مشکلات بسایر خصوصی با افراد مختلف توسط مهاجران و سازگاری آنها با مقصد معنی دار و منفی است. یعنی مهاجرانی که مسائل و مشکلات بسیار خصوصی خود را در درجه اول با همسر خود در میان یم گذارند در مقایسه با دیگران سازگاری بیشتری با محیط مقصد داشته اند.

۷۷. رابطه تداوم کمک های دولتی به مهاجران تا حال حاضر در مقصد و سازگاری آنها با جامعه جدید معین دار و مثبت است به عبارت دیگر مهاجرانی که در حال حاضر از کمک های دولتی برخوردار نیستند، یعنی حالت خود کفا دارند، در مقایسه با آنهایی که از کمک های دولتی در حال حاضر نیز استفاده می کنند، از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردارند.

۷۸. رابطه سایر متغیر های مستقل یعنی X_{11} (تعداد فرزندان مهاجران)، X_{15} تعداد اتاقهای منزل مسکونی در مبدأ، X_{20} طریق آشنایی قبلی مهاجران با

مقصد)، X_{23} (شهر محل سکونت قبل از مهاجرت در مبدأ)، X_{88} دریافت کمک های دولتی در بدو ورود به مقصد)، X_{91} (میزان کمک های مؤسسات دولتی) و X_{92} (رضایت از رفتار مؤسسات و سازمان های دولتی) با متغیر سازگاری معنی دار نبوده است.

تحلیل رگرسیون مرکب

با استفاده از روش جبری (Enter) متغیر های مستقل $X_{43}, X_{15}, X_{22}, X_{90}$ ، $X_2, X_5, X_{11}, X_6, X_4, X_9, X_{13}, X_{17}, X_{88}, X_{19}, X_3, X_{16}, X_8$ وارد معادله شده اند. سپس با استفاده از پس رونده (Backward) این متغیر ها وارد معادله شده اند. در نهایت متغیر های زیر که دارای حد اقل سطح معنی داری مورد قبول تحقیق بوده اند، در معادله باقی مانده اند و خلاصه یافته های این تست به شرح زیر است.

۱. ضریب همبستگی چند متغیر $R=0/571$ شده است.
۲. ضریب تعیین برابر با $R^2= 0/327$ شده است.
۳. میزان خطای معیار یا خطاهای همبستگی معادل $SE=17/137$ شده است.
۴. مقدار F یعنی نسبت میانگین واریانس رگرسیون به میانگین واریانس باقیمانده محاسبه شده برابر با $F=8/397$ و معنی داری آن برابر $0/000$ شده است.

در نهایت متغیرهای X_{88} ، X_{11} ، X_{22} ، X_{10} ، X_5 ، X_{43} ، X_3 ، X_{13} ، به دلیل فقدان اقل سطح معنی داری قابل قبول برای معادله رگرسیون کنار گذاشته شدند. در نتیجه پارمترهای معادله رگرسیون با متغیرهای باقی مانده در معادله به شرح زیر به دست آمد:

۱. ضریب همبستگی چند متغیر $R=0/561$ شده است.

۲. ضریب تعیین برابر با $R^2=0/315$ شده است.

۳. میزان خطای معیار معادل $SE=17/069$ شده است.

۴. مقدار $F=14/683$ و معنی داری F معادل $0/000$ شد. نتیجه حاصل حاکی از

معنی داری متغیر هیا مستقل زیر با متغیر وابسته است:

۱. رابطه متغیر دوام کمک های دولتی به مهاجران تا کنون با متغیر سازگاری

معنی دار و مثبت است.

۲. رابطه تغییر سن مهاجر در مقصد با متغیر سازگاری معنی دار و منفی

است.

۳. رابطه متغیر درآمد مهاجر در مقصد با متغیر سازگاری معنی دار و مثبت

است.

۴. رابطه متغیر تعداد اتاق های منزل مسکونی مهاجر در مبدأ با متغیر

سازگاری معنی دار و مثبت است.

۵. رابطه متغیر وضع تأهل مهاجر در مبدأ د متغیر سازگاری معنی دار و منفی است.
۶. رابطه متغیر وضعیت اقتصادی مهاجر از نظر نحوه گذراندن زندگی در مقصد و متغیر سازگاری معنی دار و منفی است.
۷. رابطه متغیر وضع اشتغال مهاجر د مقصد با متغیر سازگاری معنی دار و منفی است.
۸. رابطه متغیر مقایسه وضع مسکن مهاجر در مقصد با مبدأ و متغیر سازگاری معین دار و منفی است.
۹. رابطه متغیر آشنایی قبلی مهاجر با محیط مقصد و متغیر سازگاری معنی دار و منفی است.
۱۰. رابطه متغیر وضع تأهل مهاجر در مقصد با متغیر سازگاری معنی دار و منفی است.
۱۱. متغیرهای مستقا استفاده از کمک های دولتی در بدو ورود مهاجران به مقصد (X_{88})، تعداد فرزندان مهاجران در مقصد (X_{11})، سال ورود مهاجران به مقصد (X_{10})، بعد خانوار مهاجران در مقصد (X_5)، مدرک تحصیلی مهاجران در مقصد (X_{43})، وصل بستگان دور و نزدیک مهاجران با اهالی مقصد (X_3)، جنس

مهاجران در مقصد (X_{13}) و تعداد انتقهای منزل مسکونی مهاجران در مقصد، رابطه معنی داری با سازگاری نداشته اند.

بررسی فرضیه های تحقیق در پرتو یافته های تحقیق

۱. فرضیه شماره یک تحقیق یعنی ویژگی های جمعیتی مهاجران جنگی بر سازگاری آنها با جامعه مقصد تأثیر دارد، مورد تأیید قرار گرفت.

۲. از میان چهار فرضیه مشتق از فرضیه کلان شماره یک، فقط یک فرضیه تأیید نشد. یعنی رابطه عمس بین سن و سازگاری، رابطه منفی بین وضع تأهل و سازگاری (سازگاری بیشتر مجرد ها با مقصد)، سازگاری بیشتر مردان در مقایسه با زنان مورد تأیید و فرضیه رابطه منفی میان بعد خانوار و سازگاری رد و داده های تحقیق مؤید رابطه مثبت میان بعد خانوار و سازگاری شد. یعنی هر چه بر بعد خانوار مهاجران جنگی خوزستانی افزوده شود بر میزان سازگاری آنها با جامعه مقصد اضافه می شود.

۳. فرضیه شماره دو تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. یعنی ویژگی های اقتصادی- اجتماعی مهاجران جنگی بر سازگاری آنها با جامعه مقصد تأثیر دارد.

۴. از میان ۸ فرضیه مشتق از فرضیه شماره دو، فرضیه رابطه مثبت بین میزان تحصیلات مهاجران و سازگاری آنها و فرضیه رابطه مثبت بین دریافت

کمک های دولتی و سازگاری مهاجران در مقصد مورد تأیید قرار نگرفته اند. البته، لازم به یادآوری است که در تحلیل جداول تقاطعی و رگرسیون ساده فرضیه رابطه مثبت بین میزان تحصیلات و سازگاری مهاجران تأیید شدند. اما در تحلیل رگرسیون مرکب این فرضی تأیید نشده است. اما فرضیه های رابطه معین دار و مثبت میان مشارکت مهاجران در نهادها و فعالیتهای اجتماعی جامعه مقصد با سازگاری آنها در مقصد، و رابطه مثبت و معنی دار داشتن آشنایان، دوستان و بستگان و سازگاری بیشتر مهاجران در مقصد نیز نه به صورت آنچه در بخش فرضیات مطرح شد، بلکه در خلاف جهت مفروض شده تأیید شده اند.

سایر فرضیه ها یعنی فرضیه رابیه معنی دار و مثبت میان وضعیت اقتصادی مهاجران و سازگاری آنها، رابیه معنی دار و مثبت میان درآمد مهاجران و سازگاری آنها، رابطه معنی دار و مثبت میان ثبات بیشتر پیاگاههای شغلی و سازگاری بیشتر مهاجران با مقصد و رابطه معنی دار و مثبت میان تعامل بیشتر مهاجران جنی و سازگاری بیشتر آنها با مقصد مورد تأیید قرار گرفته اند.

۵. فرضیه شماره سه تحقیق یعنی رابطه مثبت و معنی دار میان متغیر فاصله فرهنگی مهاجران با جامعه مقصد و سازگاری آنها، تأیید ش.

۶. از فرضیات مشتق فرضیه شماره سه، فرضیه رابطه معین دارو منفی میان حساسیت داشتن مهاجران به کاربرد واژگان محلی توسط فرزندان خود و سازگاری با مقصد تأیید نشد. اما فرضیه رابطه معنی دارو مثبت میان نفوت لهجه مهاجران با اهالی مقصد و سازگاری کمتر آنها با جامعه مقصد توسط داده های تحقیق تأیید شد.

۷. فرضیه شماره چهار یعنی رابطه معنی دار و مثبت میان طول مدت اقامت مهاجران در مقصد و سازگاری بیشتر آنها با مقصد از طریق آزمون X^2 و جداول تقاطعی تأیید شد. ولی در تحلیل رگرسیون ساده و مرکب این رابط تأیید نشد. در مجموع می توان گفت بیشتر فرضیات جمعیت شناختی و اجتماعی- اقتصادی در این تحقیق در مقایسه با سایر فرضیات از تأیید بیشتری برخوردار شدند.

جمع بندی و نتیجه گیری نهایی

با توجه به بررسی یافته ها و فرضیات تحقیق می توان گفت چهار چوب نظری تحقیق جز در برخی از موارد در مجموع مورد تأیید قرار گرفت. البته لازم به اشاره است زمینه اصلی چهار چوی نظری تحقیق را نظریه کارکردگرایی تشکیل داده است. اما در عین حال یافته هایی در تحقیق به دست آمد که قابل

توجه است. این یافته ها دارای ایده های نظری قابل توجهی هستند که در صورت تأیید مجدد از سوی تحقیقات دیگر در این زمینه می توانند در تدوین نظریه های مناسب با شرایط کشور مورد توجه و الهام بخش باشند. از جمله: سازگاری مهاجران در مقصد حالت مطلق ندارد و بیشتر حالت بخشی دارد. بدین معنا که می توان سازگاری مهاجران را برای طیفی در نظر گرفت که در کی سر آن گروهی از افراد دارای سازگاری حد اکثر و در سر دیگر آن، افراد دارای حد اقل سازگاری در بین دو سر طیف گروه های دیگر از مهاجران جنگی با سازگاری هیا متفاوت با جامعه مقصد قرار می گیرند. ضمن اینکه ممکن است مهاجران در برخی زمینه ها دارای سازگاری بالا و در برخی از زمینه ها دچار عدم سازگاری یا سازگاری کمتر باشند.

علاوه بر آن، یافته دیگر تحقیق که ناقض ادعای نظریه پردازان کارکردگرایی و سایر نظریه های مطرح شده در این تحقیق بوده است، رابطه مثبت و معنی دار بعد خانوار مهاجر و سازگاری وی در جامعه مقصد است. در حالی که نظریه های یاد شده مدعی اند که خانواده های مهاجران دارای بعد کمتر از سازگاری بیشتری با جامعه مقصد برخوردار می شوند. اما یافته این تحقیق حاکی از آن است که با افزایش بعد خانوار مهاجر بر سازگاری او با جامعه مقصد افزوده شده است. در توجیه و تبیین این امر می توان گفت، احتمالاً مهاجران دارای

خانوار با بعد بیشتر از نیروی انسانی بیشتر و در نتیجه درآمد بیشتر برخوردار می شوند. ضمن آنکه ممکن است به دلیل بعد بیشتر خانوار شرایط مناسب تری در درون خانواده برای ایجاد و تمرین سازگاری با مقصد پیدا کرده باشند.

یافته دیگر، اهمیت نقش ارگان ها و سازمان های دولتی در فراهم آوردن بستر و زمینه مناسب تر برای کاهش مشکلات سازگاری مهاجران تر مقصد است. در کنار آن نقش ویژگی ها و متغیر های فردی نیز از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. در این زمینه نیز نظریه های جدید مورد استفاده در چهار جوب نظری تحقیق از قبیل نظریه های سازگاری بین فرهنگی بر این موارد تأکید زیادی داشته و اهمیت این جنبه ها را می توان تحت عنوان سرمایه انسانی و اجتماعی جامعه برای الهام بخشیدن در تدوین نظریه ها و یا تعدیل نظریه های موجود مورد استفاده قرار داد.

در نهایت، یافته دیگری مه ادعای نظریه های یاد شده به خصوص کارکردگرایی و حاشیه نشینی را تأیید می کند وجود تفاوت ها و فاصله فرهنگی میان مهاجران و جامعه مقص است. همچنین، اهمیت ویژگی های اقتصادی- اجتماعی نیز در این تحقیق برجستگی بسیار زیادی داشت که مؤید ادعای نظریه کارکردگرایی است.

کتابنامه

منابع فارسی

آزاد ارمکی، تقی؛ مهدی بهار. ۱۳۷۷. بررسی مسایل اجتماعی. تهران: مؤسسه نشر جهاد.

آقاجانیان، اکبر؛ مجید پایدار، ۱۳۶۳، پژوهشی در مشکل اجتماعی حاشیه نشینی، شیراز: بخش جامعه شناسی و برنامه ریزی شهری دانشگاه شیراز.

ا. گ برون، و. اف؛ ام. اف. نیم کوف، ۱۳۵۳. زمینه جامعه شناسی، ترجمه و

اقتباس: امیر حسین آریان پور. چلپ هفتم، تهران: انتشارات جیبی و دهخدا.

امین صارمی، نوزر. تابستان ۱۳۷۷. جنگ، مهاجرت تحمیلی و سامان فرهنگی،

فصلنامه نامه پژوهش، شماره ۹، مرکز پژوهشهای بنیادی وزارت فرهنگ و

ارشاد اسلامی. تهران.

انصاری، عبدالمعبود، ۱۳۶۹، ایرانیان مهاجر در ایلات متحده، ترجمه ابوالقاسم،

سری تهران، آگاه.

ایمان، محمد تقی ۱۳۶۷. بررسی درجه انطباق و سازگاری مهاجران افغانی در

سطح شهرستان زاهدان. پایان نامه مارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشگاه

شیراز.

- بیتس، دانیل؛ فرد پلاگ. ۱۳۷۵، انسان شناسی فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- بیرو، آلن؛ ۱۳۶۶. فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، سازمان انتشارات موسسه کیهان.
- بیکر، ترزا. ال. نحوه انجام تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایبی. تهران: انتشارات روش.
- بوتول، گاستون؛ ۱۳۶۸. جامعه شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- پور نجف، جیران؛ ۱۳۷۷. بررسی میزان سازگاری فرهنگی مهاجرین (معاودین) زن عراقی در شهرستان ایلام. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.
- جگر گوشه شیرین، شهرزاد. ۱۳۷۰. حاشیه نشینی د راردبیل: بررسی تفاوت روستاییان و عشایر منطقه سلمان آباد از نظر شهری شدن. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
- چلبی، مسعود؛ ۱۳۵۷. جامعه شناسی نظم. تهران.
- چیتامبار، جی. بی؛ ۱۳۷۳. مقدمه ای بر جامعه شناسی. ترجمه محمد حجاران و مصطفی ازکیا، تهران.

دواس، دی. ای. ۱۳۷۶. پیمایش در تحقیقات اجتماعی. ترجمه هوشنگ نایی. تهران.

رستگار، محمد. ۱۳۷۶. بررسی دلایل ماندگاری مهاجران در مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی، دانشگاه مشهد.

رفیع پور، فرامز، ۱۳۷۲. سنجش گرایش روستاییان نسبت به جهاد سازندگی. تهران: مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستایی.

روشه، گی؛ ۱۳۷۶. جامعه شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبد الحسین نیک گهر، تهران: تبيان.

روزنامه صبح امروز، روشنیه، ۱۸ مرداد ۱۳۷۸ تهران.

روزنامه اطلاعات، شماره ۲۰۸۰۸ سال ۱۳۷۵ تهران: مؤسسه اطلاعات.

ریتزن، جورج؛ ۱۳۷۴. نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی. تهران.

زارع، بیژن ۱۳۶۷. بررسی فرآیند سازگاری مهاجرین جنگی: مطالعه موردی مهاجرین جنگی خوزستانی در شیراز. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه شناسی. دانشگاه شیراز.

زایتن، ام، ا؛ ۱۳۷۳. و دیگران. آینده بنیانگذاران جامعه شناسی. ترجم، غلامعباس توسلی. تهران: قدس.

ساعی، علی؛ ۱۳۷۷. آمار در علوم اجتماعی با کاربرد نرم افزار + SPSS/PC در

پژوهشهای اجتماعی، تهران: مؤسسه نشر جهاد.

سرای، حسن، ۱۳۷۲. مقدمه ای بر نمونه گیری در تحقیق. تهران: سمت.

ساروخانی، باقر و همکاران. ۱۳۵۰. ایرانیان بازگشته از عراق. مؤسسه

مطالعات و تحقیقات اجتماعی، بخش تحقیقات روان شناسی اجتماعی، دانشکده

علوم اجتماعی و تعاون.

ساروخانی، باقر؛ ۱۳۷۰. دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: سازمان

انتشارات مؤسسه کیهان.

سهرابزاده، مهرا و عباس عبدی، ۱۳۷۱. بهره مندی شهروندان تهرانی از

مطبوعات، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه های و زرات فرهنگ و ارشاد

اسلامی.

شیخی، محمد تقی. ۱۳۶۷. تحلیل و کاربرد جمعیت شناسی. تهران: اشراقی؛

عبدی، عباس؛ ۱۳۷۰. آزمون فرضیه در علوم رفتاری، به ضمیمه برنامه آماری

SPSS: نشر حنانه.

عبد اللهی، محمد؛ ۱۳۷۵. بینش های جامعه شناسی. جزوه درسی کارشناسی

ارشد پژوهشگری، تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.

عدالتی، علی ۱۳۷۶. بررسی سازگاری مهاجرین شهرستان لامرد در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلا واحد دهاقان.

مروری بر تحولات جنگی، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفت و گو، شماره ۲۳، تهران.

کرلینجر، فرد. ن و لازار. جی. پدهاوزر. رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری. ترجم، حسن سرایی، جلد اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

کرلینجر، فرد. ن ۱۳۷۶. مبانی پژوهش در علوم رفتاری. ترجمه حسن پاشا شریفی و جعفر نجفی زند. جلد دوم. تهران: مؤسسه انتشارات آوای نور.

کولتز، جان. دابلیو ۱۳۶۹. ارتباط گفتاری میان مردم. ترجم، علی اکبر میر حسینی و دیگران. تهران: امیر کبیر.

کلمن، جیمز. ۱۳۷۷. بنیادهای نظریه اجتماعی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.

کوئن، بروس. ۱۳۷۰. درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: فرهنگ معاصر.

کوزر، لیویس ۱۳۷۳. زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.

- گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳. جامعه شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- لنسکی، گرهارد و جین لنسکی ۱۳۶۹، سیر جوامع بشری. ترجمه ناصر موفقیان. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- لهسایی زاده، عبد العلی، ۱۳۶۷. جنگ و مهاجرت: بررسی نظری مهاجرین جنگی. مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در بازسازی. جلد اول. شیراز: دانشگاه شیراز.
- دیدگاه‌های چجامعه شناختی مهاجرت از روستا به شهر. مجموعه مقالات نظریات مهاجرت شیراز: نوید.
- لی، اورت، اس. ۱۳۶۸. یک نظریه مهاجرت. ترجمه بیژن زارع. شیراز: نوید.
- « مروری بر تحولات جنگ ». فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو. شماره ۲۳. تهران، بهار ۱۳۷۱.
- محسنی منوچهر ۱۳۶۶. جامعه شناسی عمومی. تهران کتابخانه طهوری.
- ۱۳۷۵. بررسی آگاهی ها، نگرش ها و رفتار های اجتماعی و فرهنگی در ایران. تهران: معاونت پژوهشی وزرات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نتایج تفصیلی سر شماری عمومی نفوس و مسکن استان فارس در سال ۱۳۷۵. مهر ۱۳۷۶. انتشارات مرکز آمار ایران.
- نیک گهر، عبد الحسین ۱۳۶۹. مبانی جامعه شناسی. تهران: رایزن.

نوذری، عزت الله و شاپور میلان. ۱۳۶۷. مهاجرت اجباری بر اثر جنگ تحمیلی
مجموعه مقالات دومین گردهمایی دانشگاه شیراز پیرامون نقش پژوهش در
بازسازی. جلد اول. شیراز دانشگاه شیراز.

والی پور، ایرج، روانشناسی سازگاری. تهران: توس.

واسکوئز، آنا، ۱۳۶۶. روانشناسی کارگران مهاجر. پیام یونسکو. شماره ۱۸۵.
تهران: انتشارات یونسکو

وصوقی، منصور و علی اکبر نیک خلق ۱۳۷۰. میانی جامعه شناسی. تهران:
خردمند.

وایزبرگ. هربرت ف. د. براون. ۱۳۶۳. درآمدی به تحقق پیمایشی و تحلیل داده
ها. ترجمه جمال عابدی، تهران: نشر دانشگاهی.